

آمار حیاتی:

هدف:

کتابی راهنما برای لاویان که وظایف کهناتی ایشان در امر عبادت را شرح می‌داد، و کتابی جامع و مفید برای عبرانی‌ها که به آنان می‌آموخت چطور مقدس زندگی کنند.

نویسنده:

موسی

تاریخ وقایع:

۱۴۴۵-۱۴۴۴ ق.م.

زمینه تاریخی:

در پای کوه سینا. خدا به قوم اسرائیل یاد می‌دهد چطور مقدس زندگی کنند.

آیه کلیدی:

«مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما، مقدس هستم» (۲:۱۹).

شخصیت‌های مهم:

موسی، هارون، ناداب، ابیهو، العازار، ایتمار

مکان مهم:

کوه سینا

ویژگی خاص:

در این کتاب بیش از هر کتاب دیگر کتاب مقدس به موضوع تقدس اشاره شده است (۱۵۲ بار).



«خدا در آن دور دستها به نظر می‌رسد... ای کاش می‌شد او را بینم یا صدایش را بشنوم» آیا تابحال دچار چنین احساسی شده‌اید؟ آیا شده با تنهایی و نومییدی دست به گریبان باشید، در منجلاب گناه افتاده باشید و مشکلات شما را از هر سو احاطه کرده باشد؟ ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم تا بتوانیم با او رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم؛ وقتی رابطه‌مان با او گسسته شود، احساس نقص می‌کنیم و لازم است مرمت شویم. اصل و اساس عبادت همانا مشارکت با خدای زنده است. چنین مشارکتی حیاتی است و هسته مرکزی زندگی‌مان را تشکیل می‌دهد. شاید به همین دلیل است که از میان کتب کتاب مقدس، یک کتاب تمام به موضوع عبادت اختصاص یافته است. قوم اسرائیل در پی خروج شگفت‌انگیزشان از مصر، دو سال تمام در پای کوه سینا اردو زدند تا به صدای خدا گوش دهند (از خروج باب ۱۹ تا اعداد فصل ۱۰). این دو سال، دوران استراحت، تعلیم، پرورش، و ملاقات رودرو با خدا بود. نجاتی که در خروج شاهد آنیم، پایه و اساس پاکی، عبادت، و خدمتی را تشکیل می‌دهد که موضوع اصلی کتاب لاویان است.

پیام اصلی لاویان، قدوسیت خدا است - «مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما، مقدس هستم» (۲:۱۹). اما انسانهای گناهکار چطور می‌توانند به حضور خدایی قدوس بیایند؟ پاسخ این است که اول باید گناه از میان برداشته شود. به همین خاطر است که فصل‌های آغازین کتاب لاویان حاوی دستورالعمل‌هایی است مبسوط و مفصل درباره نحوه تقدیم قربانی، زیرا در آن زمان قربانی نماد توبه و اطاعت بود. قربانی که تقدیم خدا می‌شد - از گاو و بز و گوسفند گرفته تا گندم و جو - می‌بایست کاملاً بی‌عیب و نقص می‌بود و هیچ ایرادی نباید در آن یافت می‌شد؛ زیرا این قربانی‌ها تصویری بود از آن قربانی نهایی یعنی عیسی، بره خدا، که می‌آمد تا در راه گناهان بشر قربانی شود و بدین ترتیب راه را برای ارتباط ما با خدا هموار سازد. عبادت حقیقی و یگانگی با خدا زمانی آغاز می‌شود که به گناهان خود اعتراف کنیم و مسیح را به‌عنوان تنها کسی که می‌تواند ما را از گناه نجات دهد و دستمان را در دست خدا بگذارد، بپذیریم.

در کتاب لاویان، قربانی‌هایی که گذرانده می‌شد، و نیز کاهنان و روز مقدس کفاره، جملگی راه را برای قوم اسرائیل باز می‌کرد تا بتوانند به حضور خدا بیایند. قوم خدا می‌بایست با نحوه زندگی‌شان نیز خدا را عبادت می‌کردند. به همین خاطر است که در این کتاب در مورد احکام طهارت (۱۱-۱۵)، قوانین روزمره مربوط به مسؤولیت‌های خانوادگی، قوانین مربوط به امور جنسی، روابط، و امور دنیوی (۱۸-۲۰)، و نیز مقررات مربوط به ایراد سوگند (۲۷) مطلب‌ها می‌خوانیم. هدف از این احکام و دستورالعمل‌ها این است که به فرد کمک کند تا در کمال تقدس با خدا راه رود؛ الگویی است برای زندگی روحانی که امروزه نیز کماکان کاربرد دارد. بنابراین، عبادت و پرستش خدا بُعدی افقی نیز دارد و آن زمانی است که او را از طریق زندگی و نحوه ارتباط‌مان با دیگران جلال می‌دهیم.

پادشاهی متحد تحت سلطنت شائول ۱۰۵۰	آغاز دوران حکومت داوران ۱۳۷۵	رحلت موسی / ورود به کنعان ۱۴۰۶	اردو زدنِ اسرائیل در کوه سینا ۱۴۴۴	اعطای ده فرمان ۱۴۴۵	خروج از مصر ۱۴۴۶
---	------------------------------------	--------------------------------------	--	---------------------------	------------------------

و بالاخره کتاب لاویان بر برگزاری اعیاد مختلف تأکید دارد و در این باره رهنمودهایی مهم ارائه می‌دهد. این اعیاد فرصتی بود ویژه برای به یاد آوردن اعمال خدا، سپاسگزاری از او، و وقف نمودنِ مجددِ زندگی در راه خدمت به او؛ این امر به‌طور منظم تکرار می‌شد (فصل ۲۳). سنن و اعیاد مسیحی متفاوتند، اما جملگی جزء جدایی‌ناپذیر عبادت خدایند. ما نیز به روزهای به‌خصوصی نیاز داریم تا در آن به اتفاق برادران و خواهران ایماندار خود خدا را بپرستیم و نیکویی‌های او را در زندگی خود به یاد آوریم. بنابراین با مطالعه کتاب لاویان، خود را مجدداً وقف زندگی مقدس بنمایید. در خلوت نزد خدا به گناهانتان اعترافات کنید، و در جمع او را خدمت کرده، به اتفاق یکدیگر خدا را با جشن و پایکوبی بپرستید.

تقسیم‌بندی کلی:

آنچه خدا در مورد نحوه عبادت دستور می‌دهد، برای امروز ما نیز کاربرد دارد و رهنمودهایی عملی در خصوص پرستش ارائه می‌دهد.

به واسطه قربانی در می‌یابیم که گناه مسأله‌ای است جدی، و باید گناهانمان را به حضور خدا بیاوریم تا ما را ببخشد.

روز کفارۀ پیشاپیش تصویری است از مسیح که در راه گناهان ما قربانی شد.

این واقعیت که چطور خدا با گناهان قوم اسرائیل مقابله می‌کرد، برای ما نشاندۀ این است که او امروز نیز می‌خواهد گناه را از زندگی ما بزداید.

خدا بین اسرائیل و اقوام بت‌پرست مجاور تمایز قائل شد. امروز نیز بر مسیحیان است که از گناه دوری جویند و خود را وقف خدا سازند.

تمام قوم- از جمله کاهنان- می‌بایست پیش از آمدن به حضور خدا مراسم طهارت ویژه‌ای را به‌جا می‌آوردند. از این امر به پاکی و قدوسیت خدا پی می‌بریم.

الف - پرستش خدایی مقدس
(۱:۱ - ۱۶:۱۷)

- ۱- مقررات مربوط به قربانی
- ۲- مقررات مربوط به کاهنان
- ۳- مقررات مربوط به قوم
- ۴- مقررات مربوط به قربانگاه

ب - مقدس زندگی کردن
(۱:۱۸ - ۳۴:۲۷)

- ۱- معیار زندگی قوم
- ۲- معیار زندگی کاهنان
- ۳- فصول و اعیاد
- ۴- بهره‌مند شدن از برکات خدا

موضوعات مهم

موضوع	توضیحات	اهمیت موضوع
قربانی / هدایایی تقدیمی	پنج نوع هدیه تقدیمی وجود دارد که بر روی هم دو هدف اصلی را دنبال می‌کنند: اول اینکه این هدایا نشاندهنده ستایش و سپاس به درگاه خدا و اخلاص و ارادت نسبت به او است، و دیگر اینکه کفاره‌ای است برای زدودن گناهان و خطاهای مردم.	قربانی یا هدایای تقدیمی به منظور عبادت و کسب آموزش گناه به حضور خدا آورده می‌شد. از این طریق است که به تاوان گناه پی می‌بریم، زیرا در می‌یابیم که از آمرزیدن گناهان خود عاجزیم. مطابق شریعت خدا، جان موجودی باید در ازای رهایی موجودی دیگر فدا شود. در نظام عهدعتیق، جان حیوانی فدا می‌شد تا انسان نجات یابد؛ اما این کار صرفاً جنبه‌ای موقتی داشت تا زمانی که عیسی با مرگ خود برای همیشه تاوان گناه تمام اینای بشر را بپردازد.
عبادت	هفت عید به‌عنوان اعیاد مذهبی و ملی تعیین شد. این اعیاد در این خصوص که خدا را هم باید با جشن و سرور پرستید و هم در سکوت توأم با تفکر و اخلاص، نکات زیادی به ما می‌آموزد.	قوانین خدا در خصوص نحوه عبادت نشان می‌داد که اگر انسان می‌خواهد با او در ارتباط باشد، باید از الگویی منظم و معین پیروی کند. این قوانین مشخص می‌کرد که چه وقت می‌توان به شکرگزاری و جشن و پایکوبی پرداخت، و چه وقت هنگام تکریم و وقف مجدد خود به خدا است. ما نیز باید در عبادات خود از همین الگو پیروی کنیم.
سلامتی	در خصوص چگونگی مصرف غذا، نحوه مقابله با بیماری و مسائل مربوط به روابط جنسی سلسله قوانینی مدنی وضع شد. در پس این اصول جسمانی، حقایق روحانی بسیاری نهفته بود. بر اسرائیل بود که با امت‌های پیرامون خود فرق داشته باشد. خدا بدین ترتیب قوم خود را از گزند بیماری و مشکلات ژنتیکی محفوظ می‌داشت.	باید از لحاظ اخلاقی و روحانی با بی‌ایمانانی که در اطراف ما هستند فرق داشته باشیم. اصول مربوط به شیوه صحیح زندگی، امروز نیز به اندازه زمان موسی مهم‌اند. محیط و بدنی سالم باعث می‌شود خدمت مان مفیدتر و بیشتر مُثمر باشد.
تقدس	مقدس به معنی «جداشده» یا «وقف‌شده» می‌باشد. خدا قوم خود را از مصر بیرون آورده بود؛ حال می‌خواست هر چیزی را نیز که رنگ و نشانی از مصر داشت از زندگی قوم خارج سازد. به قوم نشان می‌داد که چطور باید زندگی به سبک مصر را با طرق او جایگزین سازند.	تمام جنبه‌های زندگی ما باید وقف خدا باشد. خدا می‌خواهد هم در انگیزه‌ها، همان‌طریق او باشیم، هم در اعمالمان. درست است که دیگر لازم نیست تمام فریاض و مناسک عبادتی قوم اسرائیل را رعایت کنیم، اما باید با همان روحیه اخلاص و سرسپردگی آماده خدمت به او باشیم.
لاویان	لاویان و کاهنان به قوم یاد می‌دادند چطور خدا را پرستند. آنان خادمین و کشیشان روزگار خود بودند. افزون بر این، بر امور اخلاقی، مدنی، و شرعی نیز نظارت داشتند، به وضع بهداشتی و رفاهی قوم رسیدگی می‌کردند، و در اجرای عدل و داد نیز مرجع بودند.	لاویان خادمینی بودند که راه دستیابی به خدا را به قوم اسرائیل نشان می‌دادند. آنان زمینه را به‌لحاظ تاریخی برای ظهور مسیح که هم کاهن اعظم ما است و هم در عین حال خادم ما، هموار کردند.

الف) پرستش خدایی مقدس (۱:۱ - ۱۶:۱۷)

قوم اسرائیل به سلامت به پای کوه سینا رسیده‌اند و کار بنای خیمه عبادت نیز تکمیل شده است. قوم مدت زمانی مدید همین جا می‌مانند. خدا در طی این مدت شیوه زندگی جدیدی به آنان می‌آموزد و به‌وضوح - در قالب دستورالعمل‌هایی مشخص - به ایشان نشان می‌دهد که انسان گناهکار چگونه می‌تواند با خدایی مقدس ارتباط برقرار نماید. این قوانین و دستورالعمل‌ها به ما کمک می‌کند رابطه‌مان را با این خدای مقدس سرسری نگیریم. در این قسمت به تقدس و عظمت خدایی پی می‌بریم که اجازه یافته‌ایم با او رابطه‌ای شخصی داشته باشیم.

۱ مقررات مربوط به قربانی

قربانی سوختنی

خداوند از خیمهٔ عبادت با موسی سخن گفت و به او فرمود که دستورات زیر را به قوم اسرائیل بدهد:

وقتی کسی برای خداوند قربانی می‌کند، قربانی او باید گاو، گوسفند و یا

۱:۱
خرو ۲۴:۲۵
اعد ۸۹:۷
۲:۱
لاو ۱۳:۹-۱۷؛ ۸:۱
۱۹:۲۲؛ ۲۵:۲۰
عبر ۱۴:۹

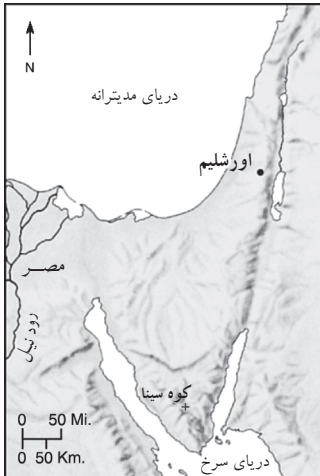
ارادت قلبی خود را نسبت به خدا ابراز نمایند. رعایت این گونه مراسم و تشریفات مذهبی برای قوم بهترین طریق دل بستن به خدا بود.

۳۹:۱ و ۴۰:۱ آیا قربانی با هدیه تقدیمی فرق داشت؟ این دو کلمه در کتاب لاویان هر دو به یک معنا می‌باشند. معمولاً مراد از هدیه تقدیمی، قربانی مخصوصی بود (نظیر هدایای سوختنی، هدیه آردی، یا هدیه سلامتی). هدایا را به‌طور کلی قربانی می‌نامیدند. نکته مهم اینجا است که فرد از طریق **قربانی کردن هدیه‌اش** بر قربانگاه، آن را **تقدیم** خدا می‌کرد. در عهدعتیق، قربانی تنها راه رسیدن به خدا و برقراری ارتباط مجدد با او بود.

۱:۱ پای کوه سینا، همانجا که کتاب خروج پایان می‌یابد، نقطه آغاز لاویان است. کار بنای خیمه عبادت اکنون به اتمام رسیده (خروج فصل‌های ۳۵ تا ۴۰) و خدا آماده است به قوم یاد دهد چگونه او را عبادت نمایند. **۳۹:۱ و ۴۰:۱** ممکن است دچار این وسوسه شویم که کتاب لاویان را همچون کتابی که جز مقداری تشریفات مذهبی عجیب و غریب مربوط به روزگاری بعید در آن نیست، مردود بشماریم. اما این مراسم مذهبی برای مردم آن زمان کاملاً پرمعنی بود و امروز نیز در خصوص ذات و شخصیت خدا نکات مهمی به ما می‌آموزد.

قربانی کردن حیوانات از دید بسیاری از مردم حساس روزگار ما کاری است وحشیانه و نفرت‌انگیز. بی‌شک در زمان کتاب‌مقدس هم همین طور بوده است. نکته هم دقیقاً همین جا است: گناه به‌راستی مسأله‌ای جدی است. قوم با مشاهده ماهیت رقت‌انگیز و تکان‌دهنده عمل قربانی، در می‌یافتند اعمال و رفتارشان به‌راستی چقدر مهم است، و بنابراین بیشتر مواظب رفتارشان بودند. امروزه در فرهنگ ما با مسأله خشونت چنان سطحی برخورد می‌شود که نسبت به موضوع درد و گناه نیز نگرشی سطحی در اذهان پدید آمده است.

اگرچه بسیاری از آیینها و مناسک موجود در کتاب لاویان مربوط به فرهنگ آن زمان است، هدف از آنها این بود که قوم در یابند خدا متعالی و قدوس است و باید او را بپرستند و دوست بدارند. مراد از دستورات خدا و ضرورت قربانی این بود که قوم از این طریق اخلاص و



قوم اسرائیل در کوه سینا
قوم اسرائیل در سراسر کتاب لاویان پای کوه سینا اردو زده بودند. قوم اکنون مهیای عزیمت به جانب سرزمین موعود بود و بنابراین می‌بایست به‌عنوان یک ملت انسجام می‌یافت و به اهمیت پیروی از خدا پی می‌برد.

بز باشد. ^۳ اگر بخواهد برای قربانی سوختنی یک گاو قربانی کند، آن گاو باید نر و بی‌عیب باشد. گاو را دم در ورودی خیمهٔ عبادت بیاورد تا مورد قبول خداوند قرار گیرد. ^۴ شخصی که آن را می‌آورد، باید دستش را روی

۴:۱
خرو ۱۰:۲۹؛ ۱۹:۱۵
لاو ۳۵:۱۳-۴
اعد ۱۲:۱-۸؛ ۱۵:۲۵
۲ توآ ۲۴:۲۹

نیز نماد ذات کامل قربانی واقعی، یعنی عیسی مسیح بود که به زودی می‌آمد.

سپس بر فرد گناهکار بود که به‌هنگام ذبح حیوان توسط کاهن، دستش را بر سر حیوان بگذارد. این کار نماد آن بود که فرد گناهکار خود را کاملاً با حیوانی که جایگزین او شده، تداعی می‌کند. او اندوه و پشیمانی خود را بابت گناهی که مرتکب شده بود، به آن حیوان منتقل می‌کرد، و از این رو گناهانش بر داشته می‌شد. در آخر، حیوان به‌طور کامل (به جز خون و پوستش) بر روی قربانگاه سوزانده می‌شد، که نشانه وقف و سرسپردگی کامل شخص نسبت به خدا بود.

بدیهی است که خدا از قومش چیزی بیش از صرف قربانی انتظار داشت. او از فرد گناهکار می‌خواست هنگام تقدیم قربانی، با توبه و پشیمانی به حضور او بیاید. قربانی که نماد ظاهری درخواست بخشایش بود می‌بایست با تغییری درونی، یعنی احساس ندامت و پشیمانی توأم می‌بود. باین‌حال باید این واقعیت را به یاد داشته باشیم که در عمل، گناه را نه قربانی می‌زدود و نه توبه فرد گناهکار، بلکه تنها خدا است که گناه را می‌بخشاید. از خوش‌اقبالی ما این بخشایش جزئی از ذات پر محبت او است.

۳:۱ این قربانی‌ها چه چیزی به قوم می‌آموخت؟ (۱) از آنجا که حیوان می‌بایست بی‌عیب باشد و کاهن نیز مقدس تا قربانی مقبول واقع گردد، قوم در می‌یافت باید برای خدایی مقدس حرمت و احترام فراوان قائل باشد. (۲) از آنجا که قوم می‌بایست در خصوص نحوه قربانی گذراندن دقیقاً از دستورات خدا اطاعت می‌کرد، از این طریق یاد می‌گرفت کاملاً به قوانین خدا اعتماد کند. (۳) از آنجا که قوم می‌بایست حیوانات را قربانی می‌کرد که در زمان کتاب مقدس بسیار بارزش و گران‌قیمت بودند، از این طریق در می‌یافت که تاوان گناه به‌راستی چه سنگین است و کسی که برای خدا قربانی می‌گذراند، حتماً باید این کار را در کمال خلوص نیت انجام دهد.

۴:۱ اسرائیل تنها قومی نبود که حیوانات را قربانی می‌کرد، بلکه بسیاری از مذاهب بت‌پرستی نیز برای خشنود ساختن خدایان خود، حیوانات را قربانی می‌کردند. حتی گاه انسانها را نیز قربانی می‌نمودند- عملی که به‌شدت از سوی خدا منع شده بود. مع‌الوصف، معنا و مفهومی که در پس قربانی حیوانات در اسرائیل نهفته بود، آشکارا با قربانی بت‌پرستان فرق داشت. قوم اسرائیل حیوانات را به

۲و۲:۱ وقتی خدا به قومش یاد داد چطور او را بپرستند، بر قربانی تأکیدی خاص داشت. چرا؟ زیرا در زمان عهدعتیق خدا می‌خواست مردم از این طریق بابت گناهانشان از او آمرزش بطلبند. خدا از همان زمانی که بشر نخستین گناه را مرتکب شد، این نکته را روشن ساخت که گناه میان او و انسان جدایی می‌افکند، و هر کس که گناه کند مستحق مرگ است. ولی از آنجایی که همه گناه کرده‌اند (رومیان ۳:۲۳)، خدا آیین قربانی را مقرر داشت تا انسان گناهکار بتواند از این طریق آمرزیده شود و مجدداً با او ارتباط برقرار نماید.

از آنجا که او خدای رحمت و محبت است، از همان ابتدای کار تصمیم گرفت به دنیای ما بیاید و به‌عنوان تاوان گناه جمیع مردم جهان، جان خود را فدا کند. او این کار را از طریق پسرش انجام داد- کسی که با وجود خدا بودن، هیأت و ویژگیهای انسان را به خود گرفت. و اما خدا در این ضمن، بیش از آنکه پسرش را همچون قربانی غایبی بشر به این جهان بفرستد، به تمام مردم دستور داد به‌عنوان تاوان گناهانشان، حیوانات را قربانی کنند. قربانی حیوانات به دو هدف صورت می‌گرفت: (۱) حیوان به‌طور نمادین جایگزین فرد گناهکار می‌شد و جریمه گناه را به جای او می‌پرداخت، و (۲) مرگ حیوان مظهر جان موجودی بود که فدا می‌شد تا موجودی دیگر از مرگ خلاصی یابد.

این شیوه قربانی در سراسر دوران عهدعتیق ادامه یافت و در تعلیم، هدایت، و باز گرداندن مردم به سوی خدا بسی سودمند افتاد. اما در زمان عهدجدید، مرگ مسیح آخرین و کامل‌ترین قربانی انسان بود. با مرگ او، دیگر نیازی به قربانی حیوانات نبود. اکنون همه می‌توانند با ایمان آوردن به عیسی و قبول هدیه بخشایش، از مجازات گناه رهایی بیابند. قربانی یا هدیه تقدیمی انواع مختلف داشت. این تنوع، به قربانی‌هایی که به حضور خدا آورده می‌شد معنا و مفهوم بیشتری می‌بخشید، زیرا هر یک به جنبه و موقعیتی خاص از زندگی فرد مربوط می‌شد. قربانی به نشانه پرستش، ستایش و شکرگزاری، و نیز به‌عنوان وسیله کسب آمرزش و برقراری ارتباط با خدا به حضور او تقدیم می‌شد. هفت فصل اول کتاب لاویان شرحی است بر انواع قربانی و چگونگی گذراندن آن توسط قوم.

۲و۲:۱ اولین قربانی که خدا مقرر داشت، قربانی سوختنی بود. فرد گناهکار می‌بایست حیوان بی‌عیبی را نزد کاهن می‌آورد. این حیوان بی‌عیب نماد آن کمال اخلاقی بود که خدای قدوس از قوم خود انتظار داشت، و

سر حیوان بگذارد. به این ترتیب آن قربانی پذیرفته شده، گناهان شخص را کفاره می‌کند. بعد خود آن شخص حیوان را در حضور خداوند سر ببرد و پسران هارون که کاهنند، خون آن را بیاورند و بر چهار طرف قربانگاه که جلو در ورودی خیمهٔ عبادت است، بپاشند. سپس آن شخص پوست گاو را

۵:۱
لاو ۱:۱۱؛ ۳:۸و۷؛
۱۵:۱۶
عبر ۱۲:۲۴
۶:۱
لاو ۸:۷
نخ ۱۳:۳۱

قربانی‌ها	قربانی	هدف	اهمیت	مسیح، قربانی کامل
پنج قربانی مهمی که قوم اسرائیل به حضور خدا تقدیم می‌کردند، در اینجا فهرست‌وار ذکر شده است. یهودیان این قربانی‌ها را تقدیم می‌کردند تا خدا گناهانشان را ببخشد و بتوانند دوباره با او مشارکت داشته باشند. اما با مرگ عیسی مسیح دیگر نیازی به این گونه قربانی‌ها نیست. تمام گناهان ما به‌خاطر مرگ او به‌طور کامل بخشیده شده و میان ما و خدا رابطه‌ای دوستانه برقرار گردیده است.	قربانی سوختنی (لاویان فصل ۱ - اختیاری)	تا به‌طور کلی تاوان گناه باشد	علامت سرسپردگی فرد نسبت به خدا بود	مرگ مسیح، قربانی کامل بود
	هدیه آردی (لاویان فصل ۲ - اختیاری)	تا به‌هنگام عبادت نشاندنده احترام به خدا باشد	فرد با تقدیم این هدیه اذعان می‌داشت که هر چه دارد از آن خدا است	مسیح انسان کاملی بود که تمامیت وجود خود را در راه خدا و مردم نهاد
	قربانی سلامتی (لاویان فصل ۳ - اختیاری)	تا بیانگر سپاس و قدردانی از خدا باشد	مظهر آشتی و مشارکت با خدا بود	مسیح تنها راه دوستی و مشارکت ما با خدا است
	قربانی گناه (لاویان فصل ۴ - اجباری)	به‌عنوان تاوان نجاست، گناهان سهوی و گناهان غیرعمدی به حضور خدا آورده می‌شد	باعث می‌شد فرد گناهکار دوباره بتواند با خدا در ارتباط باشد؛ نشان می‌داد که گناه مسأله‌ای است جدی	مرگ مسیح رابطه دوستانه ما را با خدا بار دیگر برقرار می‌سازد
	قربانی گناه (لاویان فصل ۵ - اجباری)	تاوان گناهی بود که فرد نسبت به خدا یا دیگران مرتکب شده. فرد گناهکار می‌بایست هم برای خدا قربانی می‌گذراند، هم به کسی که نسبت به او گناه کرده بود خسارت می‌پرداخت	از این طریق به کسی که آسیب دیده بود خسارت پرداخت می‌شد و به اصطلاح جبران مافات می‌گردید	مرگ مسیح عواقب مرگبار گناه را از میان بر می‌دارد

او می‌بایست با قوم خود از صفر شروع می‌کرد: نحوه اداره امور جامعه را به آنان می‌آموخت، پرستش حقیقی را از نو یادشان می‌داد، و رسم و رسومات بت‌پرستی را که در مصر یاد گرفته بودند از میانشان می‌زدود. دقیق و موشکافانه بودن این احکام مانع از این می‌شد که قوم اسرائیل دوباره به شیوه زندگی سابق باز گردد. به‌علاوه، هر قانون تصویری است گویا و تکان‌دهنده از جدی بودن مسأله گناه و رحمت عظیم خدا که حاضر است گناهکاران را ببخشد.

قصد خشنود ساختن خدا قربانی نمی‌کردند، بلکه این کار را از آن رو انجام می‌دادند که حیوان قربانی جایگزینی بود برای مجازاتی که خود به علت گناه مستحق آن بودند. قربانی نشانه ایمان به خدا و اطاعت از احکام او بود. از آن مهم‌تر اینکه نظام قربانی پیشاپیش روزی را نوید می‌داد که بره خدا (عیسی مسیح) در راه ما می‌میرد و با این کار یک بار و برای همیشه بر گناه پیروز می‌شود.

۱۳-۴:۱ چرا برای تقدیم هر قربانی این همه مقررات وجود داشت؟ خدا از صدور این دستورات هدفی داشت.

بکند و آن را قطعه‌قطعه کند،^۷ و کاهنان هیزم روی قربانگاه بگذارند، آتش روشن کنند^۸ و قطعه‌ها و سر و پیه آن را روی هیزم قرار دهند.^۹ آنگاه آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گاو را با آب بشوید و کاهنان همه را روی قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.

^{۱۰} اگر گوسفند یا بز برای قربانی بیاورند، آن نیز باید نر و بی‌عیب باشد. ^{۱۱} شخصی که آن را می‌آورد باید در سمت شمالی قربانگاه در حضور خداوند سرش را ببرد و کاهنان که پسران هاروندند، خونس را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند. ^{۱۲} سپس، آن شخص حیوان قربانی شده را قطعه‌قطعه کند و کاهنان این قطعه‌ها را با سر و پیه آن روی هیزم قربانگاه بگذارند. ^{۱۳} آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گوسفند یا بز را با آب بشوید. سپس کاهنان همه آنها را روی آتش قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.

^{۱۴} اگر کسی می‌خواهد برای قربانی سوختنی پرنده قربانی کند، آن پرنده باید قمری یا جوجه کبوتر باشد. ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} کاهن، پرنده را بگیرد و جلو قربانگاه ببرد، سرش را بکند بطوری که خونس بر پهلو قربانگاه بریزد. چینه‌دان و محتویات داخل شکم را در آورد و آنها را در طرف شرق قربانگاه درجایی که خاکستر قربانگاه ریخته می‌شود بیندازد. سپس بالهای پرنده را گرفته، آن را از وسط پاره کند بدون اینکه پرنده دو تکه شود. آنگاه کاهن آن را روی هیزم قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.

هدیه آردی

۲ هرگاه کسی برای خداوند هدیه آردی آورد، هدیه او باید از آرد مرغوب باشد. او باید روغن زیتون روی آن بریزد و کندر بر آن بگذارد. ^۲ سپس یک مشت از آن را که نمونه تمام هدیه است به یکی از کاهنان بدهد تا آن را بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود. ^۳ بقیه آرد به هارون و پسرانش داده شود تا برای خوراک

۸:۱
خرو ۱۷:۲۹
لاو ۳:۳ و ۵:۴
۹:۱
پیدا ۲۱:۸
خرو ۱۷:۲۹ و ۱۸
اعد ۱۵:۹
افس ۲:۵
فیل ۱۸:۴

۱۴:۱
پیدا ۹:۱۵
لاو ۸:۱۲
۱۵:۱
لاو ۹:۵

۱:۲
خرو ۲:۲۹
لاو ۱۸:۱۴، ۷:۲۴ و ۲۱:۴
اعد ۱۵:۲۱
۲:۲
لاو ۱۳:۱۲، ۹:۲ و ۱۸:۱۵
۳:۲
لاو ۱۳:۱۲، ۱۰
اعد ۱۱:۸

و روغن مرغوب، (۳) دانه‌های گندم برشته‌شده، آغشته به روغن و کندر. فقدان خمیرمایه نماد فقدان گناه بود و روغن نماد حضور خدا. از این هدیه آردی، مقداری به‌عنوان هدیه روی قربانگاه برای خدا سوزانده می‌شد و بقیه را کاهنان می‌خوردند. این هدایا کمکی بود در جهت تأمین مایحتاج زندگی ایشان.

۱:۲ تمام قربانی‌های سوختنی با هدیه آردی همراه بود و به‌عنوان تشکر تقدیم خدا می‌شد. هدیه آردی برای قوم یادآور آن بود که خدا است که خوراک روزانه‌شان را تأمین می‌کند و از این روز زندگی‌شان را مدیون خدا هستند. به سه نوع هدیه آردی اشاره شده است: (۱) آرد مرغوب همراه با روغن و کندر، (۲) نان پخته‌شده از آرد

از آن استفاده کنند. قسمتی که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.

^۴هرگاه کسی نان پخته شده در تنور برای خداوند هدیه آورد، آن نان باید بدون خمیرمایه و از آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون تهیه شده باشد. از نان بدون خمیرمایه که روغن روی آن مالیده شده باشد نیز می‌توان بعنوان هدیه استفاده کرد. ^۵اگر کسی نان پخته شده روی ساج هدیه آورد، آن نان نیز باید از آرد مرغوب بدون خمیرمایه و مخلوط با روغن زیتون باشد. ^۶او باید آن را تکه‌تکه کند و رویش روغن بریزد. این نیز یک نوع هدیه آردی است. ^۷اگر هدیه شما در تابه پخته شود، آن هم باید از آرد مرغوب و روغن زیتون باشد.

^۸این هدایای آردی را نزد کاهن بیاورید تا به قربانگاه ببرد و به خداوند تقدیم کند. ^۹کاهنان باید فقط مقدار کمی از هدیه را بعنوان نمونه بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند است. ^{۱۰}بقیه هدیه به کاهنان تعلق دارد. این قسمت که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.

^{۱۱}برای تهیه هدیه آردی که به خداوند تقدیم می‌شود از خمیرمایه استفاده نکنید، زیرا بکار بردن خمیرمایه یا عسل در هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، جایز نیست. ^{۱۲}هنگام تقدیم نوبر محصول خود به خداوند می‌توانید از نان خمیرمایه‌دار و عسل استفاده کنید، ولی این هدیه را نباید بر آتش قربانگاه بسوزانید.

^{۱۳}به تمام هدایا باید نمک بزنید، چون نمک یادآور عهد خداست.

^{۱۴}هرگاه از نوبر محصول خود به خداوند هدیه می‌دهید دانه‌ها را از خوشه‌ها جدا کرده، بکوبید و برشته کنید. ^{۱۵}سپس روغن زیتون بر آن بریزید و کندر روی آن بگذارید، زیرا این نیز نوعی هدیه آردی است. ^{۱۶}آنگاه کاهنان قسمتی از غله کوبیده شده و مخلوط با روغن را با تمام کندر بعنوان نمونه بر آتش بسوزانند و به خداوند تقدیم کنند.

۴:۲

خرو ۲:۲۹
لاو ۱۲:۷

۹:۲

پیدا ۲۱:۸
خرو ۱۸:۲۹
لاو ۲:۲؛ ۱۵:۶

۱۰:۲

لاو ۳:۲

۱۱:۲

لاو ۱۷:۱۶-۶

۱۲:۲

لاو ۱۳:۷؛ ۱۴:۲۳

۱۳:۲

اعد ۱۹:۱۸

توا ۵:۱۳

جز ۲۴:۴۳

مر ۴:۹

۱۴:۲

لاو ۱۴:۹-۲۳

۲ یاد ۴۲:۴

۱۶:۲

لاو ۲:۲

می‌داشت، به همین تشبیه نظر داشت (متی ۶:۱۶؛ مرقس ۱۵:۸).

۱۳:۲ قوم به هدایای خود نمک می‌زدند تا یادآور عهد و پیمانشان با خدا باشد. نمک نماد خوبی است از کار خدا در زندگی فرد، زیرا به تمامی سلولهای بدن نفوذ می‌کند، بدن را سالم نگاه می‌دارد، و کمک می‌کند فرد از بیماری شفا یابد. خدا می‌خواهد در زندگی شما عمل کند. بگذارید او جزئی از وجودتان شود، در تمام جنبه‌های زندگی‌تان نفوذ کند، شما را از شرارت و پلیدی دنیای اطراف محفوظ بدارد، و خطاها و گناهاتان را شفا بخشد.

۱۱:۲ چرا در هدایای آردی نمی‌بایست از خمیرمایه استفاده می‌شد؟ خمیرمایه در واقع باکتری قارچ یا کپک است و باعث ور آمدن یا قوام یافتن خمیر می‌شود. به همین جهت، برای گناه نماد مناسبی بود. درست همانطور که خمیرمایه به سرعت در نان رشد می‌کند و تکثیر می‌یابد، گناه نیز به سرعت در زندگی انسان گسترش می‌یابد. و درست همانطور که اندک خمیرمایه‌ای کافی است تا بر کل نان تأثیر گذارد، اندکی گناه نیز کافی است تا کل زندگی فرد را به نابودی بکشاند. عیسی نیز آنگاه که شاگردان را از خمیرمایه فریسیان برحذر

قربانی سلامتی

۳

هر گاه کسی بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند، می تواند برای این کار از گاو نر یا ماده استفاده نماید. حیوانی که به خداوند تقدیم می شود باید سالم و بی عیب باشد. شخصی که حیوان را تقدیم می کند، باید دست خود را روی سر آن بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. پسران هارون خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند،^{۱۳} و پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همراه قربانی سوختنی بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می شود، موردپسند خداوند خواهد بود.

برای قربانی سلامتی می توان از گوسفند و بز (نر یا ماده) که سالم و بی عیب باشد نیز استفاده کرد.^{۱۴} اگر قربانی، گوسفند باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند^{۱۵} و پیه، دنبه، پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند.^{۱۶} اگر قربانی، بز باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند^{۱۷} و پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می شود، موردپسند خداوند خواهد بود. تمام پیه آن حیوان به خداوند تعلق دارد.^{۱۸} هیچ یک از شما نباید خون یا پیه بخورید. این قانونی است ابدی برای شما و نسل هایتان، در هر جا که باشید.

قربانی گناه

۴

خداوند به موسی فرمود تا^{۱۹} به قوم اسرائیل بگوید که هر که سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، باید طبق این مقررات عمل کند:

۱:۳
لاو ۲:۱؛ ۱۱:۷-۲۱

۲:۳
خرو ۱۱:۲۹
لاو ۴:۱؛ ۱۴:۷

۵:۳-۳
خرو ۲۲، ۱۳:۲۹
لاو ۱۶:۱۴، ۱۱:۹-۳

۶:۳
لاو ۲:۱؛ ۱:۳

۱۲:۳
اعد ۱۶-۱۱:۱۵
۱۳:۳

لاو ۲:۱
۱۶:۱۵-۳
لاو ۲۵:۲۳-۴؛ ۲۶:۴
حز ۷:۴۴

۱۷:۳
لاو ۱۰:۱۷؛ ۲۷:۱۶-۷
تث ۱۶:۱۲
اعما ۲۹-۲۷:۲۰؛ ۱۵

۲:۴
لاو ۲۲:۴؛ ۱۴:۲۲
اعد ۲۹-۲۲:۱۵

که قوم اسرائیل به گناهان غیر عمدی شان پی ببرند تا دیگر آنها را تکرار نکنند و بتوانند بخشوده شوند. نقطه مقابل محبت نه کینه و نفرت، بلکه بی تفاوتی است. بی تفاوتی نسبت به زندگی، اغلب به گناهان غیر عمدی منجر می شود، یعنی گناهایی که انجام می دهیم بدون آنکه خود متوجه باشیم. فصل های ۴ و ۵ کتاب لایویان به برخی از این گناهان غیر عمدی اشاره می کند و توضیح می دهد که قوم اسرائیل چطور می توانند از این گونه گناهان آمرزیده

۱:۳ شخص برای خدا قربانی تشکر (یا قربانی سلامتی) می گذراند تا از این طریق از او شکرگزاری کند یا مجدداً با او ارتباط برقرار نماید. از آنجایی که این قربانی نماد صلح و آشتی با خدا بود، کسی که آن را تقدیم می کرد می توانست قسمتی از آن را بخورد.
۲:۱:۴ آیا تابه حال شده مرتکب گناهی شوید و تنها مدتها بعد به آن پی برده باشید؟ گناهتان اگر چه سهوی بوده، باز گناه است. یکی از اهداف شریعت خدا این بود

۳ اگر خطا از کاهن اعظم سر زده باشد و بدین ترتیب قوم را نیز گناهکار ساخته باشد، برای گناه خود باید گوساله‌های سالم و بی‌عیب به خداوند تقدیم کند. ۴ گوساله را دم در خیمهٔ عبادت بیاورد، دستش را روی سر آن بگذارد و همانجا در حضور خداوند سرش را ببرد. ۵ کاهن اعظم مقداری از خون گوساله رابه داخل خیمهٔ عبادت ببرد، ۶ انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پردهٔ قدس‌الاقداص بپاشد. ۷ سپس در حضور خداوند قدری از خون را روی شاخهای قربانگاه بخور که داخل خیمه است، بمالد. باقیماندهٔ خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمهٔ عبادت است، بریزد. ۸ آنگاه تمام پیه داخل شکم، ۹ قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را بردارد، ۱۰ و آنها را روی قربانگاه قربانی سوختنی بسوزاند، درست همانطور که پیه گاو قربانی سلامتی را می‌سوزاند. ۱۱ اما باقیماندهٔ گوساله، یعنی پوست، گوشت، کله، پاچه، دل و روده و سرگین را به مکان طاهری ببرد که در خارج از اردوگاه برای ریختن خاکستر قربانگاه مقرر شده است و در آنجا آنها را روی هیزم بسوزاند.

۱۳ اگر تمام قوم اسرائیل سهواً مرتکب گناهی شوند و یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارند، هر چند این کار را ندانسته انجام داده باشند، مقصر محسوب می‌شوند. ۱۴ وقتی آنها به گناه خود پی‌برند، باید گوساله‌ای برای کفارهٔ گناه خود قربانی کنند. گوساله را به خیمهٔ عبادت بیاورند ۱۵ و در آنجا بزرگان قوم در حضور خداوند دستهای خود را روی سر حیوان بگذارند و آن را ذبح کنند. ۱۶ آنگاه کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمهٔ عبادت بیاورد ۱۷ و انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پردهٔ قدس‌الاقداص بپاشد. ۱۸ بعد در حضور خداوند قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه بخور که در خیمهٔ عبادت است، بمالد و باقی ماندهٔ خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه است، بریزد. ۱۹ تمام پیه باید روی قربانگاه سوزانده شود. ۲۰ کاهن اعظم باید از همان روش قربانی گناه پیروی کند. به این طریق برای قوم خدا کفاره خواهد کرد و خطای آنان بخشیده خواهد شد. ۲۱ او گوسالهٔ قربانی شده را از اردوگاه بیرون ببرد و بسوزاند، همانطور که گوسالهٔ قربانی گناه خود را می‌سوزاند. این قربانی گناه تمام قوم اسرائیل است.

۳:۴
لاو ۱۴:۴ ؛ ۲:۹
حز ۱۹:۴۳

۶:۵:۴
لاو ۱۷:۴ ؛ ۱۴:۱۶
اعد ۴:۱۹

۷:۴
خرو ۱۰:۳۰
لاو ۱۵:۸

۸:۴
لاو ۳:۳

۱۱:۴
خرو ۱۴:۲۹
لاو ۱۱:۶
اعد ۹:۱۹
عبر ۱۱:۱۳

۱۳:۴
اعد ۲۶-۲۳:۱۵
اسم ۳۴-۳۲:۱۴

۱۴:۴
لاو ۳:۴

۱۵:۴
لاو ۱۴:۸
اعد ۱۲:۱-۸

۱۷:۴
لاو ۶:۴

۱۹:۴
لاو ۸:۴
۲۰:۴
اعد ۲۵:۱۵

۲۱:۴
لاو ۱۱:۴

ندانم کاری بود، نه اینکه بخواهند تعمداً و از سرِ یاغی‌گری نسبت به خدا گناه ورزند. برای هر گناه، حیوان به‌خصوصی قربانی می‌شد. مرگ عیسی مسیح آخرین قربانی گناه در کتاب مقدس است (۲قرنتیان ۵:۲۱).

شوند. بنابراین به‌هنگام مطالعه احکام و قوانین خدا، به یاد داشته باشید که هدف از آنها تعلیم و راهنمایی قوم بود.

۲:۴ قربانی گناه مخصوص کسانی بود که (۱) سهواً مرتکب گناه می‌شدند، یا (۲) گناهشان از روی ضعف یا

۲۲:۴ اگر یکی از رهبران سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند،
 لاو ۱۳:۲:۴ خدای خود را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. ^{۲۳} وقتی او به گنااهش
 ۲۴:۴ پی‌برد، باید یک بز نر سالم و بی‌عیب تقدیم کند. ^{۲۴} دست خود را روی سر
 لاو ۱۱:۲:۹؛ ۳۰:۲۵:۶؛ ۳۰:۲۵:۶ بز بگذارد و در جایی که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند آن را ذبح کند
 و به خداوند تقدیم نماید. این، قربانی گناه اوست. ^{۲۵} بعد کاهن قدری از خون
 ۲۵:۴ قربانی گناه را بگیرد و با انگشت خود روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی
 لاو ۷:۴ بمالد و بقیهٔ خون را به پای قربانگاه بریزد. ^{۲۶} تمام پیه باید مثل پیه قربانی
 ۲۶:۴ سلامتی، روی قربانگاه سوزانده شود. به این ترتیب کاهن برای گناه رهبر
 لاو ۱۲:۸:۴ کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

۲۷:۴ اگر یک فرد عادی سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را
 لاو ۲۳:۴ زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. ^{۲۸} وقتی او به گناه خود پی‌برد، باید
 ۲۸:۴ یک بز مادهٔ سالم و بی‌عیب بیاورد تا آن را برای گنااهش قربانی کند. ^{۲۹} بز
 لاو ۴:۲:۱ را به مکانی بیاورد که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند. در آنجا دست خود
 ۳۰:۴ را روی سر حیوان بگذارد و آن را ذبح کند. ^{۳۰} کاهن با انگشت خود قدری
 لاو ۱۱:۹:۹ از خون را روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و بقیهٔ خون را به پای
 ۳۱:۴ قربانگاه بریزد. ^{۳۱} تمام پیه باید مثل پیه قربانی سلامتی، روی قربانگاه سوزانده
 پیدا ۲۱:۸
 خرو ۱۸:۲۹
 لاو ۱۵:۶؛ ۸:۴؛ ۲:۲ شود و این مورد پسند خداوند خواهد بود. به این ترتیب کاهن گناه آن
 شخص را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

۳۲:۴ اگر آن شخص بخواهد برای کفارهٔ گنااهش بره قربانی کند، باید آن بره،
 لاو ۲۸:۴ ماده و بی‌عیب باشد. ^{۳۳} او باید دست خود را روی سر بره بگذارد و آن را در
 مکانی که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند، بعنوان قربانی گناه ذبح کند.
 ۳۴:۴ کاهن با انگشت خود قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی
 ۳۵:۴ بمالد و بقیهٔ خون را به پای قربانگاه بریزد. ^{۳۵} پیه آن مثل پیه برهٔ قربانی
 لاو ۲۱:۳ سلامتی روی قربانگاه سوزانده شود. کاهن آن را مانند قربانی‌هایی که بر
 آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بسوزاند. به این ترتیب کاهن گناه آن شخص
 را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

هرگاه کسی از وقوع جرمی اطلاع داشته باشد ولی در مورد آنچه که
 دیده یا شنیده در دادگاه شهادت ندهد، مجرم است.

۵

هرگاه کسی لاشهٔ حیوان حرام گوشتی را لمس کند، حتی اگر ندانسته این
 کار را کرده باشد، نجس و مجرم است.
 هرگاه کسی نجاست انسان را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده
 باشد، وقتی متوجه شد چه کرده است، مجرم می‌باشد.

۲:۵
 لاو ۳۹:۲۴، ۱۱:۴؛ ۱۶-۱۱:۱۹
 اعد ۱۶-۱۱:۱۹
 نت ۲۱:۳:۱۴

۴ اگر کسی نسنجیده قولی دهد و قسم بخورد که آن را بجا آورد ولی بعد پی ببرد که قول بی جایی داده است، مجرم می باشد.

۵ در هر یک از این موارد، شخص باید به گناهش اعتراف کند و برای قربانی گناه خود یک بره یا بز ماده نزد خداوند بیاورد تا کاهن برایش کفاره کند.

۶ اگر شخص مجرم تنگدست باشد و نتواند بره ای بیاورد، می تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود به خداوند تقدیم کند، یکی برای

قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی. ^۸ کاهن پرنده ای را که برای قربانی گناه آورده شده، بگیرد و سرش را ببرد، ولی طوری که از تنش جدا

نشود. ^۹ سپس قدری از خون آن را بر پهلوی قربانگاه بپاشد و بقیه را به پای قربانگاه بریزد. این، قربانی گناه است. ^{۱۰} پرنده دوم را بعنوان قربانی سوختنی

طبق دستورالعملی که قبلاً داده شده است قربانی کند. به این ترتیب کاهن برای گناه او کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

۱۱ اگر او فقیرتر از آنست که بتواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود قربانی کند، می تواند یک کیلو آرد مرغوب بیاورد. ولی نباید آن

را با روغن زیتون مخلوط کند یا کندر بر آن بگذارد، زیرا این، قربانی گناه است. ^{۱۲} آرد را پیش کاهن بیاورد تا کاهن مشتت از آن را بعنوان نمونه بردارد

و روی قربانگاه بسوزاند، درست مثل قربانی هایی که بر آتش به خداوند تقدیم می شود. این، قربانی گناه اوست. ^{۱۳} به این ترتیب کاهن برای گناه او

در هر یک از این موارد، کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. در این قربانی نیز مثل هدیه آردی، بقیه آرد به کاهن تعلق می گیرد.

قربانی جبران

۱۴ خداوند این دستورات را به موسی داد: ^{۱۵} هرگاه کسی در دادن هدیه ای که در نظر خداوند مقدس است سهواً قصور ورزد، باید یک قوچ سالم و بی عیب

اعتراف به گناه همراه نمی بود. امروز ما به واسطه مرگ مسیح بر روی صلیب دیگر لازم نیست حیوانات را قربانی کنیم. اما اعتراف به گناه هنوز هم ضروری و حیاتی است، زیرا نشان می دهد که فرد به گناه خود پی برده، از قدوسیت خدا آگاه است، خود را در حضور او فروتن کرده، و حاضر است از راههای گناه آلود خود باز گردد (مزمور ۱۶: ۱۷). اگر مفهوم مرگ عیسی را در زندگی خود به درستی درک نکنیم، حتی این قربانی نیز ممکن است چندان کمکی به ما نکند- درست مانند واکنس برای پیشگیری از بیماری مهلک، که تا وقتی وارد جریان خون نشده چندان فایده ای ندارد.

۴:۵ آیا تا به حال شده قسم بخورید که کاری را انجام دهید (یا انجام ندهید)، و بعد متوجه شوید که چه کار ابلهانه ای کرده اید؟ بر قوم خدا است که روی حرفشان بایستند و به عهدی که بسته اند وفا کنند، ولو آنکه این کار به غایت سخت باشد. عیسی فرمود: «فقط بگو: بلی یا نه. همین کافی است. اما اگر برای سخنی که می گویی، قسم بخوری، نشان می دهی که نیرنگی در کار است» (متی ۵: ۳۷). تنها به قول هایی نباید وفا کرد که منتهی به گناه می شوند. شخص حکیم و خویشدار هیچگاه عجولانه قسم نمی خورد.

۶:۵:۵ کل نظام قربانی بی فایده بود اگر با توبه و

۴:۵
داو ۳۱:۱۱
اسمو ۲۵:۲۴؛ ۱۴
اعما ۱۲:۲۳
۵:۵
لاو ۲۱:۱۶
اعد ۷:۵
یوش ۱۹:۷
عز ۱۱:۱۰
۶:۵
لاو ۱۰:۱-۷؛ ۳۲:۲۸؛ ۴
۷:۵
لو ۲۴:۲
۸:۵
لاو ۱۷:۱۵؛ ۱
۹:۵
لاو ۲۷:۴؛ ۷:۷
۱۰:۵
لاو ۱۷:۱۴؛ ۱

۱۱:۵
لاو ۲۱:۱۴
اعد ۱۵:۵؛ ۹:۳؛ ۱۵

۱۲:۵
لاو ۳۰-۲۵۶

۱۵:۵
خرو ۱۳:۳۰
لاو ۶:۶؛ ۱۰:۷-۱۰
۲۵:۳؛ ۲۷؛ ۱۶-۱۴؛ ۲۲

برای قربانی جبران به خداوند تقدیم نماید. قوچی که برای قربانی جبران اهدا می‌شود باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود.^{۱۶} او باید علاوه بر باز پرداخت هدیه، یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، همه را به کاهن بدهد. کاهن با آن قوچ قربانی جبران، برایش کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.^{۱۷} اگر کسی مرتکب گناهی شده، یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارد، ولی نداند که چنین کاری از او سرزده است، باز مجرم است و برای قربانی جبران باید یک قوچ سالم و بی‌عیب نزد کاهن بیاورد. قیمت قوچ باید مطابق قیمت تعیین شده باشد. کاهن با این قربانی برای او کفاره کند تا گناهش بخشیده شود.^{۱۹} این قربانی جبران است برای جرمی که او نسبت به خداوند مرتکب شده است.

۶ خداوند این دستورات را به موسی داد: هرگاه کسی نسبت به من گناه کرده، از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته شده خودداری نماید یا در امانت خیانت ورزد، یا دزدی کند یا مال همسایه‌اش را غصب نماید، و یا اینکه دربارهٔ چیز گمشده‌ای که پیدا کرده است دروغ بگوید و قسم بخورد که پیش او نیست،^{۲۰} روزی که جرم او ثابت شود باید اصل مال را پس دهد و یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، به صاحب مال بپردازد.^{۲۱} او باید قربانی جبران را که یک قوچ سالم و بی‌عیب است نزد کاهن به خیمهٔ عبادت بیاورد و به خداوند تقدیم کند. قوچ باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود.^{۲۲} کاهن با این قربانی برای او در حضور خداوند کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

مقررات مربوط به قربانی‌های سوختنی

^{۲۳} آنگاه خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی سوختنی این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: قربانی سوختنی باید تمام شب بر قربانگاه باشد

۱۶:۵
لاو ۶:۴-۶ ؛ ۱۵:۲۲ ؛
۱۳:۲۷

۱۷:۵
لاو ۱۹:۱۷:۵

۲:۶
خرو ۱۵:۷:۲۲
اعد ۶:۵
کول ۹:۳
۳:۶
لاو ۱۲:۱۹
تث ۳:۱-۲۲
خرو ۹:۷:۴، ۱:۲۲
لاو ۱۶:۵
امت ۳:۱
ار ۹:۷
زکر ۴:۵
لو ۸:۱۹

۹:۶
خرو ۴۲:۳۸-۲۹
لاو ۱۷-۲:۱
اعد ۲۵-۱:۲۸

ولی کماکان باید حق کسانی را که به آنان آسیب رسانده‌ایم ادا کنیم.

۱۶-۱۷:۶ در اینجا می‌فهمیم که دزدی فقط این نیست که چیزی را از کسی بریاییم، بلکه اگر چیزی پیدا کنیم و حاضر نباشیم آن را به صاحبش برگردانیم، یا چیزی از کسی قرض کنیم و نخواهیم آن را پس دهیم، باز مرتکب دزدی شده‌ایم. چنین گناهی فقط نسبت به همسایه‌مان نیست، بلکه با این کار نسبت به خدا نیز گناه ورزیده‌ایم. بنابراین اگر چنین کرده‌اید، از صاحب آن معذرت بخواهید، نزد خدا به گناهتان اعتراف کنید، و آنچه را دزدیده‌اید به صاحبش برگردانید.

۱۶:۵ قربانی جبران راه دیگری بود برای جبران گناهی که سهواً انجام می‌شد. این قربانی علی‌الخصوص برای کسانی بود که فکر می‌کردند ممکن است مرتکب گناهی شده باشند، اما مطمئن نبودند. اگر این گناه نسبت به خدا بود (نظیر غفلت از پرداخت ده‌یک)، می‌بایست قوچ سالم و بی‌عیبی قربانی می‌شد. و اگر گناه نسبت به کس دیگری بود، لازم بود نه فقط قوچی قربانی شود، بلکه صدمه‌ای نیز که در اثر گناه به طرف مقابل وارد شده جبران گردد و به‌علاوه معادل ۲۰ درصد نیز جریمه پرداخت شود. درست است که با مرگ مسیح دیگر به قربانی جبران نیازی نیست،

و آتش قربانگاه خاموش نشود. ^{۱۰}صبح روز بعد، کاهن لباس زیر و لباس کتانی خود را بپوشد و خاکستر قربانی سوختنی را برداشته، کنار قربانگاه بگذارد. ^{۱۱}سپس لباسش را عوض کند و خاکستر را بیرون اردوگاه ببرد و در مکان طاهری که برای این کار مقرر شده است، بریزد. ^{۱۲}و ^{۱۳}کاهن هر روز صبح هیزم تازه بر آن بنهد و قربانی سوختنی روزانه را روی آن بگذارد و پیه قربانی سلامتی را بر آن بسوزاند. آتش قربانگاه باید همیشه روشن بماند و خاموش نشود.

۱۰:۶
خرو ۲۸:۳۹-۴۳
لاو ۱۶:۴
۱۱:۶
۲۵:۲۳-۱۶
۱۲:۶
لاو ۳:۳؛ ۹:۶
۱۳:۶
خرو ۲۷:۲۰-۲۱
لاو ۹:۶؛ ۱۲:۲۴-۴

مقررات مربوط به هدایای آردی

^{۱۴}مقررات مربوط به هدیه آردی از این قرار است: کاهن برای تقدیم هدیه آردی به خداوند جلو قربانگاه بایستد، ^{۱۵}سپس مشتی از آرد مرغوب آغشته به روغن زیتون را با کندری که بر آن است بردارد و بعنوان نمونه برای خداوند روی قربانگاه بسوزاند. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. ^{۱۶}و ^{۱۷}بقیه آرد، متعلق به کاهنان می‌باشد تا از آن برای خوراک خود استفاده کنند. این آرد باید بدون خمیرمایه پخته شود و در حیاط عبادتگاه که مکان مقدسی است خورده شود. این قسمت از هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، خداوند به کاهنان داده است. مانند قربانی گناه و قربانی جبران، این قسمت از هدیه آردی نیز بسیار مقدس می‌باشد. ^{۱۸}پسران هارون نسل اندر نسل می‌توانند این قسمت از هدیه را بخورند. این هدیه که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، همیشه سهم کاهنان خواهد بود و کس دیگری حق ندارد به آن دست بزند. ^{۱۹}و ^{۲۰}خداوند همچنین این دستورات را به موسی داد: هارون و هر کدام از پسرانش در روزی که برای مقام کاهنی انتصاب می‌شوند باید یک کیلو آرد مرغوب، به اندازه هدیه آردی روزانه به حضور خداوند بیاورند و نصف آن را در صبح و نصف دیگر را در عصر به خداوند تقدیم کنند. ^{۲۱}این هدیه باید روی ساج با روغن زیتون پخته شود سپس تکه‌تکه شده، بعنوان هدیه آردی به خداوند تقدیم گردد. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. ^{۲۲}و ^{۲۳}هر کاهنی که بجای پدر خود، کاهن اعظم می‌شود باید در روز انتصاب خود همین هدیه را تقدیم کند. این فریضه‌ای ابدی است. این هدیه باید تماماً در حضور خداوند سوزانده شود و چیزی از آن خورده نشود.

۱۴:۶
لاو ۱:۲-۱۶
۱۵:۶
لاو ۲:۱-۹
۱۶:۶
لاو ۱۰:۱۲-۱۵
اعد ۱۸:۱۱
۱۷:۶
خرو ۲۹:۳۳-۳۷
لاو ۱۱:۲؛ ۲۹:۲۶-۲۹
۱۷:۱۰
۱۸:۶
لاو ۲۹:۶
اعد ۱۸:۱۰
اقرن ۹:۳۹
۱۹:۶
خرو ۲۹:۴۰
لاو ۱۲:۸
۲۱:۶
لاو ۲:۸۵؛ ۹:۷
۲۳:۲۲-۲۳
خرو ۲۹:۲۵

فیض خدا است که مقبول واقع می‌شود. آتش خدا امروزه نیز در زندگی هر فرد ایماندار فروزان است، و بر ما است که آتش اخلاص و سرسپردگی نسبت به خدا را همواره در قلب خود شعله‌ور نگاه داریم.

۱۳:۱۲-۱۴ آتش مقدس روی قربانگاه می‌بایست همیشه می‌سوخد زیرا خود خدا آن را مشتعل کرده بود. این آتش نمایانگر حضور ابدی خدا در نظام قربانی‌ها بود و به قوم نشان می‌داد که قربانی انسان تنها به واسطه لطف و

مقررات مربوط به قربانی گناه

۲۵:۶ خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی گناه این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: این قربانی بسیار مقدس است و باید در حضور خداوند در جایی ذبح شود که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند. ^{۲۶} کاهنی که قربانی را تقدیم می‌کند، گوشت آن را در حیاط عبادتگاه که جای مقدسی است، بخورد. ^{۲۷} فقط کسانی که تقدیس شده‌اند، یعنی کاهنان، اجازه دارند به این گوشت دست بزنند. اگر خون آن قربانی به لباس ایشان بیاید باید لباس خود را در مکانی مقدس بشویند. ^{۲۸} ظرف سفالینی که گوشت در آن پخته می‌شود باید شکسته شود. اگر گوشت در یک ظرف مسی پخته شده باشد باید آن ظرف را کاملاً تمیز کنند و با آب بشویند. ^{۲۹} اولاد ذکور کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این قربانی بسیار مقدس است. ^{۳۰} اما در مواردی که خون قربانی گناه برای کفاره در قدس به داخل خیمه عبادت برده می‌شود، گوشت قربانی را نباید خورد بلکه باید تماماً سوزاند.

مقررات مربوط به قربانی جبران

۱:۷ مقررات قربانی جبران که قربانی بسیار مقدسی است، از این قرار می‌باشد: ^۲ حیوان قربانی باید در مکانی که قربانی سوختنی را سر می‌برند، ذبح شود و خونس بر چهار طرف قربانگاه پاشیده شود. ^۳ کاهن تمام پیه آن را که شامل دنبه و پیه داخل شکم، ^۴ و نیز قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر می‌شود روی قربانگاه بگذارد. ^۵ سپس، او همه آنها را بعنوان قربانی جبران بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزاند. ^۶ پسران کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این گوشت باید در جای مقدسی خورده شود. این قربانی، بسیار مقدس است.

۷:۷ ^۷ قانونی که باید در مورد قربانی گناه و قربانی جبران رعایت شود این است: گوشت قربانی به کاهنی تعلق دارد که مراسم کفاره را اجرا می‌کند. ^۸ (در ضمن پوست قربانی سوختنی نیز به آن کاهن تعلق دارد.) ^۹ هر هدیه آردی که در تنور یا در تابه یا روی ساج پخته می‌شود به کاهنی تعلق خواهد گرفت که آن را به خداوند تقدیم می‌کند. ^{۱۰} تمام هدایای آردی دیگر، خواه مخلوط با روغن زیتون و خواه خشک، بطور مساوی به پسران هارون تعلق دارد.

مقررات مربوط به قربانی سلامتی

۱۱:۷ ^{۱۱} مقررات قربانی سلامتی که به خداوند تقدیم می‌شود از این قرار است: اگر قربانی به منظور شکرگزاری باشد، همراه آن باید این نانهای بدون خمیرمایه نیز

۲۵:۶
لاو ۲۹:۲۴-۴

۲۷:۶
خرو ۳۷:۲۹؛ ۳۰:۲۹-۳۰
لاو ۱۸:۶

۲۸:۶
لاو ۱۱:۳۳؛ ۱۲:۱۵

۲۹:۶
لاو ۱۸:۶
۱۰:۱۸

۳۰:۶
لاو ۱۶:۲۷
حب ۱۱:۹؛ ۱۱:۱۳

۱:۷
لاو ۱۹:۱۴-۵؛ ۷:۱-۶
اعد ۱۲:۶

۲:۷
لاو ۲۹:۴
۳:۷
لاو ۹:۳-۳

۶:۷
۲۹:۱۸-۶

۷:۷
لاو ۱۳:۱۴

۹:۷
لاو ۸:۵-۲
اعد ۹:۱۸
جز ۲۹:۴۴

۱۱:۷
لاو ۱۷:۱-۳؛ ۲۵:۲۱-۲۲
جز ۱۵:۴۵

۱۲:۷
لاو ۴:۲
اعد ۱۵:۶

تقدیم شود قرصهای نان که با روغن زیتون مخلوط شده باشد، نانهای نازک که روغن مالی شده باشد، نانهایی که از مخلوط آرد مرغوب و روغن زیتون تهیه شده باشد.^{۱۳} در ضمن همراه قربانی باید قرصهای نان خمیرمایه دار نیز تقدیم شود.^{۱۴} از هر نوع نان باید یک قسمت بعنوان هدیه مخصوص به خداوند تقدیم شود تا به کاهنی تعلق گیرد که خون حیوان قربانی را روی قربانگاه می‌پاشد.^{۱۵} گوشت حیوان قربانی سلامتی باید در روزی که بعنوان هدیه شکرگزاری تقدیم می‌گردد، خورده شود و چیزی از آن برای روز بعد باقی نماند.

^{۱۶} اگر قربانی، داوطلبانه یا نذری باشد، گوشت قربانی در روزی که آن را تقدیم می‌کنند، خورده شود. اگر از گوشت قربانی چیزی باقی بماند می‌توان آن را روز بعد نیز خورد.^{۱۷} ولی هر چه تا روز سوم باقی بماند، باید سوزاند. اگر در روز سوم چیزی از گوشت قربانی خورده شود، خداوند آن قربانی را قبول نخواهد کرد و به حساب نخواهد آورد زیرا آن گوشت نجس شده است. کسی هم که آن را بخورد مجرم می‌باشد.^{۱۹} گوشتی را که به چیزی نجس خورده است نباید خورد، بلکه باید آن را سوزاند.

گوشت قربانی را فقط کسانی می‌توانند بخورند که طاهر هستند.^{۲۰} هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را بخورد باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است.^{۲۱} هر کس به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس و یا هر چیز نجس دیگر، و بعد از گوشت قربانی سلامتی بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است.^{۲۲} و^{۲۳} خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هر گز پیه گاو و گوسفند و بز را نخورید.^{۲۴} پیه حیوانی که مرده یا توسط جانوری دریده شده باشد هرگز خورده نشود بلکه از آن برای کارهای دیگر استفاده شود.^{۲۵} هر کس پیه حیوانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود بخورد باید از میان قوم طرد شود.

^{۲۶} و^{۲۷} هرگز خون نخورید، نه خون پرنده و نه خون حیوان چهارپا. هر کس، در هر جا، خون بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود.

^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هر کس بخواد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند باید با دست خود آن

۱۳:۷

لاو ۱۲:۲ ؛ ۱۷:۲۳

۱۴:۷

خرو ۲۷:۲۹

۱۵:۷

لاو ۳۰، ۲۹:۲۲

۱۶:۷

لاو ۸۵:۱۹ ؛ ۲۱-۱۸:۲۲

۱۷:۷

خرو ۱۴:۲۹

۱۹:۷

لاو ۴۷:۱۱

۲۰:۷

پیدا ۱۴:۱۷

لاو ۷-۳:۲۲

اعد ۱۳:۱۹

اقرن ۲۸ و ۲۷:۱۱

۲۱:۷

لاو ۳:۲۵

تث ۸:۱۴

۲۳:۷

لاو ۱۷:۳

۲۴:۷

خرو ۳۱:۲۲

لاو ۱۵:۱۷

تث ۲۱:۱۴

۲۶:۷

پیدا ۴:۹

لاو ۱۷:۳ ؛ ۱۴-۱۰:۱۷

جز ۲۵:۳۳

یو ۵۳:۶

اعما ۲۹:۲۰ ؛ ۱۵

۲۹:۷

جز ۱۵:۴۵

۳۰:۷

جز ۲۷:۲۴ ؛ ۲۹

لاو ۲۱:۹ ؛ ۲۷:۸

اعد ۲۰:۶

دیگران تشکر و قدردانی کنید. آیا انتظار دارید دیگران به جای شما بابت کاری که برایتان شده تشکر کنند؟ آیا وظیفه شکرگزاری را به گردن رهبر جلسه دعا می‌اندازید؟ لازم است خودتان از وقت و توانتان مایه گذاشته، از خدا و از دیگران تشکر کنید.

۲۹، ۲۸:۷ خدا از قوم اسرائیل خواست هدایا و قربانی‌های شکرگزاری خود را **شخصاً** و با دست خود به حضور او بیاورند. بر آنان بود که اگر می‌خواهند خدا را شکر و سپاس گویند، بدین منظور از وقت و توانشان مایه بگذارند. تنها خود شما هستید که می‌توانید از خدا و از

قربانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بیاورد. پیه و سینه را جلو قربانگاه تقدیم کند و سینهٔ قربانی را بعنوان هدیهٔ مخصوص، در حضور خداوند تکان دهد.^{۳۱} کاهن پیه را بر قربانگاه بسوزاند، ولی سینهٔ قربانی متعلق به هارون و پسرانش باشد.^{۳۲ و ۳۳} ران راست قربانی، بعنوان هدیهٔ مخصوص، به کاهنی داده شود که خون و پیه قربانی را تقدیم می‌کند؛^{۳۴} زیرا خداوند سینه و ران قربانی سلامتی را از قوم اسرائیل گرفته و آنها را بعنوان هدیهٔ مخصوص به کاهنان داده است و همیشه به ایشان تعلق خواهد داشت.^{۳۵} (این قسمت از هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود در روز انتصاب هارون و پسرانش به خدمت خداوند، به ایشان داده شد.^{۳۶} در روزی که ایشان مسح شدند، خداوند دستور داد که قوم اسرائیل این قسمت را به ایشان بدهند. این، قانونی برای تمام نسلهای ایشان می‌باشد.)

^{۳۷ و ۳۸} اینها مقرراتی بود در مورد قربانی سوختنی، هدیهٔ آردی، قربانی گناه، قربانی جبران، قربانی تقدیس و قربانی سلامتی که خداوند در بیابان، در کوه سینه به موسی داد تا قوم اسرائیل بدانند چگونه قربانی‌های خود را به خداوند تقدیم کنند.

۲- مقررات مربوط به کاهنان

موسی، کاهنان را تقدیس می‌کند

خداوند به موسی فرمود: «هارون و پسرانش را با لباس‌های مخصوص ایشان و روغن تدهین، گوسالهٔ قربانی گناه، دو قوچ و یک سبد نان



۳۱:۷
لاو ۳۴:۷
اعد ۱۸:۱۸
۳۲:۷
اعد ۱۸:۱۸
۳۴:۷
خرو ۲۸:۲۹
لاو ۳۱:۷؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۰
تث ۳:۱۸

۳۶:۷
خرو ۲۲:۲۹-۳۴؛
۱۵-۱۳:۴۰

۳۸:۷
لاو ۲۶:۲۶

۱:۸
خرو ۴:۱-۲۹
۲:۸
خرو ۱:۲۸

سعی کنید به معنا و مفهوم اولیه هر یک از این مراسم پی ببرید. این کار باعث می‌شود پی ببرید چرا مراسم عبادتی کلیسایان اینگونه برگزار می‌شود.

۱:۸ چرا لازم بود هارون و پسرانش طاهر و تقدیس شوند؟ اگر چه تمام مردان قبیله لاوی خود را وقف خدمت به خدا کرده بودند، فقط کسانی که از نسل هارون بودند می‌توانستند کاهن شوند. مسؤولیت تقدیم قربانی بر عهده آنان بود و افتخار این کار نیز نصیب آنان می‌شد. لذا این کاهنان قبل از اینکه بتوانند در گذراندن قربانی به مردم کمک کنند، می‌بایست اول خودشان را پاک و تطهیر می‌کردند.

مراسمی که در فصل‌های ۹ و ۱۰ لاویان توصیف می‌شود، مراسم انتصاب آنان به مقام کهنات است. بر فرد کاهن خون می‌پاشیدند تا نمایانگر آن باشد که تمامی وجود او وقف خدمت به خدا است. این کار نشان می‌داد که قدوسیت نه در گرو منصب کهنات، بلکه فقط و فقط از جانب خدا است. به همین ترتیب، ما نیز با رسیدن به مقام و موقعیت مذهبی نیست که از لحاظ روحانی پاک می‌شویم، بلکه سرچشمه این طهارت و پاکی فقط و فقط خدا است.

۲۶:۳۰-۳۷ قربانی را که در مقابل قربانگاه تکان داده می‌شد، قربانی جنبانیدنی می‌نامیدند. آن قسمت از قربانی که توسط فرد کاهن جنبانده می‌شد، به خود او تعلق می‌گرفت. این عمل پیش بردن قربانی به طرف قربانگاه و پس آوردن آن، به‌طور نمادین نشانه تقدیم قربانی به خدا و باز گرداندن آن به کاهن توسط خدا بود. این قربانی‌ها به رفع احتیاجات کاهنان کمک می‌کرد- کاهنانی که خود در رفع احتیاجات خانه خدا می‌کوشیدند. تعلیم عهدجدید نیز این است که احتیاجات خادمین باید توسط خود مؤمنین تأمین شود (۱قرنثیان ۹:۱۰). بنابراین ما نیز باید در رفع مایحتاج خادمین بکوشیم.

۲۸:۷ خدا از قوم خود خواست از تشریفات و احکام مذهبی بسیاری پیروی کنند. هدف از تمام آیینهایی که در کتاب لاویان آمده این بود که قوم درسهایی بالارزش بیاموزند. اما قوم به مرور زمان نسبت به معنای این آیینها بی‌تفاوت شدند و در نتیجه ارتباطشان با خدا قطع شد. وقتی چنین به نظر می‌رسد که کلیسایان جز اجرای یک سلسله آیین و مراسم خشک و بی‌محتوای کاری نمی‌کند،

بدون خمیرمایه دم در خیمهٔ عبادت بیاور و تمام قوم اسرائیل را در آنجا جمع کن.»

موسی طبق فرمان خداوند عمل کرد. همهٔ قوم اسرائیل دم در خیمهٔ عبادت جمع شدند. موسی به ایشان گفت: «آنچه اکنون انجام می‌دهم طبق فرمان خداوند است.»

۶:۸ آنگاه موسی، هارون و پسرانش را فراخواند و ایشان را با آب غسل داد. ۶:۹ خرو ۳:۲۹
۸:۸ پیراهن مخصوص کاهنی را به هارون پوشانید و کمر بند را به کمرش بست. ۸:۹ خرو ۳۱:۳۰-۲۸
۹:۸ سپس ردا را بر تن او کرد و ایفود را بوسیلهٔ بند کمر آن بر او بست. ۹:۹ عز ۶۲:۲-۳
سینه‌بند را بر او بست و اوریم و تمیم را در آن گذاشت، و چنانکه خداوند فرموده بود، عمامه را بر سر هارون نهاد و نیم تاج مقدس را که از طلا بود جلو عمامه نصب کرد.

۱۰:۸ آنگاه موسی روغن مسح را گرفت و آن را بر خیمهٔ عبادت و هر چیزی که در آن بود پاشید و آنها را تقدیس نمود. ۱۰:۹ اسپس مقداری از روغن را برداشت

۶:۸
خرو ۳:۲۹
۸:۸
خرو ۳۱:۳۰-۲۸
عز ۶۲:۲-۳
۹:۸
خرو ۳۸:۳۶، ۴:۲۸
عز ۶:۲۹، ۳۱-۲۷
زکر ۱۴:۱۱-۱۰
۱۰:۸
خرو ۱۱:۹-۴۰، ۳۳-۲۶-۳۰
۱۱:۸
خرو ۳۷:۲۹
لاو ۱۴:۱۶

دو شیء را در کیسه‌ای که به سینه‌بندش آویزان بود نگاه می‌داشت. برخی صاحب‌نظران معتقدند که احتمالاً اوریم نمایانگر جواب منفی، و تمیم نشانه‌دهنده جواب مثبت از طرف خدا بود. بر فرد کاهن بود که کیسه را تکان دهد به طوری که یکی از سنگها به بیرون پرتاب شود، و خدا بر حسب هدایتش کاری می‌کرد که سنگ مناسب از کیسه کاهن بیرون بیفتد.

بنا بر دیدگاهی دیگر، اوریم و تمیم اشیائی کوچک و مسطح بودند که بر یک طرفشان نوشته شده بود «آری» و بر طرف دیگر، «خیر». کاهن هر دو را از کیسه‌اش بر زمین می‌انداخت. اگر هر دو طرف «آری» می‌آمد، جواب خدا مثبت بود و اگر هر دو طرف «خیر» بود، جواب خدا منفی. و اگر یکی «آری» می‌آمد و دیگری «خیر»، به معنای جواب نگرفتن از خدا بود.

خدا از به‌کارگیری این روش در هدایت مردم، هدف خاصی داشت. او می‌خواست اصول پیروی از خود را به قوم یاد دهد. با این حال باید به خاطر داشته باشیم که اکنون موقعیت ما با قوم اسرائیل فرق دارد، و بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که خدا امروز نیز ما را به همین شکل هدایت کند.

۱۳:۱۰:۸ چرا کاهنان موظف بودند تمام این اصول و مقررات را رعایت کنند؟ قوم اسرائیل از همان دوران اسارت در مصر با کاهنان آشنایی کامل داشتند. کاهنان مصر بیشتر به سیاست علاقمند بودند و مذهب را وسیله‌ای برای کسب قدرت می‌دانستند. به همین جهت قوم اسرائیل به هر نظام جدید برای امر کهنات به دیده تردید

۱۵:۸ چرا قوم اسرائیل به کاهنان نیاز داشت؟ در خروج ۶:۱۹ می‌بینیم که خدا از اسرائیل می‌خواهد برای او مملکت کاهنان باشند؛ می‌خواهد همه ایشان مقدس باشند و بتوانند آزادانه با او ارتباط برقرار نمایند. تا پیش از آن، بزرگان قوم (مانند ابراهیم و ایوب) بودند که کاهن خاندان یا قبیله خود محسوب می‌شدند و برای اهل خانه خود قربانی تقدیم می‌کردند. در جریان واقعهٔ پسخ، تمام فرزندان ارشد از هر قبیله و خاندان وقف خدا شدند. اما بعد به‌خاطر خدمت خاصی که لازم بود انجام شود، خدا لاویان را انتخاب کرد تا به‌جای نخست‌زاده هر قبیله بایستند. و از میان لاویان نیز فرزندان هارون را انتخاب کرد تا به‌عنوان کاهنان قوم انجام وظیفه کنند.

کاهنان واسطه بین خدا و انسان بودند. ایشان رهبران روحانی قوم بودند، بر اجرای قربانی نظارت می‌کردند، و اولین عالمان دینی بودند. نظام قربانی و انجام عبادت به آن صورتی که خدا از قوم انتظار داشت، مستلزم آن بود که کسانی به‌طور تمام وقت در خدمت خدا باشند. نظام کهنات از بسیاری جهات تحفیفی بود که خدا در پاسخ به عجز و ناتوانی انسان در برقراری ارتباط فردی و جمعی با خدا، برای انسان قائل شده بود. این نظام ناقص با آمدن مسیح بالکل تغییر یافت. اکنون همه ایمانداران می‌توانند شخصاً به حضور خدا بیایند، و عیسی مسیح کاهن اعظم ما است.

۸:۸ اوریم و تمیم چه بودند؟ چیز زیادی در این باره نمی‌دانیم. احتمالاً نوعی سنگ گرانبها یا اشیای مسطحی بودند که خدا از طریق آنها اراده‌اش را بر قوم آشکار می‌ساخت و بدین ترتیب هدایتشان می‌کرد. کاهن این

و آن را هفت مرتبه بر قربانگاه، لوازم آن، حوض و پایه‌اش پاشید و آنها را نیز تقدیس کرد.^{۱۲} بعد قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخت و به این ترتیب او را برای خدمت کاهنی تقدیس نمود.^{۱۳} سپس موسی به امر خداوند پسران هارون را فراخواند و پیراهن‌ها را به آنان پوشانید و کمربندها را به کمرشان بست و کلاه‌ها را بر سرشان گذاشت.

^{۱۴} بعد گوسالهٔ قربانی گناه را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.^{۱۵} موسی گوساله را ذبح کرد و قدری از خون آن را با انگشت بر چهار شاخ قربانگاه مالید تا آن را طاهر سازد. باقیماندهٔ خون را به پای قربانگاه ریخت. به این ترتیب قربانگاه را تقدیس کرده، برای آن کفاره نمود.^{۱۶} سپس تمام پیه داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها را گرفت و همه را روی قربانگاه سوزانید،^{۱۷} و همانطور که خداوند فرموده بود، لاشه و پوست و سرگین گوساله را در خارج از اردوگاه سوزانید.

^{۱۸} بعد قوچ قربانی سوختنی را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.^{۱۹} موسی قوچ را ذبح کرد و خونس را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.^{۲۰} سپس لاشهٔ قوچ را قطعه‌قطعه کرد و آنها را با کله و پیه حیوان سوزانید.^{۲۱} دل و روده و پاچه‌ها را با آب شست و آنها را نیز بر قربانگاه سوزانید. پس همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود تمام آن قوچ بر قربانگاه سوزانده شد. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم شد، مورد پسند خداوند بود.

^{۲۲} پس از آن موسی قوچ دوم را که برای تقدیس کاهنان بود جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.^{۲۳} موسی قوچ را ذبح کرده، قدری از خونس را بر نرمهٔ گوش راست هارون و شست دست راست او و شست پای راستش مالید.^{۲۴} بعد قدری از خون را بر نرمهٔ گوش راست و شست دست راست و شست پای راست پسران هارون مالید. بقیهٔ خون را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.

^{۲۵} پس از آن پیه، دنبه، پیه داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی

۱۲:۸

خرو ۴۱:۲۸ ؛ ۳۰:۳۰

لاو ۱۰:۲۱-۱۲

۱۳:۸

خرو ۲۸:۳۶-۳۸

۱۴:۸

خرو ۲۹:۱۰-۱۴

لاو ۱۶:۶

۱۵:۸

خرو ۳۰:۱۰

لاو ۷:۴

۱۷:۸

لاو ۴:۱۱

اعد ۱۹:۹

۱۸:۸

خرو ۲۹:۱۵-۱۹

۲۲:۸

خرو ۳۱:۲۹ ؛ ۲۳:۸

خرو ۲۹:۱۹، ۲۰

۲۵:۸

خرو ۲۹:۲۲

لاو ۹:۳-۱۱

۱۲:۸ اهمیت تدهین نمودن هارون به‌عنوان کاهن اعظم در چه بود؟ کاهن اعظم وظایف ویژه‌ای داشت که هیچ کاهن دیگری نمی‌توانست انجام دهد. تنها او اجازه داشت در روز کفاره وارد قدس‌الاقداس یعنی مقدس‌ترین جای خیمه عبادت شود تا برای گناهان قوم کفاره دهد. بنابراین او در رأس دیگر کاهنان قرار داشت. کاهن اعظم تصویری بود از عیسی مسیح که کاهن اعظم ما است (عبرانیان ۷:۲۶-۲۸).

می‌نگریست. و اما خدا از کاهنان خود می‌خواست در خدمت او و مردم باشند. آنان اجازه مالکیت زمین نداشتند و پولی نیز نمی‌توانستند از کسی بگیرند. وظایفشان منحصرآ مذهبی بود، یعنی تنها می‌بایست به مردم کمک می‌کردند تا به خدا نزدیک شوند و او را به‌طور صحیح عبادت نمایند. تمام این آیینها و مقررات برای این بود که هم خیال مردم راحت باشد، و هم کاهنان وظایفشان را بهتر انجام دهند.

روی آنها و ران راست قوچ را گرفت^{۲۶} و از داخل سبد نان بدون خمیرمایه که در حضور خداوند بود، یک قرص نان بدون خمیرمایه، یک قرص نان روغنی و یک نان نازک برداشت و آنها را روی پیه و ران راست گذاشت. ^{۲۷} سپس، همه اینها را بر دستهای هارون و پسرانش قرار داد تا بعنوان هدیه مخصوص، آنها را جلو قربانگاه تکان دهند و به خداوند تقدیم کنند. ^{۲۸} پس از انجام این تشریفات، موسی آنها را از هارون و پسرانش گرفت و با قربانی سوختنی بر قربانگاه سوزانید. این قربانی تقدیس که بر آتش تقدیم شد، مورد پسند خداوند بود. ^{۲۹} موسی سینه قربانی را گرفت و آن را بعنوان هدیه مخصوص تکان داده، به خداوند تقدیم کرد، درست همانطور که خداوند به او دستور داده بود. این سهم خود موسی از قوچی بود که برای مراسم تقدیس ذبح می شد.

^{۳۰} سپس موسی قدری از روغن مسح و قدری از خونی را که بر قربانگاه بود گرفت و بر هارون و لباس‌های او و بر پسران او و لباس‌های ایشان پاشید و به این ترتیب هارون و پسرانش و لباس‌های آنها را تقدیس کرد.

^{۳۱} آنوقت موسی به هارون و پسرانش گفت: «همانطور که خداوند فرموده است، گوشت را دم در خیمه عبادت بپزید و در آنجا آن را با نان مراسم تقدیس که در سبد است، بخورید. ^{۳۲} هر چه از گوشت و نان باقی ماند باید سوزانده شود. ^{۳۳} هفت روز از در خیمه عبادت بیرون نروید تا روزهای تقدیستان سپری شود، زیرا مراسم تقدیس شما هفت روز طول می کشد. ^{۳۴} آنچه امروز انجام شد به فرمان خداوند بود تا به این ترتیب برای گناه شما کفاره داده شود. ^{۳۵} شما باید هفت شبانه روز دم در خیمه عبادت بمانید و آنچه را که خداوند فرموده است انجام دهید و گرنه خواهید مرد. این دستور خداوند است.»

^{۳۶} بنابراین هارون و پسرانش هر چه را که خداوند توسط موسی امر فرموده بود، انجام دادند.

کاهنان قربانی‌ها را تقدیم می کنند

در روز هشتم، موسی، هارون و پسرانش را با بزرگان قوم اسرائیل جمع کرد^۲ و به هارون گفت: «یک گوساله نر سالم و بی عیب برای

۲۶:۸
خرو ۲۳:۲۹

۲۷:۸
خرو ۲۴:۲۹
۲۸:۸
خرو ۲۵:۲۹

۲۹:۸
خرو ۲۶:۲۹
لاو ۲۲:۸

۳۰:۸
خرو ۲۱:۲۹

۳۱:۸
خرو ۳۲:۳۱-۲۹
اسمو ۱۷:۱۲-۲

۳۲:۸
لاو ۱۸:۱۷-۷

۳۳:۸
خرو ۳۵:۲۹

۳۵:۸
لاو ۳۳:۸

۹:۹
خرو ۲۴:۲۹

خواسته‌هایش چطور انجام شود، و با چه حالتی باید این خواسته‌ها را انجام داد. ما نیز باید با همین دقت از اوامر خدا اطاعت کنیم. خدا از ما می‌خواهد قومی کاملاً ممتاز و مقدس باشیم، نه اینکه صرفاً قدری مقدس جلوه کنیم.

۳۶:۸ هارون و پسرانش هر چه را که خداوند به آنان گفته بود، انجام دادند. و این کار با توجه به آن همه فهرست بلندبالایی که در کتاب لاویان آمده، به‌راستی شاهکار بزرگی بود. آنان می‌دانستند خواست خدا چیست، می‌خواهد

قربانی گناه و یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی سوختنی بگیر و آنها را به حضور خداوند تقدیم کن.^۳ بعد به قوم اسرائیل بگو که یک بزغاله نر برای قربانی گناه خود و یک گوساله و یک بره که هر دو یک ساله و بی‌عیب باشند برای قربانی سوختنی بیاورند.^۴ علاوه بر اینها قوم اسرائیل باید یک گاو و یک قوچ برای قربانی سلامتی، و آرد مخلوط با روغن زیتون برای هدیه آردی به خداوند تقدیم کنند زیرا امروز خداوند بر ایشان ظاهر خواهد شد.^۵ پس قوم آنچه را که موسی امر فرموده بود، جلو خیمه عبادت آوردند و تمام جماعت نزدیک شده، در حضور خداوند ایستادند.

۳:۹
عز ۱۷:۶

۴:۹
خرو ۴۳:۲۹
لاو ۴:۲

موسی به ایشان گفت: «خداوند فرموده دستورات او را انجام دهید تا حضور پر جلال خود را بر شما ظاهر کند.»

۶:۹
خرو ۳۴:۴۰
لاو ۲۳:۹

۷ آنگاه موسی به هارون گفت: «نزدیک قربانگاه بیا و همانطور که خداوند فرموده است قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را تقدیم کرده، برای خود کفاره کن و سپس قربانی‌های قوم را تقدیم نموده، برای آنها کفاره نما.»

۷:۹
عبر ۳:۱-۵؛ ۲۷:۷؛ ۷:۹

۸ بنابراین هارون نزدیک قربانگاه رفت و گوساله قربانی گناه خود را ذبح کرد.^۹ پسرانش خون گوساله را پیش وی آوردند و او انگشت خود را در خون فرو برد و بر شاخهای قربانگاه مالید و بقیه خون را به پای قربانگاه ریخت.^{۱۰} بعد همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود، پیه، قلوها و سفیدی روی جگر قربانی گناه را بر قربانگاه،^{۱۱} و گوشت و پوست آن را بیرون از اردوگاه سوزانید.

۹:۹
لاو ۷:۶-۴
عبر ۲۲:۹

۱۲ پس از آن هارون قربانی سوختنی را ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را آوردند و هارون آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.^{۱۳} ایشان کله و قطعه‌های دیگر حیوان را نزد هارون آوردند و او آنها را بر قربانگاه سوزانید.^{۱۴} دل و روده و پاچه‌ها را شست و اینها را نیز بعنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه سوزانید.

۱۵:۹
لاو ۳۱:۲۷-۴؛ ۳:۹
عبر ۳۱:۵؛ ۲۷:۷؛ ۷:۹

۱۵ سپس هارون قربانی قوم اسرائیل را تقدیم کرد. او بز قربانی گناه قوم را ذبح نموده، آن را مانند قربانی گناه خود برای گناه قوم تقدیم کرد.^{۱۶} آنگاه مطابق مقررات، قربانی سوختنی ایشان را به خداوند تقدیم نمود.^{۱۷} بعد هدیه آردی را آورد و مشتی از آن را گرفت و بر قربانگاه سوزانید. (این قربانی غیر از قربانی سوختنی‌ای بود که هر روز صبح تقدیم می‌شد.)

۱۶:۹
لاو ۱۰:۳-۱؛ ۲۱-۱۸:۸

۱۷:۹
خرو ۴۲:۳۸-۲۹
لاو ۱۶:۱-۲؛ ۱۸:۱۴-۶

۱۸ پس از آن هارون گاو و قوچ را بعنوان قربانی سلامتی قوم ذبح کرد. پسران هارون خون قربانی را نزد او آوردند و او آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.

۱۸:۹
لاو ۱۱:۱-۳؛ ۱۸:۱۱-۷

۱۹ سپس پیه گاو و قوچ را که شامل پیه داخل شکم و قلوها و سفیدی روی جگر گاو و قوچ می‌شد، گرفت^{۲۰} و آنها را روی سینه‌های حیوان گذاشته، نزدیک قربانگاه آورد و تمام پیه را روی قربانگاه سوزانید.^{۲۱} همانطور که

۱۹:۹
لاو ۳:۳؛ ۱۰:۹

۲۱:۹
لاو ۳۲:۳۰-۷

موسی دستور داده بود، هارون سینه‌ها، و رانهای راست حیوان را بعنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان داد.

۲۲ پس از تقدیم قربانی‌ها، هارون دستهای خود را بطرف قوم اسرائیل دراز کرده، ایشان را برکت داد و از قربانگاه به زیر آمد. ۲۳ موسی و هارون به خیمه عبادت رفتند. وقتی از آنجا بیرون آمدند قوم اسرائیل را برکت دادند. آنگاه حضور پر جلال خداوند بر تمام جماعت ظاهر شد ۲۴ و از حضور خداوند آتش فرود آمده، قربانی سوختنی و پیه روی قربانگاه را بلعید. بنی اسرائیل وقتی این را دیدند، فریاد بر آورده، در حضور خداوند به خاک افتادند.

۲۲:۹

اعد ۲۶:۲۴-۶

۲۳:۹

اعد ۴۲:۱۹:۱۶

۲۴:۹

پیدا ۱۷:۱۵

پاد ۳۸:۱۸

پسران هارون با آتش هلاک شدند

ناداب و ابیهو، پسران هارون، برخلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهاده، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند. آنگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همانجا، در حضور خداوند مردند.

۱:۱۰

خرو ۲۳:۶

اعد ۲:۳

۲:۱۰

لاو ۱:۱۶

اعد ۶۱:۲۶

خود گذاشتند و به خدا تقدیم کردند، چه نوع آتشی بود؟ در لاویان ۱۲:۶ و ۱۳ می‌خوانیم که آتش قربانگاه هرگز نباید خاموش شود. این امر تلویحاً به مقدس بودن این آتش اشاره دارد. احتمالاً ناداب و ابیهو از جای دیگری اخگر آتش به قربانگاه برده بودند و همین امر باعث شده بود قربانی‌شان غیر مجاز تلقی گردد. نیز برخی گفته‌اند که احتمالاً ناداب و ابیهو خارج از زمان مقرر برای خداوند قربانی گذراندند و همین امر سبب شد آتش ایشان غیر مجاز خوانده شود. به هر حال توضیح درست هر چه باشد، نکته اینجا است که ناداب و ابیهو از سمت خود به‌عنوان کاهن سواستفاده کرده، با این کار گستاخانه به خدا بی‌حرمتی کردند- خدایی که به تازگی به آنها گفته بود دقیقاً چطور باید او را بپرستند. ناداب و ابیهو در مقام رهبران قوم علی‌الخصوص وظیفه داشتند از خدا اطاعت کنند، زیرا موقعیتشان طوری بود که به راحتی می‌توانستند بسیاری را منحرف سازند.

۲۶:۱۰ پسران هارون در مورد رعایت قوانین مربوط به قربانی تساهل کردند. خدا نیز آنان را با آتش نابود ساخت. به‌جا آوردن مراسم قربانی نشانه اطاعت از خدا بود، و انجام صحیح این مراسم نشان‌دهنده احترام به او. ما نیز به راحتی ممکن است تدریجاً نسبت به اطاعت از خدا لاقید و بی‌توجه شویم. اطاعت از بعضی از فرامین خدا آسان است، اما فرامینی نیز هست که باید دقیقاً به آنها توجه داشت. خدا به‌خوبی می‌داند که آیا او را از صمیم قلب می‌پرستیم یا اینکه عبادتمان صرفاً از روی ظاهر سازی است. ناطاعتی از خدا همیشه مجازات در پی دارد.

۲۳،۲۲:۹ موسی در لاویان ۹:۶ به قوم گفت: «خداوند فرموده دستورات او را انجام دهید تا حضور پر جلال خود را بر شما ظاهر کند» آنگاه موسی، هارون و تمامی قوم را می‌بینیم که دست به کار شدند و مطابق دستورات خدا عمل کردند. مدتی بعد، جلال خداوند ظاهر شد. ما اغلب منتظر دیدن اعمال پر جلال خدا هستیم بی‌آنکه در پی اطاعت از دستورات او باشیم. آیا در کارهای عادی و روزانه زندگی‌تان خدا را خدمت می‌کنید، یا اینکه فقط منتظرید او کار عظیمی انجام دهد؟ اگر تنها به اعمال پر جلال او متکی و وابسته باشید، ممکن است رفته‌رفته حتی از انجام وظایف معمولتان نیز شانه خالی کنید.

۲۴:۹ خدا برای آنکه قدرت عظیمش را نشان دهد، از آسمان آتش فرستاد تا قربانی هارون را فرو بلعد. مردم از ترس بر خاک افتادند. امروزه بعضی از مردم از خود می‌پرسند آیا واقعاً خدایی وجود دارد، زیرا نمی‌بینند در این دنیا کاری انجام دهد. و حال آنکه خدا در دنیای امروز نیز درست مانند دنیای زمان موسی عمل می‌کند. خدا وقتی می‌بیند جماعت ایمانداران به‌خوبی برای او فعال است، نیازی نمی‌بیند که قدرتش را در قالب اعمال فیزیکی عظیم به نمایش بگذارد. در عوض از طریق اعمال همین ایمانداران در مردم کار می‌کند تا زندگی‌شان عوض شود. هر گاه به این حقیقت پی بردید، رفته‌رفته در زندگی خود اعمال محبت‌آمیز و ناشی از ایمان را مشاهده خواهید کرد - اعمالی که به اندازه وقایع ثبت‌شده در کتاب لاویان، عجیب و خارق‌العاده‌اند.

۱۰:۱۰ آتش ناپاک و غیرمجازی که ناداب و ابیهو بر آتشدان

آنگاه موسی به هارون گفت: «منظور خداوند همین بود وقتی فرمود: کسانی که مرا خدمت می کنند باید حرمت قدوسیت مرا نگاه دارند تا تمام قوم، مرا احترام کنند.» پس هارون خاموش ماند.

بعد موسی، میشائیل و الصافان (پسران عزریئیل، عموی هارون) را صدا زد و به ایشان گفت: «بروید و اجساد را از داخل خیمه عبادت بردارید و به خارج از اردوگاه ببرید.»

آنها رفتند و همانطور که موسی گفته بود ایشان را در پیراهنهای کهانتشان از اردوگاه بیرون بردند.

آنگاه موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتمار گفت: «عزاداری ننمایید، موی سرتان را ژولیده نکنید و گریبان لباس خود را چاک نزنید. اگر عزاداری کنید خدا شما را نیز هلاک خواهد کرد و خشم او بر تمام قوم اسرائیل افروخته خواهد شد. ولی بنی اسرائیل می توانند برای ناداب و ابیهو که در اثر آتش هولناک خداوند مردند، عزاداری نمایند. شما از در خیمه عبادت بیرون نروید مبادا بمیرید، چون روغن مسح خداوند بر شماست.» ایشان طبق دستور موسی عمل کردند.

آنگاه خداوند به هارون گفت: «وقتی به خیمه عبادت می روید، هرگز شراب یا مشروبات مست کننده دیگر نوشید مبادا بمیرید. این قانونی است دایمی برای تو و پسرانت و تمام نسل های آینده ات. شما باید فرق بین مقدس و نامقدس، و نجس و طاهر را تشخیص دهید. ^{۱۱} باید تمام دستورات مرا که توسط موسی به قوم اسرائیل داده ام، به ایشان بیاموزید.»

پس موسی به هارون و دو پسر بازمانده اش، العازار و ایتمار گفت: «باقیمانده هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم شده است بردارید و از آن، نان بدون خمیرمایه پخته، در کنار قربانگاه بخورید زیرا این هدیه، بسیار مقدس است. ^{۱۳} چنانکه خداوند به من فرموده است باید این را در جای مقدسی بخورید زیرا این سهم شما و پسرانتان از هدیه ای است که بر آتش به خداوند تقدیم می شود. ^{۱۴} شما و پسران و دخترانتان می توانید سینه و ران هدیه مخصوص را که در حضور خداوند تکان داده می شود، در مکان طاهری بخورید. این هدایا که سهم شما از قربانی سلامتی قوم اسرائیل می باشد به شما و فرزندان شما داده شده است.»

۳:۱۰

خرو ۲۲:۱۹ ؛ ۲۹:۳۰
حز ۱۶:۳۸
روم ۱۱:۱۴

۴:۱۰

خرو ۱۸:۶
اعد ۳۰-۲۵:۳

۶:۱۰

لاو ۱۵:۱-۲۱
اعد ۵۳:۱
تث ۹:۳۳
یوش ۱:۷

۷:۱۰

لاو ۱۲:۲۱

۹:۸، ۱۰

حز ۲۱:۴۴

۱۰:۱۰

لاو ۴۷:۱۱
حز ۲۶:۲۲

۱۱:۱۰

تث ۱۰:۳۳ ؛ ۹:۴:۶

۱۲:۱۰

لاو ۳:۱۰-۲۲:۲۱
اعد ۲:۳

۱۳:۱۰

لاو ۱۸:۱۴-۱۶

۱۴:۱۰

لاو ۳۵:۲۸-۷

(و نیز در ۲:۱۹؛ ۲:۱۹) بیان شده است. ده "فرمان" که در فصل ۲۰ خروج آمده، قوانین اساسی بود که خدا به قومش آموخت. این قوانین در کتاب لاویان به مرحله اجرا در می آید. اصول و رهنمودهای مطرح شده در این کتاب به "ده فرمان" معنا می بخشد.

۱۱:۸؛ ۱۰ کاهنان اجازه نداشتند به هنگام ورود به خیمه عبادت شراب یا مشروبات الکلی بنوشند، تا در حین تقدیم قربانی یا تعلیم مردم، قوه درکشان ضعیف نشود.

۱۱:۱۰؛ ۱۰ جان کلام کتاب لاویان در این قسمت

وقتی موضوع مشکلات به میان می‌آید، یکی از دو مورد زیر در خصوص کسانی که با هم برادرند صدق می‌کند: یا خودشان یکدیگر را به دردرس می‌اندازند، یا هر دو با هم به دردرس می‌افتند. این روند بارها و بارها در طول تاریخ بشری تکرار شده است - از هابیل و قائن در نخستین روزهای واقعه پیدایش گرفته، تا یعقوب و عیسو از خاندان ابراهیم، دوازده پسر یعقوب، و اکنون نیز به صورتی عم‌انگیز در مورد ناداب و ایبهو.

اگرچه در مورد نخستین سالهای زندگی این دو برادر اطلاع چندانی در دست نیست، در خصوص محیطی که در آن پرورش یافتند و بزرگ شدند مطالب زیادی می‌دانیم. آنان که متولد مصر بودند، اعمال عظیم خدا را در جریان واقعه خروج به چشم دیده بودند. پدرشان هارون، و عمویشان موسی را بارها و بارها مشغول کار دیده بودند. این دو در زمره معدود افرادی بودند که در مورد خدا شناختی مستقیم و بلاواسطه داشتند، و لاقلاً تا مدتی با تمام وجودشان از او اطاعت می‌کردند (لاویان ۳۶:۸). منتهی در لحظه‌ای حساس و سرنوشت‌ساز بر آن شدند دستورات روشن و صریح خدا را نادیده بگیرند. عواقب گناهشان مرگبار و سریع بود، و همگان را به وحشت انداخت.

ما نیز اگر عدالت و قدوسیت خدا را سرسری بگیریم، با این خطر روبرو خواهیم شد که مرتکب همان اشتباهی شویم که این دو برادر شدند. البته باید به خدا نزدیک شویم، ولی در عین حال لازم است بر این امر نیز واقف باشیم که باید برای خدا حرمت قائل بود و از او ترسید. هرگز این واقعیت را فراموش نکنید که فرصت کسب شناختی شخصی در مورد خدا، ابتکار عمل خود خدا است که از سر لطف و فیض بیکرانش به کسانی عطا فرموده که به‌راستی افرادی ناشایست و نالایق‌اند، و آن را نباید هدیه‌ای بدیهی فرض کرد. آیا در فکر و ذهن‌تان فروتنانه به تقدس عظیم خدا اذعان می‌کنید؟

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- * پسران ارشد هارون بودند
- * مهم‌ترین جانشینان مقام کهنات اعظم پس از پدر
- * در واقعه تقدیس خیمه عبادت شرکت داشتند
- * کتاب مقدس آنها را به این سبب که «هر چه را که خداوند فرموده بود انجام دادند»، می‌ستاید (لاویان ۳۶:۸).

نقطه ضعف و اشتباه:

- * فرامین صریح خدا را سرسری گرفتند

درسی از زندگی آنان:

- * گناه عواقبی مرگبار دارد

آمار حیاتی:

- * محل زندگی: شبه جزیره سینا
- * شغل: کارآموزان منصب کهنات
- * خویشاوندان: پدر: هارون. عمو و عمه: موسی و مریم.
- * برادران: العازار و ایتامار.

آیه کلیدی:

«ناداب و ایبهو، پسران هارون، بر خلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهاده، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند. ناگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همانجا، در حضور خداوند مردند» (لاویان ۱۰:۱۰).

ماجرای ناداب و ایبهو در لاویان فصل‌های ۱۰-۸ نقل شده است. از آنها در خروج ۹۱:۲۴؛ ۱:۲۸ و اعداد ۲:۳-۴؛ ۶۱:۲۶ نیز یاد شده است.

۱۵ «بنی اسرائیل باید ران و سینه را هنگام تقدیم پیه بر آتش، بیاورند و بعنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان دهند. آن ران و سینه همیشه به شما و فرزندانان تعلق خواهد داشت، همانطور که خداوند فرموده است.»

۱۵:۱۰
لاو ۳۴:۳۰-۷

۱۶ موسی سراغ بز قربانی گناه را گرفت، ولی پی برد که سوزانده شده است. پس بر العازار و ایتامار خشمگین شده، گفت: ^{۱۷} «چرا قربانی گناه را در مکان مقدس نخوردید؟ این قربانی، بسیار مقدس می باشد و خدا آن را به شما داده است تا گناه قوم اسرائیل را در حضور خداوند کفارہ نماید. ^{۱۸} چون خون آن به داخل قدس برده نشد، باید حتماً آن را در محوطه عبادتگاه می خوردید، بطوری که به شما دستور داده بودم.»

۱۶:۱۰
لاو ۳۰:۲۵-۹؛ ۳:۹

۱۷:۱۰
لاو ۶:۷

۱۸:۱۰
لاو ۳۰:۲۹-۶

۱۹ ولی هارون به موسی گفت: «با وجودی که ایشان قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را به حضور خداوند تقدیم کردند این واقعه هولناک برای من پیش آمد. حال اگر از گوشت قربانی گناه می خوردیم، آیا خداوند خشنود می شد؟» ^{۲۰} موسی وقتی این را شنید، قانع شد.

۳- مقررات مربوط به قوم حیوانات حلال و حرام

خداوند به موسی و هارون فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهند: هر حیوانی که شکافته سم باشد و نشخوار کند حلال گوشت است. ^{۴-۷} ولی گوشت شتر، گورکن و خرگوش را نباید خورد، زیرا این حیوانات هر چند نشخوار می کنند اما شکافته سم نیستند؛ همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد، زیرا هر چند شکافته سم است اما نشخوار نمی کند. ^۸ پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است.

۱۹:۲-۱۱
تث ۲۱:۱۴-۳

۴:۱۱
جز ۱۴:۴
دان ۸:۱
متی ۱۱:۱۵

۱۴:۱۰
روم ۳:۲؛ ۱۴

عبر ۹:۱۳؛ ۱۰:۹

۷:۱۱
اش ۱۷:۳؛ ۶:۶۵

۸:۱۱
مر ۱۸:۱۵؛ ۷

اعما ۱۵:۱۴؛ ۱۰

اقرن ۸:۸
عبر ۱۰:۹

۱۰-۱۶:۲۰ کاهنی که قربانی گناه را تقدیم می کرد، باید قسمتی از گوشت حیوان را می خورد و بقیه را می سوزاند (لاویان ۶:۲۴-۳۰). خشم موسی به این سبب بود که العازار و ایتامار قربانی گناه را سوزانده بودند بدون آنکه چیزی از آن بخورند. هارون در توضیح این کار به موسی گفت دو پسرش از این جهت چیزی از قربانی نخوردند که فکر می کردند خوردن گوشت قربانی درست پس از کشته شدن دو برادرشان، یعنی ناداب و ابیهو، به دلیل قربانی نادرست، کار صحیحی نباشد. موسی دریافت که العازار و ایتامار قصد ناطاعتی از خدا را نداشتند، بلکه صرفاً به خاطر آنچه

اخیراً بر برادرانشان گذشته بود، ترسان و ناراحت بودند.

۱۱:۸ خدا خوردن گوشت بعضی از حیوانات را اکیداً منع کرده بود؛ و برای آنکه بر این ممنوعیت تأکید ورزد، قوم را حتی از لمس کردن گوشت اینگونه حیوانات نیز برحذر داشته بود. خدا می خواست قومش کاملاً خود را از آنچه او منع کرده دور نگاه دارند. ما نیز اغلب با گناه بازی می کنیم و بعد کارمان را اینطور توجیه می کنیم که لااقل عملاً دست به گناه نزده ایم و بنابراین از فرمان خدا تخطی نورزیده ایم. و حال آنکه خدا از ما می خواهد خود را به طور کامل از هر نوع گناه و وسوسه دور نگاه داریم.

آنهايي را مي توانيد بخوريد که باله و فلس داشته باشند.^{۱۰} تمام جانوران آبي ديگر براي شما حرامند؛^{۱۱} نه گوشت آنها را بخوريد و نه به لاشه آنها دست بزنيد.^{۱۲} باز تکرار مي کنم، هر جانور آبي که باله و فلس نداشته باشد براي شما حرام است.

۱۳-۱۹ از ميان پرندگان اينها را نبايد بخوريد: عقاب، جغد، باز، شاهين، لاشخور، کرکس، کلاغ، شترمرغ، مرغ دريايي، لک لک، مرغ ماهي خوار، مرغ سقا، قره قاز، هدهد و خفاش.

۲۰ حشرات بالدار نبايد خورده شوند،^{۲۱} و^{۲۲} بجز آنهايي که مي جهند، يعني ملخ و انواع گوناگون آن. اينها را مي توان خورد.^{۲۳} اما ساير حشرات بالدار براي شما حرامند.

۲۴ هر کس به لاشه اين حيوانات حرام گوشت دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.^{۲۵} هر کس لاشه آنها را بردارد بايد لباسش را بشويد؛ او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.

۲۶ اگر به حيواني دست بزنيد که سمش کاملاً شکافته نباشد و يا نشخوار نکند، شرعاً نجس خواهيد بود، زيرا حرام گوشت هستند.^{۲۷} هر حيوان چهارپا که روي پنجه راه رود خوردنش حرام است. هر کس به لاشه چنين حيواني دست بزند تا غروب نجس خواهد بود.^{۲۸} هر کس لاشه آن را بردارد تا غروب نجس خواهد بود و بايد لباس خود را بشويد. اين حيوانات براي شما حرام هستند.

۲۹ و^{۳۰} موش کور، موش صحرايي، موش خانگي و انواع مارمولک حرامند و نبايد خورده شوند.^{۳۱} هر کس به لاشه اين جانوران دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.^{۳۲} اگر لاشه آنها روي شي اي که از جنس چوب، پارچه، چرم يا گوني باشد بيفتد آن شي شرعاً نجس خواهد شد؛ بايد آن را در آب بگذاريد و آن تا غروب نجس خواهد بود ولي بعد از آن، مي توان دوباره آن را بکار برد.^{۳۳} اگر لاشه يکي از اين جانوران در يک ظرف سفالين بيفتد، هر چيزي که در ظرف باشد نجس خواهد بود و بايد ظرف را شکست.^{۳۴} اگر آب چنين ظرفي روي خوراكي ريخته شود آن خوراک نيز شرعاً نجس خواهد شد و هر آشاميدني هم که در چنين ظرفي باشد، نجس خواهد بود.

۳۵ اگر لاشه يکي از اين جانوران روي تنور يا اجاقی بيفتد، آن تنور يا اجاق

۲۲:۱۱

متی ۴:۳

مر ۶:۱

۲۵:۱۱

لاو ۴۰، ۲۸:۱۱

اعد ۱۳-۱۱:۱۹

۳۲:۱۱

لاو ۱۲:۱۵

۳۳:۱۱

لاو ۲۸:۶

تیمو ۲:۲۰، ۲۱

می شد شخص تا زمانی که «طاهر» نشده و نجاستش از بين نرفته، نتواند خدا را عبادت کند. کسی که می خواست خدا را عبادت کند، می بایست از قبل خود را برای این کار آماده می کرد. ما نیز نمی توانیم در طول هفته هر طور که دلمان خواست زندگی کنیم و بعد روز یکشنبه که آمد، به حضور خدا بشتاییم. رابطه ما با خدا باید پیوسته با توبه و طهارت همراه باشد تا برای عبادت او آماده باشیم.

۲۵:۱۱ قوم برای شرکت در مراسم عبادت می بایست خود را از قبل آماده می کردند. برخی ناطاعتی ها، یا برخی اعمال طبیعی (نظیر زایمان، عادت ماهیانه، یا رابطه جنسی)، و نیز برخی وقایع (نظیر لمس کردن لاشه یا جسد مرده) باعث می شد شخص شرعاً نجس محسوب شود و در نتیجه از شرکت در مراسم عبادت محروم گردد. این فصل، شرح بسیاری از وقایع عمدی یا سهوی است که باعث

شرعاً نجس خواهد شد و باید آن را شکست. ^{۳۶} اما اگر لاشه در چشمه یا آب انباری بیفتد، چشمه یا آب انبار نجس نخواهد شد ولی کسی که لاشه را بیرون می‌آورد نجس خواهد شد. ^{۳۷} و ^{۳۸} اگر لاشه روی دانه‌هایی که قرار است کاشته شود بیفتد آن دانه‌ها نجس نخواهند شد، ولی اگر روی دانه‌های خیس کرده بیفتد دانه‌ها نجس خواهند گردید.

^{۳۹} اگر حیوان حلال گوشتی بمیرد، هر کس لاشهٔ آن را لمس کند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. ^{۴۰} همچنین اگر کسی گوشت آن را بخورد و یا لاشهٔ آن را جابجا کند باید لباس خود را بشوید و او تا غروب نجس خواهد بود. ^{۴۱} و ^{۴۲} جانورانی که روی زمین می‌خزند، چه آنهایی که دست و پا ندارند و چه آنهایی که چهار دست و پا و یا پاهای زیاد دارند، حرامند و نباید خورده شوند. ^{۴۳} با آنها خود را نجس نسازید. ^{۴۴} من خداوند، خدای شما هستم. خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من مقدس هستم. پس با این جانورانی که روی زمین می‌خزند خود را نجس نکنید. ^{۴۵} من همان خداوندی هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. بنابراین باید مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم.

^{۴۶} این قوانین را باید در مورد حیوانات، پرندگان، جانوران آبی و خزندگان رعایت کنید. ^{۴۷} باید در میان حیوانات نجس و طاهر، حرام گوشت و حلال گوشت، تفاوت قائل شوید.

۴۰:۱۱
لاو ۲۵:۱۱ ۱۵:۱۷
تث ۲۱:۱۴
جز ۱۴:۴ ۳۱:۴۴
۴۱:۱۱
لاو ۲۳:۲۰ ۱۱:۱۱
تث ۲۰:۱۹ ۱۴:۴
۴۴:۱۱
خرو ۶:۱۹ ۲:۲۰
لاو ۲۰:۱۹ ۲۶:۷
اش ۴:۳۶
عا ۳:۳
متی ۴۸:۵
اتسا ۷:۴
۱ پتر ۱:۱۶
مکا ۸:۴ ۱۱:۲۲
۴۷:۱۱
لاو ۱۰:۱۰

عقاید و عاداتی که مورد پسند خدا نبود، آلوده می‌ساختند. خدا از ما نیز می‌خواهد در تقدس رشد کنیم و پیوسته در این مسیر گام بر داریم. این کار آسان نیست و مستلزم تلاش و کوشش مستمر ما است. با این حال حتی با وجود این تلاشها نیز اغلب می‌بینیم که متأسفانه آنچه را که نباید، انجام می‌دهیم. اما هر چه در تقدس پیش رویم، بیشتر شبیه خدا می‌شویم.

۴۷:۱۱ پاکي و ناپاکي (یا نجاست) یک حیوان هیچ ربطی به ویژگیهای ظاهری آن نداشت، بلکه تنها مشخص می‌کرد که قوم اسرائیل چه حیواناتی را می‌توانند بخورند و چه حیواناتی را نمی‌توانند. منع ساختن برخی حیوانات چند دلیل داشت: (۱) ضامن سلامتی قوم بود. حیواناتی که گوشتشان حرام بود معمولاً جانوران لاشخوری بودند که از حیوانات مرده تغذیه می‌کردند و بنابراین ممکن بود ناقل بیماری باشند؛ (۲) تا قوم اسرائیل آشکارا از اقوام دیگر متمایز گردد، زیرا به‌عنوان مثال خوک قربانی معمول ادیان بت‌پرستی بود؛ (۳) تا از تداعی اموری ناخوشایند اجتناب شود. به‌عنوان مثال، «خزندگان» یادآور مار بودند که اغلب نمادی از گناه بود.

۴۵،۴۴:۱۱ این قسمت فقط در این مورد نیست که چه بخوریم و چه نخوریم، بلکه کلید درک تمام قوانین و مقررات مطرح‌شده در لاویان در همین چند آیه نهفته است. خدا از قومش می‌خواست مقدس باشند، درست همانطور که خودش مقدس بود. امروز نیز خواسته او همان است. او از ما نیز می‌خواهد پاک و مقدس باشیم، و تقدس یعنی وقف کامل خدا بودن و فقط و فقط برای او زندگی کردن.

افراد مقدس از بی‌دینان و خدانشناسان ممتاز و متمایزند. قوانین و محدودیت‌هایی که در اینجا و دیگر قسمت‌های لاویان می‌بینیم، جملگی گواهی است بر این واقعیت که خدا می‌خواهد قومش - هم از نظر اجتماعی و هم به لحاظ روحانی - از پلیدی و شرارت لجام‌گسیخته پیرامون خود دور باشند. خدا قوم اسرائیل را از بین آن همه اقوام بت‌پرست فرا خواند و در صدد بر آمدن آنان قومی ویژه و منحصر به فرد بسازد، قومی که خود را وقف خدمت او کرده‌اند و مقدس زندگی می‌کنند. بر آنان بود که به‌واسطه ارتباط، همکاری، و اخلاص و ارادشان نسبت به خدا، افرادی پاک و مقدس باشند. نمی‌بایست خود را با

طهارت بعد از زایمان

۱۲ خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هرگاه زنی پسری بزاید، آن زن تا مدت هفت روز شرعاً نجس خواهد بود، همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. ۳ روز هشتم، پسرش باید ختنه شود. ۴ آن زن باید مدت سی و سه روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر گردد. در این مدت او نباید به چیز مقدسی دست بزند و یا وارد عبادتگاه شود.

۵ هرگاه زنی دختری بزاید، آن زن تا دو هفته شرعاً نجس خواهد بود همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر شود.

۶ وقتی مدت طهارت تمام شد، نوزاد، خواه پسر باشد خواه دختر، مادرش باید یک برهٔ یک ساله برای قربانی سوختنی و یک جوجه کبوتر یا قمری برای قربانی گناه تقدیم کند.

این هدایا را باید دم در خیمهٔ عبادت نزد کاهن بیاورد. ۷ کاهن آنها را برای خداوند قربانی نموده، برای مادر کفاره کند. آنوقت او از خونریزی زایمان طاهر خواهد شد. این است آنچه یک زن بعد از زایمان باید انجام دهد.

۸ ولی اگر آن زن فقیرتر از آن باشد که بتواند یک بره قربانی کند، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد. یکی برای قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی گناه. کاهن باید با تقدیم این قربانی‌ها برایش کفاره کند تا دوباره طاهر شود.

قوانین مربوط به جذام

۱۳ خداوند این قوانین را به موسی و هارون داد: اگر روی پوست بدن شخصی دمل، جوش یا لکهٔ براقی مشاهده

۲:۱۲

لاو ۱۹:۱۵ ؛ ۱۹:۱۸

۳:۱۲

پیدا ۱۴:۱۷-۱۲

یوش ۷:۵

لو ۵۹:۱ ؛ ۲۱:۲

فیل ۵:۳

۶:۱۲

لاو ۲۲:۱۴ ؛ ۲۲:۲۱

لو ۲۲:۲

۸:۱۲

لاو ۷:۵ ؛ ۱۵:۲۹-۳۱

لو ۲۴:۲

۳:۲:۱۳

لاو ۳۸:۱۳ ؛ ۵۶:۱۴

تث ۸:۲۴

لو ۱۴:۱۷

خدا می‌بایست از هر چیزی که به‌نحوی به امور جنسی ارتباط پیدا می‌کرد اجتناب می‌شد.

۱۳:۱-۳ جذام یکی از هولناک‌ترین امراض دوران کتاب مقدس بود. قوم اسرائیل اولین بار در مصر بدان مبتلا شدند. در زبان عبری، به انواع و اقسام بیماریهای مختلف جذام می‌گفتند. فقط یکی از آنها بیماری‌زاست که امروزه آن را به نام جذام می‌شناسیم. از میان این بیماریها برخی مُسری بودند. بدترین نوع جذام، بیماری بود که بدن را ذره ذره از بین می‌برد. برای اغلب این نوع بیماری‌ها علاجی وجود نداشت. جذامیان را از خانواده و دوست و آشنایانشان جدا می‌کردند و بیرون از اردوگاه در قرنطینه نگاه می‌داشتند.

۱۲:۱-۴ چرا زن را پس از معجزه شگفت‌انگیز زایمان، نجس (یعنی ناپاک) به حساب می‌آوردند؟ احتمالاً به‌خاطر مایعات و ترشحاتی بود که در حین زایمان و بعد از آن از بدن زن خارج می‌شد. این ترشحات را ناپاک می‌دانستند و باعث می‌شد چنین زنی نتواند به محوطه پاک خیمه عبادت وارد شود.

۱۲:۱-۴ نجس یا ناپاک به معنای «گناه آلود» نیست، و بنابراین نمی‌توان مسائل کلی چون رابطه جنسی و زایمان را اموری کثیف خواند. بلکه نجس بودن شخص به این معنا بود که او «شایستگی تقدیم قربانی را ندارد». در کنعان، روسپیگری و آیینهای مربوط به باروری جزئی از عبادت مردم بود. بر عکس، در اسرائیل به‌هنگام عبادت

شود، باید وی را نزد هارون یا یکی از کاهنان نسل او بیاورند، چون احتمال دارد آن شخص مبتلا به جذام باشد.^۳ کاهن لکه را معاینه خواهد کرد. اگر موهایی که در لکه است سفید شده باشد و اگر آن لکه از پوست عمیق تر باشد، پس مرض جذام است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.

اگر لکه روی پوست سفید باشد اما عمیق تر از پوست نباشد و موهایی که در لکه است سفید نشده باشد، کاهن باید او را تا هفت روز جدا از دیگران نگه دارد. در روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر آن لکه تغییر نکرده باشد و بزرگ نیز نشده باشد، آنوقت کاهن باید هفت روز دیگر هم او را از مردم جدا نگه دارد. در روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر نشانه‌های مرض کمتر شده و لکه بزرگ نشده باشد، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام کند، چون یک زخم معمولی بوده است. کافی است آن شخص لباس‌هایش را بشوید تا شرعاً طاهر شود. ولی اگر پس از آنکه کاهن او را طاهر اعلام کرد، آن لکه بزرگ شود، باید دوباره نزد کاهن بیاید.^۸ کاهن باز به آن نگاه کند، اگر لکه بزرگ شده باشد آنوقت او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.

شخصی را که گمان می‌رود مرض جذام دارد باید نزد کاهن بیاورند و کاهن او را معاینه کند. اگر آماس چرکی سفیدی در پوست باشد و موهای روی آن نیز سفید شده باشد، این جذام مزمن است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. دیگر نباید او را برای معاینات بیشتر نگه داشت، چون مرض وی قطعی است.^{۱۲} ولی اگر کاهن دید که مرض جذام پخش شده و بدنش را از سر تا پا پوشانیده است، آنوقت کاهن باید اعلام کند که او طاهر است چون تمام بدنش سفید شده است.^{۱۴} ولی اگر در جایی از بدنش زخم بازی باشد، او را باید شرعاً نجس اعلام کند چون زخم باز نشانه جذام است.^{۱۶} اما اگر آن زخم باز سفید شود آن شخص باید نزد کاهن باز گردد. کاهن آن را معاینه کند و اگر زخم سفید شده باشد، آنگاه او را طاهر اعلام کند.

اگر در پوست بدن کسی دملی به وجود بیاید و پس از مدتی خوب بشود، ولی در جای آن، آماسی سفید یا لکه‌ای سفید مایل به سرخ باقی مانده باشد، آن شخص باید برای معاینه نزد کاهن برود.^{۲۰} اگر کاهن دید که لکه عمیق تر از پوست است و موهایی که در آن است سفید شده است، آنوقت باید او را

۶:۱۳
لاو ۲۵:۱۱

۱۰:۹:۱۳
اعد ۱۰:۱۲
۲ یاد ۲۷:۵

۱۸:۱۳
خرو ۹:۹

فردی واقعاً بهبود یافته است یا نه. در کتاب مقدس اغلب از جذام به عنوان تصویری از گناه استفاده می‌شود، زیرا همچون جذام، مسری و مخرب است و جدایی به بار می‌آورد.

از آنجا که مسؤولیت حفظ سلامتی و بهداشت اردوگاه متوجه کاهنان بود، ایشان وظیفه داشتند جذامی‌ها را از اردوگاه بیرون کنند. اگر گمان می‌رفت جذام کسی برطرف شده، تنها کاهن می‌توانست بگوید که آیا چنین

نجس اعلام کند چون مرض جذام از آن دمل بیرون زده است.^{۲۱} ولی اگر کاهن ببیند که موهای سفیدی در لکه نیست و لکه نیز عمیق‌تر از پوست نیست و رنگ آن هم روشن‌تر شده است، آنوقت کاهن او را هفت روز از مردم جدا نگه دارد.^{۲۲} اگر در آن مدت لکه بزرگ شد کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.^{۲۳} ولی اگر لکه بزرگ نشد، این لکه فقط جای دمل است و کاهن باید او را طاهر اعلام نماید.

^{۲۴} اگر کسی دچار سوختگی شود و در جای سوختگی لکه سفید یا سفید مایل به سرخ بوجود آید،^{۲۵} آنوقت کاهن باید لکه را معاینه کند. اگر موهای روی آن لکه سفید شده و جای سوختگی عمیق‌تر از پوست بدن باشد، این مرض جذام است که در اثر سوختگی بروز کرده و کاهن باید او را نجس اعلام کند.^{۲۶} ولی اگر کاهن ببیند که در لکه، موهای سفیدی نیست و لکه عمیق‌تر از پوست بدن به نظر نمی‌آید و کمرنگ می‌شود، کاهن باید هفت روز او را از مردم جدا نگه داشته،^{۲۷} روز هفتم دوباره او را معاینه کند. اگر لکه بزرگ شده باشد، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.^{۲۸} ولی اگر لکه بزرگ نشده و کمرنگ شده باشد، این فقط جای سوختگی است و کاهن باید اعلام نماید که او شرعاً طاهر است، زیرا این لکه فقط جای سوختگی است.^{۲۹} و^{۳۰} اگر مردی یا زنی روی سر یا چانه‌اش لکه‌ای داشته باشد، کاهن باید او را معاینه کند. اگر به نظر آید که لکه عمیق‌تر از پوست است و موهای زرد و باریکی در لکه پیدا شود، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این، جذام است.^{۳۱} ولی اگر معاینه کاهن نشان داد که لکه عمیق‌تر از پوست نیست و در ضمن موهای سیاه نیز در آن دیده نمی‌شود، آنوقت باید او را هفت روز از مردم جدا نگاه داشت^{۳۲} و روز هفتم دوباره وی را معاینه کرد. اگر لکه بزرگ نشده باشد و موهای زردی نیز در آن نمایان نشده باشد، و اگر لکه عمیق‌تر از پوست به نظر نیاید،^{۳۳} آنگاه شخص باید موی اطراف زخمش را بتراشد (ولی نه روی خود لکه را) و کاهن هفت روز دیگر او را از مردم جدا نگه دارد.^{۳۴} روز هفتم باز معاینه شود و اگر لکه بزرگ نشده باشد و از پوست عمیق‌تر به نظر نیاید، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام نماید. او بعد از شستن لباس‌هایش طاهر خواهد بود.^{۳۵} و^{۳۶} ولی اگر بعداً این لکه بزرگ شود، آنوقت کاهن باید دوباره او را معاینه کند و بی‌آنکه منتظر بماند تا موهای زرد ببیند، او را نجس اعلام کند.^{۳۷} ولی اگر معلوم شود که لکه تغییری نکرده و موهای سیاهی نیز در آن دیده می‌شود، پس او شفا یافته و جذامی نیست و کاهن باید او را شرعاً طاهر اعلام کند.

^{۳۸} اگر مرد یا زنی لکه‌های سفیدی روی پوست بدنش داشته باشد^{۳۹} کاهن باید

۲۷:۱۳
تت ۸:۲۴

۳۳:۱۳
لاو ۹:۱۴

۳۴:۱۳
لاو ۸:۱۴

او را معاینه کند. اگر این لکه‌ها سفید کم‌رنگ باشند، این یک لکه معمولی است که در پوست بروز کرده است. بنابراین آن شخص طاهر است.

^{۴۰} و ^{۴۱} اگر موی سر مردی در جلو یا عقب سرش ریخته باشد، این نشانه جذام نیست، ^{۴۲} اما چنانچه در سر طاس او لکه سفید مایل به سرخی وجود داشته باشد، ممکن است جذام باشد که از آن بیرون زده است. ^{۴۳} و ^{۴۴} در آن صورت کاهن باید او را معاینه کند. اگر روی سر او آماس سفید مایل به سرخ باشد، او جذامی است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.

^{۴۵} وقتی معلوم شود کسی جذامی است، او باید لباس پاره بپوشد و بگذارد موهایش ژولیده بماند و قسمت پایین صورت خود را پوشانیده، درحین حرکت فریاد بزند: «جذامی! جذامی!» ^{۴۶} تا زمانی که مرض باقی باشد، او شرعاً نجس است و باید بیرون از اردوگاه، تنها بسر برد.

^{۴۷} و ^{۴۸} اگر گمان رود که مرض جذام به لباس یا پارچه پشمی یا کتانی و یا یک تکه چرم یا شی چرمی سرایت کرده، ^{۴۹} زیرا لکه‌های مایل به سبز یا قرمز در آن دیده می‌شود، باید آن را به کاهن نشان داد. ^{۵۰} کاهن لکه را ببیند و آن پارچه یا شی را مدت هفت روز ننگه دارد ^{۵۱} و روز هفتم دوباره به آن نگاه کند. اگر لکه پخش شده باشد، این مرض، جذام مسری است و آن پارچه یا شی نجس می‌باشد، ^{۵۲} و کاهن باید آن را بسوزاند، چون جذام مسری در آن است و باید بوسیله آتش آن را از بین برد. ^{۵۳} ولی اگر لکه پخش نشده باشد، ^{۵۴} کاهن باید دستور دهد که شی مظنون شسته شود و هفت روز دیگر آن را ننگه دارند. ^{۵۵} اگر بعد از آن مدت، رنگ لکه تغییر نکرد، هر چند پخش هم نشده باشد، نجس است و باید سوزانده شود، خواه لکه روی آن و خواه زیر آن باشد. ^{۵۶} اما اگر کاهن ببیند که لکه بعد از شستن کم‌رنگ‌تر شده، آنوقت قسمت لکه‌دار را از پارچه یا شی چرمی جدا کند. ^{۵۷} ولی اگر لکه دوباره ظاهر شود، جذام است و کاهن باید آن را بسوزاند. ^{۵۸} اما چنانچه بعد از شستن، دیگر اثری از لکه پیدا نشد، می‌توان بار دیگر آن شی را شست و بکاربرد. ^{۵۹} این است مقررات مربوط به مرض جذام در لباس پشمی یا کتانی یا هر شی‌ای که از چرم درست شده باشد.

طهارت از جذام

۱۴ خداوند این دستورات را درباره شخصی که مرض جذام او شفا یافته

است، به موسی داد:

۲:۱۴

متی ۴:۸

مر ۱:۴۵-۴۰

لو ۱۴:۱۲-۱۷ : ۱۴-۱۲:۱۷

شود. جذام بیماری‌ای مسری بود و از این رو مردم حتماً می‌بایست از افراد جذامی فاصله می‌گرفتند.

۱۳:۴۵، ۴۶ فرد جذامی می‌بایست این مراسم عجیب را به‌جا می‌آورد تا مبدا کسی بیش از حد به او نزدیک

کاهن باید برای معاینه او از اردوگاه بیرون رود. اگر دید که جذام برطرف شده است دستور دهد دو پرندۀ زندهٔ حلال گوشت، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا برای مراسم تطهیر شخص شفا یافته بیاورند. ^۵سپس دستور دهد که یکی از پرندگان را در یک ظرف سفالین که آن را روی آب روان گرفته باشند سر ببرند و چوب سرو، نخ قرمز، شاخهٔ زوفا و پرندۀ زنده را در خون پرندۀ ای که سرش بریده شده فرو کند. ^۷سپس کاهن خون را هفت مرتبه روی شخصی که از جذام شفا یافته، بپاشد و او را شرعاً طاهر اعلام کند و پرندۀ زنده را هم در صحرا رها نماید.

^۸آنگاه شخصی که شفا یافته لباس خود را بشوید و تمام موی خود را بتراند و خود را بشوید تا شرعاً طاهر شود. سپس او می‌تواند به اردوگاه باز گشته، در آنجا زندگی کند؛ ولی باید تا هفت روز بیرون خیمه‌اش بماند. ^۹در روز هفتم دوباره تمام موی خود را که شامل موی سر، ریش، ابرو و سایر قسمت‌های بدن او می‌شود، بتراند و لباس‌هایش را بشوید و حمام کند. آنگاه آن شخص شرعاً طاهر خواهد بود.

^{۱۰}روز بعد، یعنی روز هشتم، باید دو برۀ نر بی‌عیب و یک میش یک سالهٔ بی‌عیب با سه کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون بعنوان هدیهٔ آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نزد کاهن بیاورد. ^{۱۱}سپس کاهن آن شخص و هدیهٔ وی را دم در خیمهٔ عبادت به حضور خداوند بیاورد. ^{۱۲}کاهن باید یکی از بره‌های نر را با روغن زیتون گرفته، با تکان دادن آنها در جلو قربانگاه، بعنوان قربانی جبران به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد.) ^{۱۳}سپس کاهن در خیمهٔ عبادت در جایی که قربانی گناه و قربانی سوختنی ذبح می‌شوند، بره را سر ببرد. این قربانی جبران بسیار مقدس است و باید مثل قربانی گناه برای خوراک به کاهن داده شود. ^{۱۴}کاهن، خون قربانی جبران را بگیرد و مقداری از آن را بر نرمهٔ گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست او و روی شست پای راستش بمالد.

^{۱۵}پس از آن، کاهن مقداری از روغن زیتون را گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد، ^{۱۶}و انگشت دست راست خود را در آن فرو برده، هفت بار روغن را به حضور خداوند بپاشد. ^{۱۷}سپس کاهن مقداری از روغن کف دست خود را روی نرمهٔ گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد. ^{۱۸}بعد روغن باقیمانده در کف دست خود را بر سر آن شخص بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.

۳:۱۴

لاو ۳۶:۱۳

۴:۱۴

لاو ۵۳:۴۹، ۶:۱۴

اعد ۶:۱۹

۶:۱۴

مز ۷:۵۱

عبر ۱۹:۹

۸:۱۴

لاو ۹:۱۴

اعد ۷:۸

۹:۱۴

لاو ۱۳:۳۳، ۸:۱۴

اعد ۹:۶

۱۰:۱۴

لاو ۱۳:۱۲، ۲۳

اعد ۱۵:۱۴، ۶

۱۲:۱۴

خرو ۲۴:۲۹

۱۳:۱۴

لاو ۱۳:۱۱-۱۳، ۴:۴، ۱۲:۴

۱:۶ - ۱۰:۷

۱۴:۱۴

خرو ۲۹:۱۹-۲۱

لاو ۲۴:۲۳، ۸

۱۸:۱۴

لاو ۳۰:۸

- ۱۹:۱۴
لاو ۲۴:۶-۳۰
- ۲۰:۱۴
لاو ۲۳:۲۳-۱۳
- ۲۱:۱۴
لاو ۱۱:۷:۵، ۸:۱۲
- ۲۲:۱۴
لاو ۷:۵
۲۳:۱۴
لاو ۱۱:۱۴
- ۲۵:۱۴
لاو ۱۴:۱۴
- ۱۹ پس از آن، کاهن باید قربانی گناه را تقدیم کند و بار دیگر مراسم کفاره را برای شخصی که از جذام خود طاهر می‌شود به جا آورد. سپس کاهن قربانی سوختنی را سر ببرد،^{۲۰} و آن را با هدیه آردی بر قربانگاه تقدیم نموده، برای آن شخص کفاره کند تا شرعاً طاهر شناخته شود.
- ۲۱ اگر آن شخص فقیر باشد و نتواند دو بره قربانی کند، می‌تواند یک بره نر بعنوان قربانی جبران بیاورد تا هنگام برگزاری مراسم کفاره جلو قربانگاه تکان داده شود و به خداوند تقدیم گردد. همراه با آن یک کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون بعنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نیز تقدیم شود.^{۲۲} آن شخص باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر نیز بیاورد و یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی تقدیم کند.^{۲۳} روز هشتم آنها را دم در خیمه عبادت نزد کاهن بیاورد تا در حضور خداوند برای مراسم طهارت او تقدیم شوند.^{۲۴} کاهن بره را بعنوان قربانی جبران همراه با روغن بگیرد و آنها را جلو قربانگاه تکان داده، به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد).^{۲۵} سپس بره را بعنوان قربانی جبران ذبح کند و قدری از خون آن را روی نرمه گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد.
- ۲۶ سپس کاهن مقداری از روغن زیتون را در کف دست چپ خود بریزد^{۲۷} و با انگشت راستش قدری از آن را هفت بار به حضور خداوند بپاشد.^{۲۸} بعد قدری از روغن زیتون کف دستش را روی نرمه گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست وی بمالد.^{۲۹} روغن باقیمانده در دست خود را بر سر شخصی که طاهر می‌شود بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.^{۳۰} پس از آن، باید دو قمری یا دو جوجه کبوتری را که آورده است قربانی کند،^{۳۱} یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی. همراه آنها هدیه آردی نیز تقدیم شود. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن شخص کفاره خواهد کرد.^{۳۲} این است مقررات مربوط به اشخاصی که از مرض جذام شفا یافته، ولی قادر نیستند قربانی‌هایی را که معمولاً برای انجام مراسم طهارت لازم است بیاورند.
- ۳۳ و ۳۴ خداوند این دستورات را در مورد خانه‌ای که جذام بر آن عارض شده، به

مانند کپک به سرعت گسترش یابد و تولید بیماری کند. از این رو حتماً می‌بایست هر چه زودتر جلو گسترش آن گرفته می‌شود. در مواردی خاص که این قارچهای بیماری‌زا بیش از حد گسترش یافته و آسیب وارد کرده بودند، لباس یا خانه آلوده را می‌سوزاندند و ویران می‌کردند.

۱۴:۲۳-۵۳ آیا جذام واقعاً می‌توانست لباس یا خانه کسی را آلوده سازد؟ کلمه عبری برای جذام، انواع بیماریهای پوستی و نیز انواع و اقسام قارچها و کپکها را شامل می‌شد. «جذامی» که بر لباس یا دیوار منازل یافت می‌شد بیشتر به کپک، قارچ یا باکتری شباهت داشت. این قارچ می‌توانست

موسی و هارون داد. (این قوانین برای زمانی بود که قوم اسرائیل به سرزمین موعود کنعان که خداوند قرار بود به آنها ببخشد، وارد می‌شدند.)^{۳۵} هرگاه کسی در خانه‌اش متوجه جدام شود، باید بیاید و به کاهن بگوید: «به نظر می‌رسد در خانه من مرض جدام وجود دارد!»^{۳۶} کاهن پیش از اینکه خانه رامشاهده کند دستور بدهد که خانه تخلیه شود تا اگر تشخیص داد که مرض جدام در آنجا وجود دارد، هر چه در خانه است، شرعاً نجس اعلام نشود. سپس کاهن وارد خانه شده^{۳۷} آن را مشاهده کند. اگر رگه‌های مایل به سبز یا سرخ در دیوار خانه پیدا کرد که عمیق‌تر از سطح دیوار به نظر رسید،^{۳۸} باید در خانه را تا هفت روز ببندد.^{۳۹} روز هفتم برگشته، دوباره به آن نگاه کند. اگر رگه‌ها در دیوار پخش شده باشند،^{۴۰} آنوقت کاهن دستور بدهد آن قسمت رگه‌دار دیوار را کنده، سنگهای آن را در جای ناپاکی خارج از شهر بیندازند.^{۴۱} سپس دستور بدهد دیوارهای داخل خانه را بتراشند و خاک تراشیده شده را نیز در جای ناپاکی خارج از شهر بریزند.^{۴۲} بعد باید سنگهای دیگری بیاورد و بجای سنگهایی که کنده شده کار بگذارند و با ملات تازه خانه را دوباره اندود کنند.

۳۵:۱۴

مز ۱۰:۹۱
زکر ۴:۵

۳۹:۱۴

لاو ۱۳:۹۶

^{۴۳} ولی اگر رگه‌ها دوباره نمایان شدند،^{۴۴} کاهن باید دوباره بیاید و نگاه کند، اگر دید که رگه‌ها پخش شده‌اند، بداند که جدام مسری است و خانه شرعاً نجس می‌باشد.^{۴۵} آنوقت کاهن دستور دهد خانه را خراب کنند و تمام سنگها، تیرها و خاک آن را به خارج از شهر برده، در جای ناپاکی بریزند.^{۴۶} وقتی در خانه بسته است، اگر کسی داخل آن شود، تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.^{۴۷} هر که در آن خانه بخوابد یا چیزی بخورد، باید لباس خود را بشوید.

۴۵:۱۴

لاو ۱۴:۴۵-۴۱

^{۴۸} اما زمانی که کاهن دوباره برای مشاهده خانه می‌آید، ببیند که رگه‌ها دیگر پخش نشده‌اند، آنگاه اعلام کند که خانه شرعاً طاهر است و جدام بر طرف شده است.^{۴۹} سپس برای طهارت خانه، دستور دهد دو پرند، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا بیاورند.^{۵۰} یکی از پرندگان را روی آب روان در یک ظرف سفالین سر ببرد^{۵۱} و چوب سرو و شاخه زوفا و نخ قرمز و پرند زنده را در خون پرندهای که سربریده است و همچنین در آب روان فرو کند و هفت بار بر خانه بپاشد. به این طریق خانه طاهر می‌شود.^{۵۲} سپس پرند زنده را بیرون شهر در صحرا رها کند. این است روش تطهیر خانه.^{۵۳} و^{۵۴} این مقررات مربوط به جدام است که ممکن است در لباس یا در خانه،

۴۹:۱۴

لاو ۱۴:۷۴
اعد ۶:۱۹

خود مردم در اختیارشان نهاد. این قوانین به قوم اسرائیل کمک می‌کرد از بیماریهای خطرناک و کشنده‌ای که در آن زمان و تحت آن شرایط ممکن بود بدن دچار شوند،

۵۷:۵۴:۱۴ خدا به اسرائیلی‌ها گفت چطور جدام را تشخیص دهند تا بتوانند از آن دوری گزینند یا آن را معالجه کنند. خدا این قوانین را برای حفظ سلامتی و امنیت

در آماس روی پوست بدن یا در جوش، و یا در لکهٔ براق دیده شود.^{۵۷} طبق این مقررات تشخیص خواهید داد که چه وقت چیزی نجس است و چه وقت طاهر.

۵۷:۱۴
تث ۸:۲۴
حز ۲۳:۴۴

طهارت بعد از ترشحات بدن

خداوند به موسی و هارون فرمود که این دستورات را نیز به قوم اسرائیل بدهند: هرگاه از بدن مردی مایعی ترشح شود، او شرعاً نجس است.^{۱۵} این مایع، چه از بدنش به بیرون ترشح کند و چه نکند، او را نجس می‌سازد. اگر رختخوابی که او در آن بخوابد و هر چیزی که روی آن بنشینند نجس خواهد شد.^{۱۶} هر کس به رختخواب او دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. هر کس روی جایی بنشیند که آن مرد هنگام آلودگی روی آن نشسته بود، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.^{۱۷} هر کس به آن مرد دست بزند، باید همین دستورات را اجرا کند.^{۱۸} به هر کس آب دهان بیاندازد، آن شخص شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.^{۱۹} روی هر زینی که بنشیند، آن زین نجس خواهد بود.^{۲۰} اگر کسی چیزی را که زیر این مرد بوده است بردارد یا به آن دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.^{۲۱} اگر این مرد نجس بی آنکه اول دستهای خود را بشوید، به کسی دست بزند، آن شخص باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.^{۲۲} اگر مرد نجس به یک ظرف سفالین دست بزند، آن ظرف باید شکسته شود؛ ولی اگر به ظرفی چوبی دست بزند آن ظرف را باید شست.

۳-۱:۱۵
لاو ۴:۲۲
اعد ۲:۵

۴:۱۵
لاو ۲۳-۲۰:۱۵

۱۲:۱۵
لاو ۲۸:۶ ؛ ۳۳:۱۱

کنیم؟ به‌طور کلی باید گفت اصول اساسی بهداشت و پاکیزگی، برای امروز ما نیز همان قدر کاربرد دارد که برای مردم آن زمان داشت. اما اگر بخواهیم تک‌تک این ممنوعیت‌ها را رعایت کنیم، اگر نگوییم اشتباه، لاقلاً باید گفت کاری است بیش از حد شریعت‌گرایانه. بعضی از این مقررات برای آن وضع شده بود که قوم اسرائیل را از اقوام شرور و بت‌پرست مجاور ممتاز و متمایز گرداند. برخی دیگر نیز برای آن بود که قوم خدا به آداب و سنن ادیان بت‌پرست آن زمان روی نیاورد- معضلی که به‌راستی از حادترین مسائل آن روزگار بود. برخی دیگر از این قوانین نیز مربوط می‌شد به قرنطینه‌هایی که در آن دوران باب بود، زیرا برای بعضی بیماری‌ها هیچ درمان پزشکی وجود نداشت. و حال آنکه امروزه می‌توانیم انواع مختلف جذام را از هم تشخیص دهیم و بگوییم کدامیک مسری است.

دور بمانند. قوم گر چه ممکن است توجه پزشکی بعضی از این قوانین را نمی‌فهمیدند، اما با اطاعت از آنها سلامت خود را تضمین می‌کردند. احتمالاً بسیاری از قوانین خدا برای بنی اسرائیل عجیب به نظر می‌رسید. باین‌حال این احکام الهی نه تنها قوم را از بیماری‌های جسمانی مصون نگاه می‌داشت، بلکه باعث می‌شد از بیماری‌های اخلاقی و روحانی نیز در امان باشند. کلام خدا هنوز نیز الگویی متعال فرا رویمان می‌گذارد تا با عمل به آنها، سلامت زندگی جسمانی، روحانی، و اخلاقی خود را تأمین کنیم. ممکن است همیشه به حکمت این قوانین پی نبریم، اما اگر از آنها اطاعت کنیم، کامیاب و سعادتمند خواهیم بود. و اما آیا این بدان معنا است که ما نیز باید به ممنوعیت‌هایی که در خصوص بهداشت و تغذیه در عهدعتیق آمده عمل

^{۱۳}وقتی ترشح او قطع شود، باید هفت روز صبر کند و بعد لباس هایش را بشوید و در آب روان غسل نماید تا شرعاً طاهر شود.^{۱۴} روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد و آنها را به کاهن بدهد.^{۱۵} کاهن باید یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن مرد بسبب ترشحاتی که داشته است کفاره می‌نماید.

^{۱۶}هر وقت از مردی منی خارج شود باید خود را کاملاً بشوید؛ او تا غروب نجس خواهد بود.^{۱۷} هر پارچه یا چرمی که منی روی آن ریخته باشد باید شسته شود و آن پارچه یا چرم تا غروب نجس خواهد بود.^{۱۸} زن و مرد بعد از نزدیکی باید غسل کنند و تا غروب شرعاً نجس خواهند بود.

^{۱۹}ازن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه‌اش شرعاً نجس خواهد بود. در آن مدت هر کس به او دست بزند، تا غروب نجس خواهد شد،^{۲۰} او و روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس خواهد شد.^{۲۱} و^{۲۲} اگر کسی به رختخواب آن زن یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود.^{۲۴} مردی که در این مدت با او نزدیکی کند، شرعاً تا هفت روز نجس خواهد بود و هر رختخوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود.

^{۲۵}اگر خونریزی عادت ماهانه بیش از حد معمول جریان داشته باشد یا در طول ماه، بی‌موقع عادت ماهانه او شروع شود، همان دستورات بالا باید اجرا گردد.^{۲۶} بنابراین در آن مدت او روی هر چیزی که بخوابد یا بنشیند، درست مثل دوره عادت ماهانه عادی نجس خواهد بود.^{۲۷} هر کس به رختخواب او یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند نجس خواهد شد و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.^{۲۸} هفت روز بعد از تمام شدن عادت ماهانه، او دیگر نجس نیست.^{۲۹} روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در عبادتگاه پیش کاهن بیاورد^{۳۰} و کاهن یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند و در حضور خداوند برای نجاست عادت ماهانه آن زن کفاره نماید.^{۳۱} به این طریق قوم اسرائیل را از ناپاکیه‌هایشان طاهر کنید مبادا بخاطر آلوده کردن خیمه عبادت من که در میان ایشان است بمیرند.

۱۳:۱۵

اعد ۱۲:۱۱:۱۹

۱۵:۱۵

لاو ۲۲:۱۴

۱۶:۱۵

لاو ۵:۱۵؛ ۶:۲۲

تث ۱۱:۰۲۳

۱۸:۱۵

خرو ۱۵:۱۹

اسمو ۴:۲۱

۱۹:۱۵

لاو ۵:۲:۱۲

۲۰:۱۵

لاو ۵:۴:۱۵

۲۴:۱۵

لاو ۳۳:۱۵؛ ۱۹:۱۸

۱۸:۲۰

حز ۱۰:۲۲؛ ۶:۱۸

۲۵:۱۵

متی ۲۰:۹

مر ۲۵:۵

لو ۴۴:۴۳:۸

۳۰:۱۵

لاو ۷:۵؛ ۲۲:۱۴؛ ۱۵:۱۵

۳۱:۱۵

اعد ۳:۵؛ ۲۰:۱۳؛ ۱۹

روحانیت و لطف و توجه خدا نسبت به ما جدا نیست. خدا به عادات و تمایلات جنسی ما توجه دارد. ما معمولاً زندگی جسمانی را از زندگی روحانی خود جدا می‌دانیم، و حال آنکه میان این دو پیوندی گسست‌ناپذیر وجود دارد. خدا باید بر تمامیت وجود ما حاکم باشد- از جمله زندگی خصوصی‌مان.

۱۸:۱۵ منظور از این آیه این نیست که رابطه جنسی عملی کثیف یا نفرت‌انگیز است. خدا رابطه جنسی را معین داشته تا هم زن و شوهر از یکدیگر لذت برند و هم نسل بشر و نیز نسل قوم وعده، استمرار و تداوم یابد. همه چیز را باید از دریچه محبت خدا و با توجه به تسلط او بر امور، دید و انجام داد. امور جنسی نیز از

۳۲ این مقررات برای مردی که بسبب ترشح مایع یا خارج شدن منی نجس شود
 ۳۳ و همچنین برای دورهٔ عادت ماهانهٔ زن و در مورد هر شخصی است که با
 آن زن قبل از طهارت وی نزدیکی کند.

۴- مقررات مربوط به قربانگاه روز کفاره گناه

۱۶

پس از آنکه دو پسر هارون بعلت سوزاندن بخور بر آتش غیر
 مجاز در حضور خداوند مردند، خداوند به موسی فرمود: «به برادرت
 هارون بگو که غیر از موعده مقرر، در وقت دیگری به قدس الاقداس که پشت
 پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبدا
 بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم. شرایط داخل شدن
 او به آنجا از این قرار است: او باید یک گوساله برای قربانی گناه و یک قوچ
 برای قربانی سوختنی بیاورد.»

اُسیس خداوند این مقررات را داد: قبل از آنکه هارون به قدس الاقداس داخل
 شود، باید غسل نموده، لباس‌های مخصوص کاهنی را بپوشد، یعنی پیراهن
 مقدس کتانی، لباس زیر از جنس کتان، کمربند کتانی و عمامه کتانی.

۲:۱۶

خرو ۲۲:۱۷-۲۵؛ ۳۰:۱۰

لاو ۱:۱۰

عبر ۲۵:۷-۹

۳:۱۶

لاو ۷:۱۶

اعد ۱۱:۷-۲۹

۴:۱۶

خرو ۳۹:۲۸-۴۳

۲۹:۲۷-۳۹

لاو ۱۰:۶

جز ۱۹:۱۷-۴۴

می‌رفت تا برای گناه آنان کفاره دهد. به جهت «پوشانده
 شدن» گناهان قوم قربانی گذرانده می‌شد و خون ریخته
 می‌شد، تا آنگاه که مسیح با قربانی خود بر صلیب، برای
 همه مردم این امکان را فراهم سازد که گناه را برای
 همیشه از زندگی خود بزایند. بنی اسرائیل به واسطه دید
 محدودی که از نقشه خدا داشتند، به فرق بین گناهانی
 که صرفاً «پوشیده می‌شد» و گناهانی که کاملاً پاک و
 زدوده می‌گشت، پی نبردند.

۲۵:۱-۱۶

هارون می‌بایست قبل از ملاقات با خدا ساعتها
 خود را بدین منظور آماده می‌کرد. اما ما در هر وقت و
 زمانی می‌توانیم به حضور خدا برویم (عبرانیان ۴:۱۶).
 به‌راستی که چه امتیاز بزرگی نصیب ما شده! خدا به ما
 این افتخار را داده که بسی آسانتر از کاهنان اعظم زمان
 عهدعتیق بتوانیم به او دسترسی داشته باشیم! باین‌حال،
 هرگز نباید فراموش کنیم که خدا مقدس است. نباید اجازه
 دهیم این امتیاز باعث شود با بی‌احترامی و سبک‌سری
 به حضور او برویم. درست است که مسیح راه ورود به
 حضور خدا را برای ما باز کرده است، اما دسترسی آسان
 به خدا چیزی از اهمیت و ضرورت آمدن به حضور او در
 حالت دعا و با قلبی آماده نمی‌کاهد.

۳۳:۳۲:۱۵ خدا به سلامتی انسان توجه دارد. شأن و
 منزلت انسان، ارزش بدنی که دارد، و اهمیت و ارزش
 تجربه جنسی، همه و همه در نظر خدا مهم است. فرامین
 او مردم را فرا می‌خواند تا از اعمال ناسالم بپرهیزند و در
 عوض این اعمال را به طریقی سالم انجام دهند. حکم مربوط
 به شستشوی بدن به‌خاطر حفظ سلامت جسمانی مردم بود
 و فرمان مربوط به طهارت یا پاکي، به‌خاطر حفظ شأن
 روحانی‌شان. این امر نشان می‌دهد خدا تا چه حد برای
 امور جنسی اهمیت قائل است. تبلیغات شرم‌آور روزگار
 ما، امور جنسی را به ابتذال کشانده است. حریم خصوصی
 روابط جنسی گسسته و به امری فاحش و عیان بدل گشته
 است. ما نیز دعوت داریم همچون خود خدا برای امور
 جنسی ارزش قائل باشیم - هم از جهت بهداشت، و هم از
 روی پاکدامنی.

۱:۱۶ این روز برای بنی اسرائیل مهم‌ترین روز سال بود.
کفاره دادن در زبان عبری به معنای «پوشاندن» است.

قربانی‌هایی که در زمان عهدعتیق گذرانده می‌شد در عمل
 نمی‌توانست گناه را بزاید، بلکه فقط آن را می‌پوشاند. در
 این روز، تمام مردم اسرائیل به‌عنوان یک قوم به گناهان
 خود اعتراف می‌کردند، و کاهن اعظم به قدس الاقداس

۵ آنوقت قوم اسرائیل دو بز نر برای قربانی گناهشان و یک قوچ برای قربانی سوختنی نزد او بیاورد. ۶ هارون باید اول گوساله رابعنوان قربانی گناه خودش به حضور خداوند تقدیم کند و برای خود و خانواده‌اش کفاره نماید. ۷ سپس دو بز نر را دم در خیمه عبادت بحضور خداوند بیاورد. ۸ او باید یک بز را ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیاندازد. ۹ آنگاه بزی را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، بعنوان قربانی گناه ذبح کند ۱۰ او بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

۶:۱۶
لاو ۷:۹
عبر ۷:۹؛ ۲۸:۲۷؛ ۳۰:۱۵

۱۰:۱۶
اش ۱۰:۴؛ ۵۳

۱۱ پس از اینکه هارون گوساله را بعنوان قربانی گناه برای خود و خانواده‌اش ذبح کرد، ۱۲ آتش دانی پر از زغالهای مشتعل از قربانگاه بخور برداشته، آن را با دو مشت بخور کوبیده خوشبو به قدس‌الاقداص بیاورد ۱۳ او در حضور خداوند، بخور را روی آتش بریزد تا ابری از بخور، تخت رحمت روی صندوق عهد را بپوشاند. بدین ترتیب او نخواهد مرد. ۱۴ هارون مقداری از خون گوساله را آورده، با انگشت خود آن را یک مرتبه بر قسمت جلویی تخت رحمت، سپس هفت مرتبه جلو آن روی زمین بپاشد.

۱۱:۱۶

لاو ۷:۹

عبر ۷:۹

۱۲:۱۶

خرو ۳۸:۴؛ ۳۰

اعد ۴۶:۱۸؛ ۱۶

اش ۷:۶؛ ۶

مکا ۵:۳۸

۱۳:۱۶

خرو ۸۸:۱؛ ۳۰؛ ۲۱:۲۵

لاو ۹:۲۲

۱۴:۱۶

لاو ۱۷:۴

۱۵:۱۶

عبر ۱۲:۷؛ ۳:۹؛ ۱۹:۶

۱۶:۱۶

خرو ۱۰:۳۰

حز ۱۸:۴۵

عبر ۲۳:۲۲؛ ۹

۱۷:۱۶

لو ۱۰:۱

۱۸:۱۶

لاو ۲۵:۱۷؛ ۷:۴

حز ۲۰:۴۳

۱۵ پس از آن، او باید بیرون برود و بز قربانی گناه قوم را ذبح کند و خون آن را به قدس‌الاقداص بیاورد و مانند خون گوساله بر تخت رحمت و جلو آن بپاشد. ۱۶ به این ترتیب برای قدس‌الاقداص که بسبب گناهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمه عبادت که در میان قوم واقع است و با آلودگیهای ایشان احاطه شده، کفاره خواهد کرد. ۱۷ از زمانی که هارون برای کفاره کردن وارد قدس‌الاقداص می‌شود تا وقتی که از آنجا بیرون می‌آید هیچکس نباید در داخل خیمه عبادت باشد. هارون پس از اینکه مراسم کفاره را برای خود و خانواده‌اش و قوم اسرائیل بجا آورد، ۱۸ باید در حضور خداوند بطرف قربانگاه

۱۲:۱۶ آتش‌دان، بشقاب یا کاسه کم‌عمقی بود که به زنجیری می‌آویختند و با انبرک در دست می‌گرفتند. درون آن بخور (که مخلوطی بود از ادویه‌جات معطر و خوشبو) و زغال‌های مشتعل برگرفته از قربانگاه می‌ریختند. کاهن اعظم در روز کفاره با آتش‌دانی که بخور از آن بلند بود، وارد قدس‌الاقداص می‌شد. این دود حکم سیر را داشت و باعث می‌شد میان کاهن و صندوق عهد که محل حضور خدا بود، حفاظتی ایجاد شود؛ چه در غیر این صورت کاهن اعظم می‌مرد. البته احتمالاً بخور کاربردی بسیار عملی نیز داشت. زیرا بوی خوش آن جلب توجه می‌کرد و باعث می‌شد قوم به مراسم قربانی‌هایی که به‌هنگام صبح و عصر گذرانده می‌شد بیایند. به‌علاوه بوی قربانی را که گاه ناخوشایند بود، می‌پوشاند.

۲۸:۵؛ ۱۶ آنچه در مورد این دو بز نوشته شده، در روز کفاره انجام می‌شد. این دو بز نمایانگر دو کاری بود که خدا به‌هنگام آرمزیدن گناه قوم اسرائیل انجام می‌داد: (۱) از طریق بز اول که قربانی می‌شد، گناهشان را می‌بخشید، و (۲) از طریق بز دوم که روانه بیابان می‌شد و حکم سیر بلا را داشت، گناهشان را می‌زدود. این کار نمادی بود از اینکه چطور خدا گناهان قوم را می‌زداید. این مراسم می‌بایست همه‌ساله تکرار می‌شد. اما مرگ عیسی مسیح یک بار و برای همیشه جایگزین این نظام گردید. اگر به مسیح که «سیر بلا» همیشه ما است اعتماد و توکل کنیم، هر گاه مرتکب گناه شویم، ما را می‌بخشد و بار گناه را از دشمنان بر می‌دارد (عبرانیان ۱:۱۰-۴).

برود و برای آن کفاره کند. او باید خون گوساله و خون بز را بر شاخهای قربانگاه بمالد^{۱۹} و با انگشت خود هفت بار خون را بر قربانگاه پاشد، و به این ترتیب آن را از آلودگی گناهان بنی اسرائیل پاک نمود، تقدیس کند.

۱۹:۱۶
لاو ۶:۴، ۱۴:۱۶

^{۲۰}وقتی هارون مراسم کفاره را برای قدس الاقداس، خیمه عبادت و قربانگاه به انجام رسانید، بز زنده را بیاورد و ^{۲۱}هر دو دست خود را روی سر حیوان قرار داده، تمام گناهان و تقصیرات قوم اسرائیل را اعتراف کند و آنها را بر سر بز قرار دهد. سپس بز را به دست مردی که برای این کار تعیین شده است بدهد تا آن را به بیابان برده در آنجا رهایش سازد. ^{۲۲}بدین ترتیب آن بز تمام گناهان بنی اسرائیل را به سرزمینی که کسی در آنجا سکونت ندارد می برد.

۲۱:۱۶
لاو ۵:۵
اعد ۷:۵

۲۲:۱۶
اش ۷:۴، ۵۳

^{۲۳}پس از آن، هارون بار دیگر باید داخل عبادتگاه شده لباس های کتانی را که هنگام رفتن به قدس الاقداس پوشیده بود از تن بیرون بیاورد و آنها را در عبادتگاه بگذارد. ^{۲۴}آنوقت در مکان مقدسی غسل نموده، دو باره لباس هایش را بپوشد و بیرون رفته، قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی بنی اسرائیل را تقدیم کند و به این وسیله برای خود و بنی اسرائیل کفاره کند. ^{۲۵}او باید پیه قربانی گناه را هم بر قربانگاه بسوزاند.

۲۳:۱۶
خرو ۴۳، ۳۹:۲۸
لاو ۴:۱۶

۲۴:۱۶
خرو ۹:۳، ۲۹

^{۲۶}مردی که بز را به بیابان برده است، باید لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد. ^{۲۷}گوساله و بزی که بعنوان قربانی گناه ذبح شدند و هارون خون آنها را به داخل قدس الاقداس برد تا کفاره کند، باید از اردوگاه بیرون برده شوند و پوست و گوشت و سرگین آنها سوزانده شود. ^{۲۸}سپس شخصی که آنها را سوزانده، لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد.

۲۶:۱۶
اعد ۷:۱۹

۲۷:۱۶
لاو ۱۲:۱۱، ۱۴، ۱۷:۸

۲۸:۱۶
لاو ۲۶:۱۶

^{۲۹}این قوانین را همیشه باید اجرا کنید: در روز دهم ماه هفتم نباید کار بکنید، بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم بوسیله قوم اسرائیل و هم بوسیله غریبانی که در میان قوم اسرائیل ساکن هستند رعایت گردد، ^{۳۰}چون در آن روز، مراسم کفاره برای آمرزش گناهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشند. ^{۳۱}این روز برای شما مقدس است و نباید در این روز کار کنید بلکه باید در روزه بسر برید. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید. ^{۳۲}این مراسم در نسلهای آینده بوسیله کاهن اعظمی که بجای جد خود هارون برای کار کاهنی تقدیس شده، انجام خواهد شد. او باید لباس های مقدس کتانی را بپوشد، ^{۳۳}و برای قدس الاقداس، عبادتگاه، قربانگاه، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره کند. ^{۳۴}شما باید سالی یک مرتبه برای گناهان قوم اسرائیل کفاره کنید و این برای شما یک قانون همیشگی است.

۲۹:۱۶
لاو ۲۳، ۲۶:۲۳-۳۲
اعد ۷:۲۷
مز ۷:۵۱

۳۱:۱۶
خرو ۱۶:۱۲، ۱۰:۲۰
لاو ۲۳:۲۳

۳۲:۱۶
عز ۲۱:۸

۳۳:۱۶
خرو ۴۳، ۳۹:۲۸

۳۴:۱۶
خرو ۱۰:۳۰
لاو ۲۳، ۲۱، ۱۴، ۲۱، ۳۰:۳۱
عبر ۷:۹

هارون تمام دستوراتی را که خداوند به موسی داد بجا آورد.

هشدار در مورد قربانی‌های ناشایست

خداوند دستورات زیر را برای هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل به موسی داد: ^{۳۰} «هر اسرائیلی که گاو یا گوسفند یا بز را در جایی دیگر غیر از خیمهٔ عبادت برای خداوند ذبح کند، خون ریخته و مجرم است و باید از میان قوم خود طرد شود. ^{۳۱} هدف از این قانون این است که قوم اسرائیل دیگر در صحرا قربانی نکنند. قوم باید قربانی‌های خود را دم در خیمهٔ عبادت پیش کاهن بیاورند و آنها را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کنند. ^{۳۲} سپس کاهن خون آنها را بر قربانگاه خداوند که دم در خیمهٔ عبادت است بپاشد و پیه آنها را همچون عطر خوشبویی که مورد پسند خداوند است

۱۷

۴:۳:۱۷

لاو ۳:۲:۱

تث ۷:۵:۱۲

۵:۱۷

تث ۷:۴:۱۲

۶:۱۷

خرو ۱۸:۲۹

نظام جدید قربانی	نظام قدیم قربانی	نظام قدیم و جدید قربانی
دائمی است (عبرانیان ۷:۲۰)	موقتی بود (عبرانیان ۷:۲۱)	
عیسی، تنها کاهن اعظم (عبرانیان ۴:۱۴)	هارون، اولین کاهن اعظم (لاویان ۱۶:۳۲)	
از قبیله یهودا (عبرانیان ۷:۱۴)	از قبیله لاوی (عبرانیان ۷:۱۶)	
در آسمان خدمت می‌کند (عبرانیان ۸:۱۲)	بر روی زمین اجرا می‌شد (عبرانیان ۸:۵)	
در این نظام، خون مسیح باعث آمرزش گناهان است (عبرانیان ۱۰:۵)	در آن از خون حیوانات استفاده می‌شد (لاویان ۱۶:۱۵)	
تنها یک قربانی کافی است (عبرانیان ۹:۲۸)	مستلزم قربانی‌های زیادی بود (لاویان ۲۲:۱۹)	
قربانی باید زندگی کامل و بی‌عیب و نقصی داشته باشد (عبرانیان ۹:۵)	به حیواناتی پاک و بی‌عیب نیاز بود (لاویان ۲۲:۱۹)	
در این نظام تشویق می‌شویم بی‌هیچ واهمه به حضور تخت پادشاهی خدا بیاییم (عبرانیان ۴:۱۶)	مستلزم آن بود که فرد کاهن با آمادگی قلبی و رعایت تمام جوانب امر وارد خیمه عبادت شود (لاویان ۱۶:۳)	
نظام قدیم را باطل می‌کند (عبرانیان ۱۰:۹)	پیشاپیش تصویری بود از نظام جدید (عبرانیان ۱۰:۱)	

این کار به شدت به خدا بی‌احترامی می‌کردند، بلکه باعث می‌شد بخواهند به فراخور سبک زندگی‌شان چیزهایی بر احکام خدا بیفزایند یا از آن بکاهند. از آنجا که در بسیاری از ادیان بت پرستی، هر کاهنی اجازه داشت به اختیار خودش قوانینی وضع کند، این حکم خدا باعث می‌شد قوم اسرائیل در برابر وسوسه پیروی از الگوی بت پرستان مقاومت کنند. جالب اینجاست که هر وقت قوم به بت پرستی کشیده می‌شدند، به این خاطر بود که «هر کس هر کاری دلش می‌خواست انجام می‌داد» (داوران ۱۷:۶).

۱:۱۷ اغلب اوقات، فصل‌های ۱۷ تا ۲۶ کتاب لاویان را اصول تقدس می‌خوانند، زیرا موضوع اصلی در این فصل‌ها، تشریح زندگی مقدس می‌باشد. مهم‌ترین آیه این قسمت، لاویان ۱:۱۹ است که می‌گوید: «مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما، مقدس هستم».

۹:۳:۱۷ چرا قوم اسرائیل اجازه نداشتند خارج از خیمه عبادت برای خدا قربانی بگذرانند؟ خدا برای قربانی وقت و مکان خاصی تعیین کرده بود، و هر یک از مناسبت‌های قربانی پر بود از رمز و راز و معانی نمادین. اگر قوم به دلخواه خودشان قربانی می‌گذراندند، نه تنها با

بسوزاند.^۷ قوم اسرائیل دیگر نباید در صحرا برای ارواح شریر قربانی کنند و به خداوند خیانت ورزند. این برای شما قانونی است همیشگی که باید نسل اندر نسل بجا آورده شود.

^۸هر گاه یک اسرائیلی یا غریبی که در میان قوم ساکن است در جایی غیر از دم در خیمه عبادت برای خداوند قربانی کند، باید از میان قوم طرد شود.

^۹هر کس خون بخورد، چه اسرائیلی باشد، چه غریبی که در میان شما ساکن است، روی خود را از او برگردانده او را از میان قوم طرد خواهیم کرد،^{۱۱} زیرا جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانهای خود، آن را بر روی قربانگاه بپاشید. خون است که برای جان کفاره می‌کند.^{۱۲} به همین دلیل است که به قوم اسرائیل حکم می‌کنم که نه خودشان خون بخورند و نه غریبی که در میان ایشان ساکن است.^{۱۳} هر کس به شکار برود، خواه اسرائیلی باشد خواه غریبی که در میان شماست و حیوان یا پرندۀ حلال گوشتی را شکار کند، باید خونسش را بریزد و روی آن را با خاک بپوشاند،^{۱۴} زیرا جان هر موجودی در خون اوست. به همین دلیل است که به قوم اسرائیل گفتم که هرگز خون نخورند، زیرا حیات هر موجود زنده‌ای در خون آن است. پس هر کس خون بخورد باید از میان قوم اسرائیل طرد شود.

^{۱۵}هر اسرائیلی یا غریبی که گوشت حیوان مرده یا دریده شده‌ای را بخورد، باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او بعد از غروب شرعاً طاهر خواهد بود.^{۱۶} اولی اگر لباس‌هایش را نشوید و غسل نکنند مجرم خواهد بود.

۷:۱۷

خرو ۲۰:۲۲ ؛ ۸:۳۲

تث ۱۷:۳۲

۱ تو ۱۱:۱۵

اقرن ۱۰:۲۰

۹:۱۷

لاو ۴:۳۰ ؛ ۱۷:۳۳

تث ۱۷:۳۳ ؛ ۲۰:۱۲

۱۰:۱۷

لاو ۱۷:۳۳ ؛ ۲۶:۱۹

تث ۱۲:۳۳

۱۱:۱۷

پیدا ۴:۹

لاو ۱۴:۱۷

متی ۲۸:۲۶

روم ۲۵:۳

افس ۷:۱

کول ۱:۴ ؛ ۲۰:۱۴

عبر ۲۲:۹

۱ پط ۲:۱

یو ۷:۱

۱۳:۱۷

تث ۱۲:۱۲ ؛ ۲۵:۲۴ ؛ ۳۳:۱۵

حز ۷:۲۴

۱۴:۱۷

لاو ۷:۲۶ ؛ ۲۷:۱۷ ؛ ۱۱:

۱۵:۱۷

لاو ۷:۲۴ ؛ ۱۱:۲۴ ؛ ۳۹:

اعد ۱۹:۸

بت پرستی اقوام مجاور فرق می‌داشت؛ (۲) خون نماد زندگی حیوانی بود که به جای شخص گناهکار قربانی می‌شد. آشامیدن خون، مفهوم نمادین خون را که نماد قربانی گناه بود تغییر می‌داد (زیرا خون به جای آنکه ریخته شود، وارد بدن می‌شد)؛ (۳) اگر کسی می‌خواست رابطه‌اش را با خدا تجدید کند، ریختن خون بهایی بود که می‌بایست می‌پرداخت. این کار ثابت می‌کرد که جانی دیگر به عوض جان فرد گناهکار فدا شده است. نوشیدن خون این مدرک قربانی را از بین می‌برد.

به این دلیل است که مردم وقتی در عهدجدید عیسی به ایشان فرمود: «خون مرا بنوشید» (یوحنا ۶:۵۴-۵۵)، تا بدین حد بر آشفتند. البته منظور او این نبود که به راستی خون او را بنوشند. بلکه عیسی به عنوان خود خدا و آخرین قربانی لازم برای گناهان، از ایمانداران می‌خواست خود را کاملاً با او تداعی کنند و یک ببینند. او از ما نیز می‌خواهد که حیات او را بر خود بگیریم و نیز بگذاریم در حیات ما سهیم شود.

۱۷:۱۱-۱۴ خون چطور گناه را کفاره می‌کند؟ قربانی و خونی که از آن می‌ریخت، چنانچه با حالتی درست تقدیم خدا می‌شد، بخشایش گناهان را ممکن می‌ساخت. خون از یک طرف نمودی بود از زندگی شخص گناهکار که در نتیجه گناه آلوده گشته و رو به فنا است. و اما از طرف دیگر، این خون نمایانگر زندگی حیوان بی گناهی بود که به جای شخص گناهکار فدا می‌شد. مرگ حیوان (که خون گواه آن بود) گناه را کفاره می‌کرد و از این رو خدا فرد گناهکار را می‌بخشید.

۱۴:۱۷ چرا خوردن یا آشامیدن خون ممنوع بود؟ این ممنوعیت به زمان نوح باز می‌گردد (پیدایش ۹:۴). خوردن خون جزو مراسم معمول بت پرستان بود و اغلب به این امید انجام می‌شد که خصائص ممدوح حیوان ذبح شده (نظیر قدرت، سرعت، و غیره) به فردی که خون را می‌نوشد انتقال یابد. خدا به چند دلیل خوردن یا آشامیدن خون را منع کرد: (۱) آداب و رسوم قوم اسرائیل می‌بایست با مناسک

ب- مقدس زندگی کردن (۱:۱۸ - ۳۴:۲۷)

خدا پس از آنکه نظام قربانی را برای بخشش گناهان مقرر داشت، به مردم آموخت چطور به شایستگی قومی آموزش یافته زندگی کنند. ما نیز اگر این معیارها را در زندگی خود به کار ببندیم، در اطاعت رشد خواهیم کرد و زندگی خدا پسندانه‌ای خواهیم داشت.

۱- معیار زندگی قوم انحرافات جنسی منع گردیده است

سپس خداوند به موسی فرمود که به قوم اسرائیل بگوید:

«من خداوند، خدای شما هستم. ^۳پس مانند بت پرستان رفتار نکنید یعنی مثل مصریانی که در کشورشان زندگی می‌کردید و یا مانند کنعانیهایی که می‌خواهم شما را به سرزمینشان ببرم. ^۴و باید فقط از دستورات و قوانین من اطاعت کنید و آنها را بجا آورید، چون من خداوند، خدای شما هستم. اگر قوانین مرا اطاعت کنید، زنده خواهید ماند.

«هیچ یک از شما نباید با محارم خود همبستر شود. ^۷با مادر خود همبستر نشو، زیرا با این کار به او و به پدرت بی‌احترامی می‌کنی. ^۸با هیچ یک از زنان پدرت همبستر نشو، چون با این کار به پدرت بی‌احترامی می‌کنی. ^۹همچنین

۱۸

۱:۱۸

خرو ۲:۲۰

۴:۱۸

لاو ۳۷:۱۹؛ ۲۲:۲۰

تث ۱:۴؛ ۱:۶

حز ۱۱:۲۰

۷:۱۸

لاو ۱۱:۲۰

۸:۱۸

پیدا ۲۲:۳۵

لاو ۱۰:۲۰

تث ۲۰:۲۷

۹:۱۸

لاو ۱۷:۲۰

آسیب‌پذیر باشند و به انواع و اقسام بیماریها دچار شوند. اگر خدا این قوانین دقیق را وضع نمی‌کرد، بی‌بندوباری جنسی رواج بیشتری می‌یافت، اول در بین اعضای خانواده، و بعد در کل افراد جامعه. روابط جنسی نامشروع همواره به نابودی نظام خانواده منجر می‌شود.

۲۷:۱۸-۲۷:۱۸ در اینجا از چند عمل شنیع و شریرانه نام برده می‌شود: (۱) ازدواج با محارم، (۲) همبستر شدن با زن کسی دیگر، (۳) سوزاندن اطفال، (۴) همجنس‌بازی، (۵) و نزدیکی با حیوانات. این اعمال در ادیان بت‌پرستی آن زمان کاملاً معمول بود. به همین جهت به‌راحتی می‌توان فهمید که چرا خدا با کسانی که به اینگونه اعمال بت‌پرستان روی می‌آوردند، با چنین شدتی برخورد می‌کند. این گونه اعمال نه تنها منشاء انواع بیماریها است، بلکه از آن مهم‌تر، حیات خانواده و اجتماع را نیز سخت به مخاطره می‌افکند. فرد با ارتکاب این اعمال شنیع نشان می‌داد که برای خود و دیگران هیچ ارزشی قائل نیست.

جامعه امروز بعضی از این اعمال را بسیار سرسری می‌گیرد و حتی می‌کوشد آنها را مجاز جلوه دهد. اما چنین کارهایی از دید خدا گناه است. و اگر این گونه اعمال از نظر شما مجاز و قابل قبولند، قضاوتتان با معیارهای خدا مطابقت ندارد.

۳:۱۸ قوم اسرائیل از سرزمینی که بت‌پرستی در آن بیداد می‌کرد، رهسپار سرزمین بت‌پرست دیگری بودند. خدا آنگاه که کمکشان کرد تا از خود فرهنگی نو داشته باشند، به آنها هشدار داد که از تمام اعمال و مظاهر بت‌پرستی زندگی گذشته دست بکشند. نیز هشدار داد که به‌راحتی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ بت‌پرستی کنعان واقع شوند- سرزمینی که عازم آن بودند. جامعه و ادیان رایج در کنعان در بند تمایلات نفسانی، به ویژه بی‌بند و باری جنسی و مستی و می‌گساری بود. بر قوم اسرائیل بود که خود را پاک نگاه دارند و تنها وقفِ خدا باشند. خدا از قومش خواست جذب فرهنگ و محیط پیرامون خود نشوند. ما نیز ممکن است از سوی جامعه تحت فشار باشیم تا خود را با شیوه زندگی و طرز فکر رایج وفق دهیم، اما باید بدانیم که تن در دادن به این فشارها باعث خواهد شد (۱) ندانیم به کدام طرف تعلق داریم و دچار سردرگمی شویم، و (۲) تأثیر و کارآیی مان از بین برود. بنابراین از خدا پیروی کنید و نگذارید فرهنگ دنیای اطراف، طرز فکر و اعتقاداتان را شکل دهد.

۱۸:۱۸-۱۸:۱۸ خدا ازدواج با محارم را به دلایل فیزیکی، اجتماعی، و اخلاقی، منع کرد. فرزندان که ثمره این نوع وصلت‌ها هستند، ممکن است از نظر جسمانی بیشتر

با خواهر تنی یا با خواهر ناتنی خود، چه دختر پدرت باشد چه دختر مادرت، چه در همان خانه دنیا آمده باشد چه در جای دیگر، همبستر نشو.

۱۰ «با دختر پسر یا دختر دخترت همبستر نشو، چون با این کار خود را رسوا می کنی. ۱۱ با دختر زن پدرت همبستر نشو، چون او خواهر ناتنی توست.

۱۲ با عمه خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک پدرت می باشد. ۱۳ با خاله خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک مادرت است. ۱۴ با زن عمومی خود همبستر نشو، چون او مثل عمه توست.

۱۵ «با عروس خود همبستر نشو، چون زن پسر توست. ۱۶ با زن برادرت همبستر نشو، چون با این کار به برادرت بی احترامی می کنی. ۱۷ با یک زن و دختر او یا نوه اش همبستر نشو، چون آنها بستگان نزدیک همدیگرند و این عمل قبیحی است. ۱۸ مادامی که زنت زنده است نباید خواهر او را هم به زنی بگیری و با او همبستر شوی.

۱۹ «با زنی به هنگام عادت ماهانه اش همبستر نشو. ۲۰ با زنی که همسر مرد دیگری است همبستر نشو و خود را بوسیله او نجس نساز.

۲۱ «هیچ یک از فرزندان خود را به بت مولک هدیه نکن و آنها را بر قربانگاه آن نسوزان زیرا با این کار نام خداوند، خدای خود را بی حرمت خواهی کرد.

۲۲ «هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند، چون این عمل، بسیار قبیح است. ۲۳ هیچ مرد یا زنی نباید با حیوان نزدیکی کند و با این کار خود را نجس سازد. این عمل، بسیار قبیح است.

۲۴ «با این کارها خود را نجس نسازید، چون این اعمالی است که بت پرست ها انجام می دهند و بخاطر این کارهاست که می خواهم آنان را از سرزمینی که شما داخل آن می شوید بیرون کنم. ۲۵ تمامی آن سرزمین با این نوع اعمال، نجس شده است. به همین دلیل است که می خواهم مردمانی را که در آنجا ساکنند مجازات کنم و ایشان را از آنجا بیرون اندازم. ۲۶ شما باید از تمام قوانین و دستورات من اطاعت کنید و هیچ یک از این اعمال قبیح را انجام ندهید. این قوانین هم شامل شما می شود و هم شامل غریبانی که در میان شما ساکنند.

۲۷ «آری، تمامی این اعمال قبیح بوسیله مردمان سرزمینی که می خواهم شما را به آنجا ببرم بعمل آمده و آن سرزمین را نجس کرده است. ۲۸ شما این اعمال را انجام ندهید و گرنه شما را نیز مثل اقوامی که اکنون در آنجا ساکنند از آن سرزمین بیرون خواهم راند. ۲۹ هر کس مرتکب یکی از این اعمال قبیح گردد، از میان قوم طرد خواهد شد. پس قوانین مرا اطاعت کنید و هیچ یک

۱۲:۱۸

لاو ۱۹:۲۰

۱۴:۱۸

لاو ۲۰:۲۰

۱۵:۱۸

لاو ۱۵:۲۰

حز ۱۱:۲۲

۱۶:۱۸

لاو ۲۱:۲۰

تث ۵:۲۵

متی ۲۴:۲۲

۱۷:۱۸

لاو ۱۴:۲۰

۱۹:۱۸

لاو ۲۴:۱۵ ؛ ۱۸:۲۰

حز ۶:۱۸ ؛ ۱۰:۲۲

۲۰:۱۸

خرو ۱۴:۲۰

تث ۱۸:۵ ؛ ۲۷-۲۲:۲۲

۲۱:۱۸

لاو ۱۲:۱۹ ؛ ۵۱:۲۰

۶:۲۱

تث ۳۱:۱۲

۱۰:۲۳ ؛ ۱۲:۱

ملا ۱۲:۱

۲۲:۱۸

پیدا ۸۴:۱۹

لاو ۱۳:۲۰

داور ۲۴-۲۲:۱۹

روم ۲۷:۲۶ ؛ ۱۰:۱

اتیمو ۱۰:۱

۲۳:۱۸

خرو ۱۹:۲۲

لاو ۱۶:۱۵ ؛ ۲۰

تث ۲۱:۲۷

۲۴:۱۸

تث ۳۱:۱۲

۲۵:۱۸

لاو ۲۳:۲۲ ؛ ۲۰

تث ۵:۹

از این عادات زشت را انجام ندهید. خود را با این اعمال قبیح نجس نکنید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.»

احکام خدا در مورد زندگی روزمره مردم

خداوند همچنین به موسی فرمود که به بنی اسرائیل بگوید: «مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما مقدس هستم. ^۳ به مادر و پدر خود

احترام بگذارید و قانون روز سبت مرا اطاعت کنید، چون من خداوند، خدای شما هستم. ^۴ بت نسازید و بتها را پرستش نکنید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

^۵ «وقتی که قربانی سلامتی به حضور من تقدیم می کنید آن را طوری هدیه کنید که مورد قبول من باشد. ^۶ گوشتش را در همان روزی که آن را ذبح می کنید و یا روز بعد بخورید. هر چه را که تا روز سوم باقی مانده، بسوزانید،

^۷ زیرا شرعاً نجس است و اگر کسی آن را بخورد من آن قربانی را قبول نخواهم کرد. ^۸ اگر در روز سوم از آن بخورید مقصرید، چون به قدوسیت

خداوند بی احترامی کرده‌اید و باید از میان قوم طرد شوید.

^۹ «وقتی که محصول خود را درو می کنید، گوشه و کنار مزرعه‌های خود را درو نکنید و خوشه‌های گندم به جا مانده را برنچینید. ^{۱۰} در مورد حاصل انگور

خود نیز همینطور عمل کنید خوشه‌ها و دانه‌های انگوری را که بر زمین می افتد، جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبان بگذارید، چون من خداوند،

خدای شما هستم.

^{۱۱} «دزدی نکنید، دروغ نگوئید و کسی را فریب ندهید. ^{۱۲} به نام من قسم دروغ نخورید و به این طریق نام مرا بی حرمت نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما

هستم.

^{۱۳} «مال کسی را غصب نکنید و به کسی ظلم ننمایید و مزد کارگران خود را به موقع بپردازید.

^{۱۴} «شخص کر را نفرین نکنید و پیش پای کور سنگ نیاندازید. از من بترسید، زیرا من خداوند شما هستم.

۱۰،۹:۱۹ خدا به عبرانی‌ها دستور داد احتیاجات نیازمندان را تأمین کنند. او قوم را موظف ساخت محصول حاشیه‌های مزارع خود را درو نکنند تا خوراکی باشد برای فقرا و رهگذران. به راحتی ممکن است از فقرا و آنانی که دارای‌شان کمتر از ما است غافل شویم. اما خدا می خواهد بزرگواری و سخاوتمند باشیم. از چه راههایی می‌توانید از «درو کردن حاشیه‌های مزارع خود» به نفع نیازمندان صرف نظر کنید؟

۱۰،۹:۱۹ این قانون به منظور حمایت از فقرا و برای یادآوری این واقعیت وضع شد که خدا مالک حقیقی زمین است؛ مردم فقط ناظر و مباشر اموال خود بودند. قوانینی از این دست، سخاوتمندی و بزرگ‌منشی ذاتی شخصیت خدا را می‌رساند. بر بنی اسرائیل بود که به عنوان قوم خدا، ذات خدا و ویژگیهای او را در اعمال و رفتارشان منعکس سازند. روت و نعومی هر دو از این قانون بزرگ‌منشانه خدا سود جستند (روت ۲:۲).

۱:۱۹

خرو ۱۱:۸:۲۰

لاو ۴:۱۱:۴۵

۱۹

۳:۱۹

خرو ۲۳:۵۳:۲۰

لاو ۱:۲۶

تث ۱۵:۲۷

۵:۱۹

لاو ۱۷:۱۳:۴

۳۸:۲۸، ۲۱-۱۱:۷

۸:۱۹

اعد ۳۱:۱۵

۹:۱۹

لاو ۲۲:۲۳

تث ۲۲-۱۹:۲۴

۱۱:۱۹

خرو ۱۶:۱۵:۲۰

تث ۲۰:۱۹:۵

۱۳:۱۹

خرو ۲۷-۲۱، ۱۵:۷-۲۲

۹:۴:۲۳

تث ۱۵:۱۴:۲۴

امت ۲۲:۲۲

ملا ۵:۳

۱۴:۱۹

تث ۱۸:۲۷

۱۵ «هنگام قضاوت، از فقیر طرفداری بیجا نکنید و از ثروتمند ترسی نداشته باشید، بلکه همیشه قضاوتتان منصفانه باشد.

۱۶ «سخن چینی نکنید و با پخش خبر دروغ باعث نشوید کسی به مرگ محکوم شود.

۱۷ «از کسی کینه به دل نگیرید، بلکه اختلاف خود را با او حل کنید مبادا بخاطر او مرتکب گناه شوید. ^{۱۸} از همسایه خود انتقام نگیرید و از وی نفرت نداشته باشید بلکه او را چون جان خویش دوست بدارید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

۱۹ «از قوانین من اطاعت کنید. حیوانات اهلی خود را به جفت گیری با حیوانات غیر همجنسشان وامدارید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید.

۲۰ «اگر مردی با کنیزی که نامزد شخص دیگری است همبستر شود و آن کنیز هنوز بازخرید و آزاد نشده باشد، ایشان را نباید کشت بلکه باید تنبیه کرد، چون کنیز آزاد نبوده است. ^{۲۱} مردی که آن دختر را فریب داده، باید بعنوان قربانی جبران خود قوچی را دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد. ^{۲۲} کاهن باید با این قوچ برای گناه آن مرد نزد خداوند کفاره کند و به این ترتیب گناهش بخشیده خواهد شد.

۲۳ «وقتی که داخل سرزمین موعود شدید و انواع درختان میوه در آنجا کاشتید، سه سال از محصول آن نخورید، چون شرعاً نجس به حساب می آید. ^{۲۴} تمامی محصول سال چهارم را وقف من کنید و برای تمجید و تشکر از من به من هدیه کنید، ^{۲۵} زیرا من خداوند، خدای شما هستم. در سال پنجم می توانید محصول را برای خود بردارید. اگر این قانون را رعایت کنید، درختان شما پرثمر خواهند بود.

۲۶ «گوشتی را که هنوز خون در آن است نخورید. فالگیری و جادوگری نکنید. ^{۲۷} مثل بت پرستها موهای ناحیه شقیقه خود را تراشید و گوشه های ریش خود را نچینید. ^{۲۸} هنگام عزاداری برای مردگان خود مثل بت پرستان بدن خود را زخمی نکنید و مانند آنها روی بدن خود خالکوبی ننمایید.

۲۹ «حرمت ناموس دخترتان را با وادار کردن او به فاحشگی از بین نبرید مبادا سرزمین شما از شرارت و زنا پر شود.

۱۵:۱۹

خرو ۶:۳۰، ۲۳

تث ۱۷:۱، ۱۶:۱۹، ۲۰

امت ۲۳:۲۴

یوش ۷:۱، ۲

۱۶:۱۹

خرو ۷:۱، ۲۳

امت ۱۹:۲۰

جز ۹:۲۲

متی ۶۱:۵۰، ۲۶

اعما ۱۴:۱۱، ۶

۱۷:۱۹

امت ۸:۷، ۹:۸، ۲۷:۶

متی ۱۸:۱۷، ۱۷

ایو ۱۵:۳

۱۸:۱۹

خرو ۵:۴، ۲۳

تث ۳۵:۳۲

مز ۹:۱، ۳

متی ۱۹:۱۹، ۴۳:۵

مر ۲۳:۳۱، ۱۲

لو ۳۷:۲۷، ۱۰

روم ۲۱:۱۷، ۱۲

غلا ۱۴:۵

عبر ۳۰:۱۰

۱۹:۱۹

تث ۱۱:۹، ۲۲

۲۰:۱۹

خرو ۲۱:۲۰، ۲۱

۲۱:۱۹

لاو ۱۹:۱۴، ۵

۲۶:۱۹

خرو ۱۸:۲۲

۲۷:۱۹

جز ۲۰:۴۴

۲۸:۱۹

تث ۱:۱۴

ار ۶:۱۶، ۴۸:۳۷

۲۹:۱۹

لاو ۹:۲۱

تث ۱۸:۱۷، ۲۳

هو ۱۳:۴

را به طرزی زیبا خلاصه کرد. او این فرمان را بزرگترین حکم خدا خواند (متی ۲۲:۳۴-۴۰). اگر ما به این فرموده ساده عیسی عمل کنیم، خواهیم دید که با این کار به دیگر فرامین خدا نیز عمل کرده ایم.

۱۸:۱۹ بعضی ها فکر می کنند کتاب مقدس صرفاً کتابی است درباره بایدها و نبایدها، اما عیسی آنگاه که فرمود خدا را با تمام قلب خود محبت کنیم و همسایه خود را مثل نفس خودمان دوست داشته باشیم، تمامی این قوانین

۳۰ «قوانین روز سبت را نگاه‌دارید و عبادتگاه مرا احترام نمایید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

۳۱ «به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل نشوید و با این کار خود را نجس نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

۳۲ «جلو پای ریش سفیدان بلند شوید، به پیرمردان احترام بگذارید و از من بترسید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم. ۳۳ با غریبانی که در سرزمین تو زندگی می‌کنند بدرفتاری مکن. ۳۴ با ایشان مانند سایر اهالی سرزمینت رفتار کن، زیرا نباید از یاد ببری که تو نیز خودت در سرزمین مصر غریب و بیگانه بودی. من خداوند، خدای تو هستم.

۳۵ و ۳۶ «در داوری طرفداری مکن! در اندازه‌گیری طول و وزن و حجم، از مقیاسها و وسایل صحیح استفاده کن. زیرا من خداوند، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم. ۳۷ از احکام و فرایض من بدقت اطاعت و پیروی کن، زیرا من یهوه هستم.»

۳۰:۱۹
خرو ۱۱:۸:۲۰
لاو ۲:۲۶

۳۱:۱۹
لاو ۲۶:۱۹

۳۲:۱۹
اتیمو ۲:۵

۳۴:۱۹
لاو ۱۸:۱۹

۳۵:۱۹
تث ۱۶:۱۳:۲۵
امت ۱:۱۱؛ ۱۱:۱۶؛
۱۰:۲۰
عا ۵:۸
میکا ۱۱:۶

مجازات گناه

۲۰ خداوند همچنین این دستورات را برای قوم اسرائیل داد: هر کس، چه اسرائیلی باشد چه غریبی که در میان شما ساکن است، اگر بچه خود را برای بت مولک قربانی کند، قوم اسرائیل باید او را سنگسار کنند. ۳ من خود بر ضد او برمی‌خیزم و او را از میان قوم اسرائیل طرد کرده به سزای اعمالش خواهم رساند، زیرا فرزند خود را برای مولک قربانی کرده و بدین وسیله عبادتگاه مرا نجس نموده و نام مقدس مرا بی‌حرمت ساخته است. ۴ اگر اهالی محل وانمود کنند که از کاری که آن مرد کرده، بی‌خبرند و نخواهند

۲:۲۰
لاو ۲۱:۱۸؛ ۲۴:۱۴؛ ۲۴:۱۶
تث ۱۰:۱۳؛ ۱۷:۵

۳:۲۰
لاو ۲۱:۱۸
اعد ۲۰:۱۹
حز ۱۱:۵؛ ۲۳:۳۸؛ ۳۹

غریبیم، چون دنیا خانه موقتی ما است. بنابراین ملاقات با افراد غریبه، تازه وارد، و بیگانه را فرصتی بدانید برای نشان دادن محبت خدا.

۲۰:۱-۳۱-۳۲ قربانی کردن کودکان برای خدایان، عملی رایج در ادیان باستان بود. عمونی‌ها که در همسایگی قوم اسرائیل زندگی می‌کردند، برای خدای ملی خود، یعنی مولک، اطفال را قربانی می‌کردند و این کار جزو فرائض دینی‌شان بود. این کار را بهترین هدیه‌ای می‌دانستند که می‌توانست موجب رفع بلا یا فرو نشستن خشم خدایان شود. اما خدا صریحاً اعلام کرد که این عمل، زشت و نفرت‌انگیز است و اکیداً ممنوع می‌باشد، زیرا (۱) قتل است و از این رو بر خلاف شریعت خدا، (۲) نابودی رقت‌انگیز زندگی یک انسان است، و (۳) به آیین پرستش بتها مربوط می‌شود.

۱۹:۳۲ بعضی اوقات خیلی ساده عقاید ریش‌سفیدان را مردود می‌شماریم و برای دیدار از آنان وقت پیدا نمی‌کنیم. اما این واقعیت که خدا به قوم اسرائیل دستور داد جلو پای ریش‌سفیدان به پا خیزند و به آنها احترام بگذارند، نشان‌دهنده آن است که این مسؤولیت را باید به‌راستی جدی بگیریم.

۱۹:۳۳، ۳۴ به‌هنگام مواجه شدن با غریبه‌ها، به‌خصوص کسانی که به زبان شما سخن نمی‌گویند، چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ آیا حوصله تحمل کردنشان را ندارید؟ آیا طرز فکر و حرکاتشان به گونه‌ای است که گویی به زبان بی‌زبانی به آنها می‌گویید چرا به سرزمین خودشان بر نمی‌گردند؟ آیا وسوسه می‌شوید از آنان سوء استفاده کنید و فریشتان دهید؟ خدا از ما می‌خواهد با غریبه‌ها چنان رفتار کنیم که گویی هموطن مایند، و آنان را مثل خودمان دوست بداریم. در واقع ما همه در این دنیا

<p>۵:۲۰ لاو ۱۰:۱۷</p> <p>۶:۲۰ لاو ۳۱:۲۶:۱۹</p> <p>۷:۲۰ لاو ۴۴:۱۱</p> <p>۹:۲۰ خرو ۱۷:۲۱</p> <p>تث ۱۶:۲۷ متی ۴:۱۵</p> <p>۱۰:۲۰ خرو ۱۴:۲۰ تث ۲۴-۲۲:۲۲</p> <p>۱۱:۲۰ لاو ۸۷:۱۸ تث ۲۰:۲۷</p> <p>۱۲:۲۰ لاو ۱۵:۱۸</p> <p>۱۳:۲۰ پیدا ۵:۱۹ لاو ۲۲:۱۸ تث ۱۷:۲۳ داو ۲۲:۱۹</p> <p>۱۴:۲۰ لاو ۱۷:۱۸ تث ۲۳:۲۷</p>	<p>او را بکشند،^۵ آنگاه من بر ضد او و خانواده‌اش برمی‌خیزم و او را با تمامی اشخاص دیگری که از مولک پیروی نموده، به من خیانت ورزیده‌اند طرد می‌کنم و به سزای اعمالشان می‌رسانم.</p> <p>^۶ اگر کسی به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل شده، با این عمل به من خیانت ورزد من بر ضد او بر می‌خیزم و او را از میان قوم خود طرد کرده، به سزای اعمالش می‌رسانم.^۷ پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من خداوند، خدای شما هستم.^۸ از فرامین من که خداوند هستم و شما را تقدیس می‌کنم، اطاعت کنید.</p> <p>^۹ کسی که پدر یا مادرش را نفرین کند، باید کشته شود؛ و خونش بر گردن خودش خواهد بود.</p> <p>^{۱۰} اگر فردی با همسر شخص دیگری زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند.^{۱۱} اگر مردی با زن پدر خود همبستر شود به پدر خود بی‌احترامی کرده است، پس آن مرد و زن باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.^{۱۲} اگر مردی با عروس خود همبستر شود، هر دو باید کشته بشوند، زیرا زنا کرده‌اند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.^{۱۳} اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند، عمل قبیحی انجام داده‌اند و باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.^{۱۴} اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند،</p>
---	--

۶:۲۰ همه ما دوست داریم بدانیم در آینده چه اتفاق می‌افتد، و اغلب برای دانستن این امر به دیگران چشم می‌دوزیم. اما خدا به قوم هشدار داد که از ساحران و جادوگران مشورت نخواهند. خدا کار جادوگران، احضارکنندگان ارواح، و طالع‌بینان را نامشروع خواند زیرا دانش ایشان از طرف خدا نبود و بنابراین نمی‌شد به آن اعتماد کرد. این گونه افراد که مدعی‌اند از دانشی خارق‌العاده و مافوق انسانی بهره دارند، یا شیادند و ادعای کاذب دارند، و یا دانششان شیطانی است. خدا کتاب مقدس را از این جهت در اختیار ما قرار داده تا با خواندن آن به دانش خارق‌العاده‌ای که در عین حال درست و قابل اعتماد نیز هست، دست یابیم.

۲۱-۱۰:۲۰ این دستورات که در رابطه با گناهان جنسی صادر شده، با مجازات‌های بسیار سختی همراه است. چرا؟ اعمال نفرت‌انگیزی که فهرست‌وار در اینجا از آنها نام برده شده، در بین اقوام بت پرست کنعان بسیار متداول بود؛ ادیان آنان پر بود از الهه‌هایی که ایزدبانوهای امور جنسی بودند؛ فحشا و روسپیگری در معابد و نیز دیگر گناهان زشت، از ویژگیهای بارز فرائض دینی ایشان بود. فرهنگ کنعان، فرهنگی ویرانگر بود، و ساکنان آن

سرزمین‌های فایده‌ای به حال دنیا نداشتند. و اما از طرف دیگر، خدا در کار ایجاد قومی بود که می‌توانست بر دنیا تأثیری مثبت و سازنده بر جای نهد. به همین خاطر است که قوم را برای آنچه در سرزمین موعود در انتظارشان بود آماده می‌کرد، و به ایشان دستور می‌داد در دام این گونه گناهان جنسی نیفتند.

در عهدعتیق با گناهان جنسی فوراً و به شدت برخورد می‌شد. خدا به این دلایل چنین گناهانی را به هیچ وجه تحمل نمی‌کرد: این اعمال (۱) تعهد دو جانبه‌ای را که زن و شوهر در چارچوب ازدواج نسبت به هم دارند، فرو می‌باشد؛ (۲) حرمت خانواده را از بین می‌برد؛ (۳) سلامت روانی انسان را از میان می‌برد؛ و (۴) باعث شیوع بیماری می‌شود. گناهان جنسی همیشه به‌طور گسترده وجود داشته است. کسانی که در تعریف و تمجید از ترویج روابط جنسی بین افرادی که با هم ازدواج نکرده‌اند سخنها می‌گویند، اغلب این حقیقت را پنهان می‌کنند که در پس این ماجراجویی‌ها چه لطافات غم‌انگیز و آسیب‌های جبران‌ناپذیری نهفته است. وقتی جامعه گناهان جنسی را جذاب جلوه می‌دهد، خیلی آسان می‌توان آنچه را خدا در این باره می‌گوید- و دلیل این دستورات را- به فراموشی سپرد.

۶:۲۰ همه ما دوست داریم بدانیم در آینده چه اتفاق می‌افتد، و اغلب برای دانستن این امر به دیگران چشم می‌دوزیم. اما خدا به قوم هشدار داد که از ساحران و جادوگران مشورت نخواهند. خدا کار جادوگران، احضارکنندگان ارواح، و طالع‌بینان را نامشروع خواند زیرا دانش ایشان از طرف خدا نبود و بنابراین نمی‌شد به آن اعتماد کرد. این گونه افراد که مدعی‌اند از دانشی خارق‌العاده و مافوق انسانی بهره دارند، یا شیادند و ادعای کاذب دارند، و یا دانششان شیطانی است. خدا کتاب مقدس را از این جهت در اختیار ما قرار داده تا با خواندن آن به دانش خارق‌العاده‌ای که در عین حال درست و قابل اعتماد نیز هست، دست یابیم.

۲۱-۱۰:۲۰ این دستورات که در رابطه با گناهان جنسی صادر شده، با مجازات‌های بسیار سختی همراه است. چرا؟ اعمال نفرت‌انگیزی که فهرست‌وار در اینجا از آنها نام برده شده، در بین اقوام بت پرست کنعان بسیار متداول بود؛ ادیان آنان پر بود از الهه‌هایی که ایزدبانوهای امور جنسی بودند؛ فحشا و روسپیگری در معابد و نیز دیگر گناهان زشت، از ویژگیهای بارز فرائض دینی ایشان بود. فرهنگ کنعان، فرهنگی ویرانگر بود، و ساکنان آن

گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما پاک شود.

۱۵ اگر مردی با حیوانی نزدیکی کند، آن مرد و حیوان باید کشته شوند. ۱۶ اگر زنی با حیوانی نزدیکی کند، آن زن و حیوان باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می‌باشد.

۱۷ اگر مردی با خواهر خود ازدواج کند و با او همبستر شود، خواه دختر پدرش باشد، خواه دختر مادرش، عمل شرم‌آوری کرده است و هر دو باید در ملاعام از میان قوم طرد شوند و آن مرد باید به سزای گناه خود برسد، زیرا خواهر خود را بی‌عصمت کرده است. ۱۸ اگر مردی با زنی به هنگام عادت ماهانه‌اش همبستر شود، هر دو نفر باید از میان قوم اسرائیل طرد شوند، زیرا مقررات مربوط به طهارت را رعایت نکرده‌اند.

۱۹ اگر مردی با خاله یا عمه خود همبستر شود، هر دو آنها باید به سزای گناه خود برسند زیرا بستگان نزدیک یکدیگرند. ۲۰ اگر مردی با زن عموی خود همبستر شود، به عموی خود بی‌احترامی کرده است. آنها به سزای گناه خود خواهند رسید و بی‌اولاد خواهند مرد. ۲۱ اگر مردی زن برادر خود را به زنی بگیرد، کار قبیحی کرده است زیرا نسبت به برادرش بی‌احترامی نموده است. هر دو ایشان بی‌اولاد خواهند مرد.

۲۲ باید از تمامی قوانین و دستورات من اطاعت کنید تا شما را از سرزمین جدیدتان بیرون نکنم. ۲۳ از رسوم مردمی که از پیش شما می‌رانم پیروی نکنید چون ایشان همه اعمالی را که من شما را از آنها برحذر ساختم انجام می‌دهند و به همین دلیل است که از آنها نفرت دارم.

۲۴ قول داده‌ام سرزمین ایشان را به شما بدهم تا آن را به تصرف خود درآورده، مالک آن باشید. آنجا سرزمینی است که شیر و عسل در آن جاری است. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از قوم‌های دیگر جدا کرده‌ام.

۲۵ بین پرندگان و حیواناتی که گوشت آنها برای شما حلال است و آنهایی که حرام است فرق بگذارید. با خوردن گوشت پرندگان یا حیواناتی که خوردن آنها را برای شما حرام کرده‌ام خود را آلوده نکنید. ۲۶ برای من مقدس باشید،

۱۵:۲۰

لاو ۱۸:۲۳

تث ۲۱:۲۷

۱۷:۲۰

لاو ۱۸:۹

۱۸:۲۰

لاو ۱۹:۱۵ ؛ ۱۸:۱۹

۱۹:۲۰

لاو ۱۸:۱۲، ۱۳

۲۰:۲۰

لاو ۱۸:۱۴

۲۱:۲۰

لاو ۱۶:۱۸

۲۲:۲۰

لاو ۱۸:۲۸

۲۳:۲۰

لاو ۱۸:۱-۳، ۲۴-۳۰

تث ۵:۹

۲۴:۲۰

پیدا ۱۶:۱۵

خرو ۱۷:۳ ؛ ۹:۸، ۶

تث ۳۶:۸ ؛ ۹:۱۱ ؛ ۹:۱۱

۳۲:۷ ؛ ۹:۲۶

یوش ۵:۵ ؛ ۶:۲۴ ؛ ۱۱:۲۴

۲۵:۲۰

لاو ۱۱:۴۷-۱۱

تث ۱۴:۵۳

۲۶:۲۰

لاو ۱۱:۴۴

قانون جاذبه خواهد مرد. اما بعضی از ما از درک قوانین روحانی خدا عاجزیم. خدا ما را از برخی چیزها برحذر می‌دارد چون نمی‌خواهد کمر به نابودی خود ببندیم. بنابراین باید مواظب باشیم در دام لذات ممنوع نیفتیم، چون حاصل آن، جز درد و رنج، مرگ، و جدایی از خدا نخواهد بود- خدایی که صرفاً می‌خواهد کمکمان کند.

۲۳، ۲۲:۲۰ خدا قوانین زیادی برای قومش وضع کرد، اما هیچ یک از این قوانین بدون دلیل نبود. خدا نیکویی را از آنان دریغ نداشت؛ تنها آنان را از انجام کارهایی باز داشت که می‌دانست موجب نابودی و تباهی‌شان می‌شود. درک قوانین فیزیکی طبیعت که خدا مقرر داشته، برای همه ما میسر است. برای مثال، اگر کسی خودش را از ساختمانی ده طبقه پایین بیندازد، به علت

زیرا من که خداوند هستم مقدس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساختم تا از آن من باشید.

^{۳۷} احضار کننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید حتماً سنگسار شود. خون او به گردن خودش است.

۲۷:۲۰
لاو ۳۱:۲۶-۱۹
تث ۱۲-۱۰:۱۸

۲- معیار زندگی کاهنان

خداوند به موسی فرمود: «به کاهنان که از نسل هارون هستند بگو که هرگز با دست زدن به شخص مرده خودشان را نجس نکنند، ^{۳۸} مگر اینکه مرده از بستگان نزدیک آنها باشد، مثل: مادر، پدر، پسر، دختر، برادر یا خواهری که شوهر نکرده و تحت تکفل او بوده است. ^۴ کاهنان در میان قوم خود رهبر هستند و نباید مثل افراد عادی خودشان را نجس سازند.

۱:۲۱
لاو ۱۱:۲۱
اعد ۱۶:۱۹-۱۴
جز ۲۵:۴۴
۲:۲۱
لاو ۱۱:۲۱

^۵ «کاهنان نباید موی سر یا گوشه‌های ریش خود را بتراشند و یا بدن خود را مجروح کنند. ^۶ ایشان باید برای من مقدس باشند و به اسم من بی‌احترامی نکنند. آنها برای من هدایای خوراکی بر آتش تقدیم می‌کنند، پس باید مقدس باشند. ^۷ کاهن نباید با یک فاحشه که خود را بی‌عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته، ازدواج کند؛ چون او مرد مقدسی است. ^۸ کاهنان را مقدس بشمارید زیرا ایشان هدایای خوراکی به من تقدیم می‌کنند، و من که خداوند هستم و شما را تقدیس می‌کنم، مقدس می‌باشم. ^۹ اگر دختر کاهنی فاحشه شود به تقدس پدرش لطمه می‌زند و باید زنده سوزانده شود.

۵:۲۱
لاو ۲۸:۲۷-۱۹
تث ۱:۱۴
ار ۳۷:۴۸ ۶:۱۶
۶:۲۱
خرو ۴۴:۲۹
لاو ۳:۱۰
۷:۲۱
لاو ۱۴:۲۱
جز ۲۲:۴۴
۸:۲۱
لاو ۲۴:۱۱

^{۱۰} «کاهن اعظم که با روغن مخصوص، مسح و تقدیس شده و لباس‌های مخصوص کاهنی را می‌پوشد، نباید هنگام عزاداری موی سر خود را باز کند یا گریبان لباس خود را چاک بزند. ^{۱۱} او نباید با خارج شدن از عبادتگاه وارد شدن به خانه‌ای که جنازه‌ای در آن هست، حتی اگر جنازه پدر یا مادرش باشد، خود را و عبادتگاه مقدس مرا بی‌حرمت سازد، زیرا تبرک روغن مسح من که خداوند هستم بر سر اوست. ^{۱۳} او باید با دختر باکره‌ای ازدواج کند. ^{۱۴} او نباید با زن بیوه یا طلاق گرفته یا فاحشه ازدواج کند بلکه با دختر باکره‌ای از قوم خود، در غیراینصورت فرزندان او دیگر مقدس نخواهند بود. من که خداوند هستم او را برای کاهنی تقدیس کرده‌ام.»

۱۰:۲۱
لاو ۷:۶-۱۰
۱۱:۲۱
لاو ۴:۲۱-۴
جز ۲۵:۴۴
۱۲:۲۱
خرو ۷:۲۹
لاو ۷:۱۰
اعد ۱۳-۱۱:۱۹
۱۳:۲۱
جز ۲۲:۴۴
۱۴:۲۱
لاو ۱۳:۷-۲۱
عز ۲۹:۲ ۶۳:۶
نج ۲۹:۱۳
۱۷:۱۶-۲۱
تث ۲۰:۲۳

^{۱۶} و خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو که در نسلهای آینده هر کدام

نیز نباید برای او قربانی بگذرانند. این دستور خدا توهین به نقص عضو معلولین نبود، بلکه هدفش نشان دادن این واقعیت بود که کاهن می‌بایست به نوعی با خدای کاملی که برای او خدمت می‌کرد، همخوانی و هماهنگی داشته باشد- هرچند این کاملیت تنها با آمدن عیسی مسیح

۲۳-۱۶:۲۱ آیا خدا با گفتن اینکه معلولین برای تقدیم قربانی صلاحیت ندارند، غیرمنصفانه عمل می‌کرد و در حق آنان تبعیض قائل می‌شد؟ خدا درست همان طور که از قوم خواسته بود که هیچ حیوان معیوبی را برای او قربانی نکنند، مقرر داشت که هیچ کاهن «معیوبی»

از فرزندانش که عضوی از بدنش معیوب باشد نباید هدایای خوراکی را به حضور من تقدیم کند.^{۱۸} کسی که نقصی در صورت داشته باشد و یا کور، شل، ناقص الخلقه،^{۱۹} دست یا پا شکسته،^{۲۰} گوزپشت یا کوتوله باشد، چشم معیوب یا مرض پوستی داشته یا خواجه باشد،^{۲۱} بسبب نقص جسمی اش اجازه ندارد هدایای خوراکی را که بر آتش به من تقدیم می‌شود، تقدیم کند.^{۲۲} با وجود این باید از خوراک کاهنان که از هدایای تقدیمی به خداوند است به او غذا داده شود هم از هدایای مقدس و هم از مقدس‌ترین هدایا.^{۲۳} ولی او نباید به پردهٔ مقدس عبادتگاه یا به قربانگاه نزدیک شود چون نقص بدنی دارد و این عمل او عبادتگاه مرا بی‌حرمت می‌کند، زیرا من که خداوند هستم آن را تقدیس کرده‌ام.»

^{۲۴} موسی این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل داد.

۲۲ خداوند به موسی فرمود: «به هارون و پسرانش بگو که حرمت قربانی‌ها و هدایای مقدسی را که قوم به من وقف می‌کنند، نگه دارند و نام مقدس مرا بی‌حرمت نسازند، زیرا من خداوند هستم. در نسلهای شما اگر کاهنی که شرعاً نجس است به این هدایای مقدس دست بزند باید از مقام کاهنی بر کنار شود.

^۴ «کاهنی که جذامی باشد یا از بدنش مایع ترشح شود، تا وقتی که شرعاً طاهر نشده، حق ندارد از قربانی‌های مقدس بخورد. هر کاهنی که به جنازه‌ای دست بزند یا در اثر خروج منی نجس گردد،^۵ و یا حیوان یا شخصی را که شرعاً نجس است لمس کند،^۶ آن کاهن تا عصر نجس خواهد بود، و تا هنگام غروب که غسل می‌کند نباید از قربانی‌های مقدس بخورد.^۷ وقتی که آفتاب غروب کرد، او دوباره طاهر می‌شود و می‌تواند از خوراک مقدس بخورد، چون معاش او همین است.^۸ کاهن نباید گوشت حیوان مرده یا حیوانی را که جانوران وحشی آن را دریده باشند بخورد، چون این عمل او را نجس می‌کند. به کاهنان بگو که با دقت از این دستورات اطاعت کنند، مبادا مجرم شناخته شده، بسبب سرپیچی از این قوانین بمیرند. من که خداوند هستم ایشان را تقدیس کرده‌ام.

^{۱۰} «هیچکس غیر از کاهنان نباید از قربانی‌های مقدس بخورد. مهمان یا نوکر کاهن که از او مزد می‌گیرد نیز نباید از این خوراک بخورد.^{۱۱} ولی اگر

۲۱:۲۱

لاو ۲۱-۱۷:۲۱

۲۲:۲۱

لاو ۲۹:۱۶-۹:۲۴

اعد ۱۸:۱۸

اقرن ۹:۱۳

۲۳:۲۱

لاو ۲۱:۱۷

۲:۲۲

لاو ۱۰:۴-۱:۱۰

۳:۲۲

لاو ۷:۲۱-۲۰:۲۱

اعد ۱۹:۱۳

۴:۲۲

لاو ۱۱:۲۴، ۲۸، ۳۱، ۳۹، ۴۰

۱۳:۴۵ و ۴۶:۱۴-۳۲

اعد ۱۹:۱۱

۵:۲۲

لاو ۱۱:۲۴ و ۲۵-۴۱-۴۴

۶:۲۲

اعد ۱۹:۷-۱۰

۸:۲۲

خرو ۲۲:۳۱

لاو ۱۷:۱۵

تث ۱۶:۲۱

جز ۴۴:۳۱

۹:۲۲

خرو ۲۸:۴۳

لاو ۲۲:۱۶

اعد ۱۸:۱-۷

۱۰:۲۲

خرو ۲۹:۳۱-۳۴

لاو ۲۲:۱۳

۱۱:۲۲

اعد ۱۱:۱۱

می‌شد تأمین می‌گشت. آنان به هیچ وجه به حال خود رها نشده بودند، زیرا بسیاری از خدمات مهم خیمه عبادت توسط آنان انجام می‌شد.

به‌طور کامل تحقق یافت. کاهنان معلول نیز مانند بقیه افراد سبط لاوی مورد توجه و عنایتی خاص قرار داشتند و خوراکشان از طریق قربانی‌هایی که برای خدا گذرانده

کاهن با پول خود غلامی بخرد، آن غلام می‌تواند از قربانی‌های مقدس بخورد. فرزندان غلام یا کنیزی نیز که در خانه او بدنیا بیایند می‌توانند از آن بخورند. ^{۱۲} اگر دختر یکی از کاهنان با شخصی که کاهن نیست ازدواج کند، نباید از هدایای مقدس بخورد؛ ^{۱۳} ولی اگر بیوه شده یا طلاق گرفته باشد و فرزندی هم نداشته باشد که از او نگهداری کند و به خانه پدرش باز گشته باشد، می‌تواند مانند سابق از خوراک پدرش بخورد. پس کسی که از خانواده کاهنان نیست، حق ندارد از این خوراک بخورد.

۱۳:۲۲
لاو ۲۲:۱۰

^{۱۴} «اگر کسی ندانسته از قربانی‌های مقدس بخورد، باید همان مقدار را به اضافه یک پنجم به کاهن باز گرداند. ^{۱۵} و ^{۱۶} کاهنان نباید اجازه دهند اشخاص غیر مجاز قربانی‌های مقدس را بخورند و به این وسیله مجرم شوند. این کار بی‌حرمتی به هدایای مقدسی است که بنی‌اسرائیل به من تقدیم می‌کنند. من خداوند هستم و این هدایا را تقدیس کرده‌ام.»

۱۴:۲۲
لاو ۱۶:۵
اعد ۲۲:۱۵-۲۶

۱۵:۲۲
لاو ۸:۱۹

۱۶:۲۲
لاو ۹:۲۲

حیوانات مورد قبول برای قربانی

^{۱۷} و ^{۱۸} خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل بدهد: اگر یک نفر اسرائیلی یا غریبی که در میان شما ساکن است، به خداوند هدیه‌ای برای قربانی سوختنی تقدیم کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، ^{۱۹} فقط بشرطی مورد قبول خداوند خواهد بود که آن حیوان، گاو یا گوسفند یا بز، نر و بی‌عیب باشد. ^{۲۰} حیوانی که نقصی داشته باشد نباید تقدیم شود، چون مورد قبول خداوند نمی‌باشد. ^{۲۱} وقتی کسی از رمه یا گله خود حیوانی را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم می‌کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، آن حیوان باید سالم و بی‌عیب باشد و گر نه مورد قبول خداوند واقع نمی‌شود. ^{۲۲} حیوان کور، شل یا مجروح و یا حیوانی که بدنش پر از زخم است و یا مبتلا به گری یا آبله می‌باشد، نباید به خداوند هدیه شود. این نوع هدیه را بر آتش قربانگاه به خداوند تقدیم نکنید. ^{۲۳} اگر گاو یا گوسفندی که تقدیم خداوند می‌شود عضو زاید یا ناقصی داشته باشد، آن را بعنوان قربانی داوطلبانه می‌توان ذبح کرد ولی نه بعنوان نذر. ^{۲۴} حیوانی که بیضه‌اش نقص داشته باشد یعنی کوفته یا بریده باشد هرگز نباید در سرزمین خود برای خداوند قربانی کنید. ^{۲۵} این محدودیت، هم شامل قربانی‌های غریبانی است که

۱۹:۲۲
لاو ۲۰:۱؛ ۲۰:۴

۲۰:۲۲
لاو ۲۲:۲۲-۲۵
تث ۲۱:۱۵

۲۲:۲۲
لاو ۲۰:۲۲
ملا ۸:۱

۲۵:۲۲
اعد ۱۵:۱۵-۱۶
ملا ۱۴:۱

مسیح. ما نیز وقتی به‌جای تقدیم آنچه معیوب و معمولی است، از وقت و استعداد و سرمایه خود بهترین‌ها را تقدیم خدا می‌کنیم، معنای عبادت واقعی را نشان می‌دهیم و ارزش والای خدا را تصدیق می‌کنیم.

۲۵-۱۹:۲۲ حیوانات معیوب برای قربانی قابل قبول نبود زیرا با طبیعت مقدس خدا مطابقت نداشت. از این گذشته، حیوان قربانی می‌بایست بی‌عیب و نقص می‌بود زیرا پیشاپیش تصویری بود از زندگی کامل و بی‌گناه عیسی

در میان شما ساکنند و هم قربانی‌های خود شما، چون هیچ حیوان معیوبی برای قربانی پذیرفته نمی‌شود.

۲۶ و ۲۷ خداوند به موسی فرمود: «وقتی گاو یا گوسفند یا بز زاییده شود باید تا هفت روز پیش مادرش بماند ولی از روز هشتم به بعد می‌توان آن را بر آتش برای خداوند قربانی کرد. ۲۸ گاو یا گوسفند را با نوزادش در یک روز سر نبرید. ۲۹ و ۳۰ وقتی که قربانی شکرگزاری به من که خداوند هستم تقدیم می‌کنید، باید طبق مقررات عمل کنید تا مورد قبول من واقع شوید. در همان روز تمام گوشت حیوان قربانی شده را بخورید و چیزی از آن را برای روز بعد باقی نگذارید.

۳۱ «شما باید تمام اوامر مرا اطاعت کنید، چون من خداوند هستم. ۳۲ و ۳۳ نام مقدس مرا بی‌حرمت نکنید. مرا مقدس بدانید زیرا من که خداوند هستم، شما را تقدیس کردم و از مصر نجات دادم تا خدای شما باشم.»

۲۶:۲۲
خرو ۳۰:۲۲

۲۸:۲۲
تث ۶:۲۲
۲۹:۲۲
خرو ۱۹:۱۶
لاو ۱۵:۷

۳۱:۲۲
خرو ۲:۲۰
لاو ۴:۱۸
۳۳:۲۲
لاو ۳۱:۲۲

۳- فصول و اعیاد

۲۳ خداوند مقررات اعیاد مقدس را توسط موسی به قوم اسرائیل داد و فرمود: «برای برگزاری این اعیاد، تمام قوم باید برای عبادت من جمع شوند. ۳ (در روز سبت نیز که هفتمین روز هفته می‌باشد، قوم باید برای عبادت من جمع شوند. در هر جا که ساکن باشند باید در این روز دست از کار کشیده، استراحت کنند.) این اعیاد مقدس که باید هر سال جشن گرفته شوند از این قرارند:

۱:۲۳
خرو ۱۷:۲۳ ؛ ۲۲:۳۴
لاو ۲۳:۴۳ ؛ ۴۴:۳۷
اعد ۳۹:۲۹
۳:۲۳
خرو ۱۱:۸ ؛ ۱۲:۲۳ ؛ ۱۵:۳۱
تث ۱۴:۱۳ ؛ ۱۴:۱۳
لو ۱۴:۱۳
۵:۲۳
خرو ۲۰:۳ ؛ ۱۲:۳۰
متی ۱۷:۲۶
مر ۱۲:۱۴
۶:۲۳
مر ۱۲:۱۴
لو ۱:۲۲

عید پسخ و عید نان فطیر

۵ «در غروب روز چهاردهم اولین ماه هر سال مراسم پسخ را به احترام من بجا آورید. ۶ از روز پانزدهم همان ماه، عید فطیر آغاز می‌شود و تا هفت روز

۶:۲۳ عید فطیر برای قوم اسرائیل یادآور خروجشان از سرزمین مصر بود. آنان به مدت هفت روز نان فطیر، یعنی نانِ بدون خمیرمایه می‌خوردند، درست همان طور که به هنگام واقعه خروج چنین کرده بودند (خروج ۱۲:۱۵). نان فطیر را بدون خمیرمایه درست می‌کردند، و معنای نمادین آن برای اسرائیلی‌ها فوق‌العاده حائز اهمیت بود. نخست اینکه چون نان فطیر نانی مخصوص و منحصر به فرد بود، منحصر به فرد بودن اسرائیل را به عنوان قوم خدا نشان می‌داد. دوم اینکه خمیرمایه (که ماهیت خمیر نان را عوض می‌کرد) نماد گناه بود و از این رو به کار نبردن آن به قوم می‌آموخت که باید از گناه دوری جویند. سوم اینکه برای قوم یادآور این واقعیت بود که باید سریعاً از دستور خدا اطاعت کنند، چون فرارشان از مصر نیز شتابزده بود و فرصت نداشتند صبر کنند تا خمیر نانشان و بپایند.

۱:۲۳ اعیاد نقش مهمی در فرهنگ اسرائیل ایفا می‌کردند. اعیاد قوم اسرائیل با اعیاد دیگر اقوام فرق داشت، زیرا این اعیاد را خود خدا تعیین کرده بود. آنها نه زمان بی‌بند و باری اخلاقی، بلکه ایام جشن و سرور با خدا بودند. خدا می‌خواست قومش روزهای خاصی را برای استراحت، تجدید قوا، و به خاطر آوردن تمام آن کارهای عظیمی که برای ایشان کرده، کنار بگذارند و به منظور شکرگزاری از اعمال او گرد هم بیایند.

۴:۱-۱:۲۳ خدا چند عید ملی مقرر کرد تا قوم همه‌ساله در آن ایام جشن بگیرند، عبادت کنند و با هم همدل شوند. با مشاهده اعیاد هر ملت و نحوه برگزاری آنها می‌توان چیزهای زیادی درباره آن ملت آموخت. بنابراین به اعیاد و سنن ملی خود توجه داشته باشید. این سنن در مورد شما و نحوه زندگی‌تان چه حقایقی را روشن می‌سازند؟

باید فقط نان بدون خمیرمایه خورده شود.^۷ در روز اول این عید برای عبادت جمع شوید و از همه کارهای معمول خود دست بکشید.^۸ هفت روز هدایای سوختنی به من تقدیم نمایید و در روز هفتم نیز از کارهای معمول خود دست کشیده برای عبادت جمع شوید.

۷:۲۳
خرو ۶:۱۲
اعد ۱۸:۲۸

عید نوبر محصولات

«وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید و اولین محصول خود را درو کردید، روز بعد از سبت، اولین بافه را نزد کاهن بیاورید تا او آن را در حضور من تکان دهد و من آن را از شما قبول کنم.^{۱۲} همان روز یک بره^{۱۳} یک ساله سالم و بی‌عیب بعنوان قربانی سوختنی به من تقدیم کنید. برای هدیه آردی آن، دو کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون آورده، بر آتش به من تقدیم کنید؛ این هدیه موردپسند من است. یک لیتر شراب هم بعنوان

۱۱-۹:۲۳
خرو ۲۲:۳۴ ؛ ۱۹،۱۶:۲۳
اعد ۳۱،۲۶:۲۸ ؛ ۲۱،۱۷:۱۵
تث ۱۲-۹:۱۶
روم ۱۶:۱۱
یوش ۱۸:۱
مکا ۴:۱۴
۱۳:۲۳
لاو ۲۳-۱۴:۶
اعد ۱۰-۳:۱۵

اهمیت هر یک از این اعیاد	مناسبت هر یک از اعیاد	عید	اعیاد
به قوم یادآور می‌شد که چطور خدا آنان را رها نمود	زمانی که خدا در مصر از گرفتن جان نخست‌زادگان قوم اسرائیل در گذشت و عبرانی‌ها را از قید بردگی رها نمود	پسح به مدت یک روز (لاویان ۵:۲۳)	قوم اسرائیل علاوه بر آنکه هر هفته در روز سبت استراحت می‌کردند، در تقویم سالیانه خود نوزده روز نیز به مناسبت اعیاد گوناگون در جشن و سرور بودند.
به قوم یادآور می‌شد که زندگی سابق را پشت سر گذاشته و زندگی جدیدی را آغاز کرده‌اند	خروج از مصر	نوبر محصولات یک روز (لاویان ۱۴-۹:۲۳)	
به قوم یادآور می‌شد که چطور خدا برایشان خوراک فراهم کرد	اولین محصول به‌هنگام برداشت جو	پنطیکاست یک روز (لاویان ۲۲-۱۵:۲۳)	
بیانگر شادمانی و شکرگزاری قوم بابت محصول پربرکت بود	پایان برداشت جو و آغاز برداشت گندم	شیبورها یک روز (لاویان ۲۵-۲۳:۲۳)	
بیانگر شادی و شکرگزاری قوم به درگاه خدا بود	آغاز ماه هفتم (سال جدید ملی)	روز کفاره یک روز (لاویان ۳۲-۲۶:۲۳)	
رابطه قوم را با خدا را احیا می‌کرد	آمرزش گناه قوم	سایه‌بانها هفت روز (لاویان ۴۳-۳۳:۲۳)	
تجدید پیمان قوم اسرائیل بود با خدا. قوم از این طریق اعتماد و توکل خود را بر هدایت و حفاظت خدا نشان می‌داد	حفاظت و هدایت خدا در بیابان		

دارد *اول/ از هر چیز* سهم او را کنار بگذاریم، نه اینکه بخواهیم در آخر اگر چیزی باقی ماند سهم او را بدهیم. رسم ابراز تشکر از خدا این نیست که از مازاد آنچه داریم به او بدهیم.

۱۴-۹:۲۳ در عید نوبر محصولات لازم بود اولین محصول به‌عنوان هدیه به خدا تقدیم شود. قوم اسرائیل تا وقتی نوبر محصولاتشان را تقدیم خدا نکرده بودند، حتی اجازه خوردن آن را نیز نداشتند. امروز نیز خدا از ما انتظار

هدیه نوشیدنی تقدیم نمایید.^{۱۴} تا این هدایا را به من تقدیم نکرده‌اید، نباید نان یا حبوبات تازه یا برشته بخورید. این قانونی است همیشگی برای تمام نسلهای شما در هر جایی که زندگی کنید.

۱۴:۲۳
لاو ۱۷:۳

عید بنطیکاست

^{۱۵} هفت هفته بعد از روزی که اولین بافه خود را به من تقدیم کردید،^{۱۶} یعنی در روز پنجاهم که روز بعد از هفتمین سبت است هدیه دیگری از محصول تازه خود به حضور من بیاورید.^{۱۷} هر خانواده‌ای دو قرص نان که از دو کیلو آرد مرغوب همراه با خمیرمایه پخته شده باشد، بیاورد تا در حضور من تکان داده شود و بعنوان هدیه‌ای از آخرین برداشت محصول به من تقدیم شود.^{۱۸} همراه با این نانها، هفت بره یک ساله سالم و بی‌عیب، یک گوساله و دو قوچ بعنوان قربانی سوختنی با هدایای آردی و نوشیدنی آنها به من تقدیم کنید. این هدایا که بر آتش تقدیم می‌شوند موردپسند من می‌باشند.^{۱۹} همچنین یک بز نر بعنوان قربانی گناه و دو بره نر یکساله بعنوان قربانی سلامتی ذبح کنید.

۱۶:۱۵:۲۳
لاو ۱۶:۲۳
اعد ۳۱-۲۶:۲۸
اعما ۱:۲

^{۲۰} «کاهن، این دو بره ذبح شده را با نانهای پخته شده از آخرین برداشت محصول شما بعنوان هدیه مخصوص در حضور من تکان دهد. این هدایا برای من مقدسند و باید برای خوراک به کاهنان داده شوند.^{۲۱} در آن روز اعلان شود که مردم از کارهای محصول خود دست کشیده، برای عبادت جمع شوند. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.^{۲۲} (وقتی که محصولات خود را درو می‌کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تمام درو نکنید و خوشه‌های برزمین افتاده را جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبانی که در میان شما ساکنند، بگذارید.) من خداوند، خدای شما این دستورات را به شما می‌دهم.

۱۹:۲۳
لاو ۱۵:۱۶

۲۰:۲۳
اعد ۱۲:۱۸
تث ۴:۱۸

۲۲:۲۳
لاو ۱۰:۹:۱۹
تث ۲۱-۱۹:۲۴
امثال ۲۵:۲۴:۱۱

عید شیپورها

^{۲۳} و ^{۲۴} «روز اول ماه هفتم هر سال روز استراحت است و همه قوم اسرائیل باید با شنیدن صدای شیپورها، برای عبادت جمع شوند.^{۲۵} در آن روز هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم کنید و هیچ کار دیگری انجام ندهید.

۲۴:۲۳:۲۳
اعد ۱۰:۱۰:۱۰
۲۵:۲۳
لاو ۷:۲۳

گناه جدی باشد و فوراً به آن اعتراف کنیم. اما باید بین این حالت و حالت تمجید و تجلیل از شخصیت خدا و کارهایی که برای قومش کرده است، تعادل وجود داشته باشد.

۲۴:۲۳:۲۳ کلمه شیپور در اصل به معنی «شاخ قوچ» است، زیرا قوم اسرائیل شیپورهایشان را اکثراً از شاخ حیوانات می‌ساختند. شیپورهای مخصوصی نیز وجود داشت که از نقره تفته شده درست می‌شد. به‌هنگام آغاز هر ماه و نیز در آغاز اعیاد، این شیپورها را به صدا در می‌آوردند.

۲۳:۲۳ عبادت، هم زمان جشن و سرور است، هم فرصت اعتراف. اما در مورد اعیاد ملی بنی اسرائیل به نظر می‌رسد که حالت جشن و سرور اعیاد بیشتر از حالت اعتراف بود، زیرا از هفت عید، پنج عید فرصت شادمانی بود و تنها دو عید حالت جدی و رسمی داشت. خدای کتاب مقدس مردم را به شادی تشویق می‌کند! مذهب از نظر خدا فقط تعمق و درون‌گرایی نیست، بلکه می‌خواهد وقتی را نیز به جشن و شادی اختصاص دهیم. البته لازم است واکنشمان در قبال

روز کفاره

۲۶ و ۲۷ «روز دهم ماه هفتم هر سال، روز کفاره است. در آن روز تمام قوم باید برای عبادت جمع شوند و روزه بگیرند و هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم کنند.^{۲۸} در روز کفاره هیچ کار نکنید، زیرا روزی است که باید برای گناهان خود از من که خدای شما هستم طلب آمرزش نمایید.^{۲۹} هر شخصی که آن روز را در روزه بسر نبرد، از میان قوم خود طرد خواهد شد.^{۳۰} من کسی را که در آن روز دست به هر گونه کاری بزند، طرد کرده، مجازات خواهم نمود. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.^{۳۲} از غروب روز نهم ماه هفتم تا غروب روز بعد، روز مخصوص کفاره است و باید در آن روز روزه بگیرید و استراحت کنید.

۲۶:۲۳
لاو ۳۴:۱۶-۳۳
اعد ۱۱:۷-۲۹
۲۸:۲۳
لاو ۷:۲۳
۲۹:۲۳
لاو ۲۲:۲۳

۳۲:۲۳
لاو ۳۱-۲۹:۱۶

عید سایه بانها

۳۳ و ۳۴ «روز پانزدهم ماه هفتم، عید سایه بانها آغاز می شود و باید تا مدت هفت روز در حضور من جشن گرفته شود.^{۳۵} در روز اول تمامی قوم اسرائیل را برای عبادت جمع کنید و از کارهای معمول خود دست بکشید.^{۳۶} در هر هفت روز عید، هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم نمایید. در روز هشتم دوباره تمامی قوم را برای عبادت جمع کنید و هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم نمایید. این روز، آخرین روز عید است و نباید هیچ کاری انجام دهید.^{۳۷} (این است اعیاد مقدسی که در آنها باید تمامی قوم برای عبادت جمع شده، قربانی‌های سوختنی، هدایای آردی، هدایای نوشیدنی و سایر قربانی‌ها را بر آتش به درگاه من تقدیم کنند.^{۳۸} این اعیاد مقدس غیر از روزهای مخصوص سبت است. هدایایی که در این اعیاد تقدیم می کنید غیر از هدایای روزانه، نذری و داوطلبانه‌ای است که به خداوند تقدیم می کنید.)

۳۴:۳۳-۲۳
خرو ۱۶:۲۳
لاو ۴۳:۳۹-۲۳
اعد ۳۹-۱۲:۲۹
تث ۱۶-۱۳:۱۶

عز ۴:۳
نح ۱۴:۸
یو ۲:۷
۳۵:۲۳
لاو ۷:۲۳

۳۶:۲۳
لاو ۳۴:۲۳
نح ۱۸:۸
یو ۳۹:۷
۳۷:۲۳

خرو ۲۲:۳۴
تث ۱۶:۱۶
۳۸:۲۳
اعد ۳۹:۲۹

۳۹ «از روز پانزدهم ماه هفتم که پایان برداشت محصول است، این عید هفت روزه را در حضور من جشن بگیرید. به یاد داشته باشید که روزهای اول و آخر این عید، روزهای استراحت می باشند.^{۴۰} در روز اول، از درختان خود میوه‌های خوب بچینید و شاخه‌های نخل و شاخه‌های درختان پربزرگ و شاخه‌های بید گرفته با آنها سایه بان درست کنید و هفت روز در حضور من که خداوند، خدای شما هستم شادی کنید.^{۴۱} برگزاری این عید هفت روزه در ماه هفتم، یک قانون دایمی است که باید نسل اندر نسل انجام گیرد.^{۴۲} در طول آن هفت روز همه شما اسرائیلیها باید در سایه بانها بسر برید.^{۴۳} هدف از این عید آن است که

۴۲:۲۳
نح ۱۸:۱۴-۸
۴۳:۲۳
خرو ۱۸:۱۴-۱۳
تث ۳۱:۱۳
مز ۸۱:۷-۸

اعضای خانواده‌ها در تمام اعصار در مورد ذات خدا و اعمال عظیم او حقایق مهمی می‌آموخت. اعیاد، زمان تجدید پیمان اعضای خانواده با خدا بود. ما نیز لازم است

۴۲:۲۳ اعیاد اسرائیل جملگی مناسبت‌هایی خانوادگی بودند. در عید پسخ، پنطیکاست، و عید سایه بانها می‌بایست تمام اعضای خانواده شرکت می‌کردند. این اعیاد به

نسلهای شما بدانند هنگامی که من بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم، آنها را در زیر سایه بانها سکونت دادم. من خداوند، خدای شما هستم.»^{۴۴}
 بدین ترتیب موسی مقررات اعیاد مقدس را به اطلاع قوم اسرائیل رسانید.

۴۴:۲۳
 لاو ۲۳:۲۳

هدیه یادبود

خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که روغن زیتون خالص برای چراغدان عبادتگاه بیاورند تا چراغهای آن همیشه روشن بماند.»^{۴۳} هارون چراغدان طلای خالص را که در بیرون پرده حایل بین قدس و قدس الاقداس است، هر روز غروب با روغن تازه پر نموده، فتیله‌هایش را تمیز کند و تا صبح آن را در حضور من روشن نگه دارد. این یک قانون همیشگی برای نسلهای شماست.

۱:۲۴
 خرو ۲۱:۲۰-۲۷

۳:۲۴
 خرو ۲۴:۱۷-۳۷؛ ۳۹:۳۱-۲۵

۴-۵ «در هر سبت، دوازده قرص نان بگیر و آنها را در دو ردیف شش تایی روی میزی که از طلای خالص است و در حضور من قرار دارد بگذار. (این نانها باید با آرد مرغوب پخته شوند و برای پختن هر قرص یک کیلو آرد مصرف شود.) روی هر ردیف نان، بخور مقدس خالص گذاشته شود. این بخور بعنوان نمونه‌ای از نان، بر آتش به درگاه من تقدیم شود. نانها به هارون و پسرانش و نسلهای او تعلق دارد و ایشان باید آن را در جای مقدسی که برای این منظور در نظر گرفته شده است بخورند، چون این هدیه از مقدس‌ترین هدایایی است که بر آتش به درگاه من تقدیم می‌شود.»

۵:۲۴
 خرو ۳۰:۲۵؛ ۳۷:۱۰-۱۳؛
 ۲۳:۴۰
 لاو ۱۶:۹-۲؛ ۱۲:۵؛ ۱۵:۶
 عبر ۲:۹

۹:۲۴
 لاو ۱۸:۱۶-۶
 متی ۴:۱۲

مجازات کفر

۱ روزی در اردوگاه، مرد جوانی که مادرش اسرائیلی و پدرش مصری بود با یکی از مردان اسرائیلی به نزاع پرداخت. ^{۱۱} هنگام نزاع مردی که پدرش مصری بود به خداوند کفر گفت. پس او را نزد موسی آوردند. (مادر آن مرد، دختر دبری از قبیله دان بود و شلومیت نام داشت.)^{۱۲} او را به زندان انداختند تا هنگامی که معلوم شود خواست خداوند برای او چیست.

۱۱:۲۴
 خرو ۲۸:۲۲
 ایو ۲۲:۱۱، ۵:۱
 مز ۱۸:۷۴

۱۳ و ^{۱۴} خداوند به موسی فرمود: «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دستهای خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند.»^{۱۵} به قوم اسرائیل بگو که هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. این قانون هم شامل اسرائیلی‌ها می‌شود و هم شامل غریبه‌ها.

۱۳:۲۴
 لاو ۱۵:۴
 تث ۲۱:۱۳؛ ۹:۱۷؛ ۷:۲۱
 ۱۶:۱۵-۲۴
 خرو ۲۸:۲۲

علاوه بر سالروز میلاد مسیح و قیام، روزهای خاصی را نیز تعیین کنیم تا در آن نیکویی خدا را گرامی بداریم.

در قالب اینگونه اعیاد و مراسم، ایمانمان را نسبت به خدا تجدید کنیم و آن را به فرزندانمان نیز منتقل نماییم. باید

۱۷ «هر که انسانی را بکشد، باید کشته شود. ۱۸ هر کس حیوانی را که مال خودش نیست بکشد، باید آن را عوض دهد جان در برابر جان. ۱۹ و ۲۰ هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند، باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود. شکستگی در برابر شکستگی، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. ۲۱ پس، هر کس حیوانی را بکشد، باید آن را عوض دهد، اما اگر انسانی را بکشد، باید کشته شود. ۲۲ این قانون هم برای غریبه‌ها و هم برای اسرائیلی‌هاست. من که خداوند، خدای شما هستم این دستور را می‌دهم.»

۲۳ پس آن جوان را بیرون اردوگاه برده، همانطور که خداوند به موسی امر فرموده بود، سنگسار کردند.

استراحت پس از هر هفت سال

هنگامی که موسی بالای کوه سینا بود، خداوند این دستورات را برای قوم اسرائیل به او داد:

۲۵

وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید، هر هفت سال یک بار بگذارید زمین در حضور من استراحت کند. ۳ شش سال زمینهای زراعتی خود را بکارید، درختان انگورتان را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید، ۴ ولی در طول سال هفتم زمین را وقف خداوند کنید و چیزی در آن نکارید. در تمام طول آن سال بذری نکارید و درختان انگورتان را هرس نکنید. ۵ حتی نباتات خودرو را برای خود درو نکنید و انگورها را برای خود نچینید، زیرا آن سال برای زمین، سال استراحت است. ۶ هر محصولی که در آن سال بروید برای همه می‌باشد، یعنی برای شما، کارگران و بردگان شما، و هر غریبی که در میان شما ساکن است. بگذارید حیوانات اهلی و وحشی نیز از محصول زمین بخورند.

سال یوبیل

۸ هر پنجاه سال یک بار، ۹ در روز کفارها که روز دهم از ماه هفتم است، در سراسر سرزمین تان شیپورها را با صدای بلند بنوازید. ۱۰ سال پنجاهم، سال مقدسی است و باید آزادی برای تمام ساکنان سرزمین اعلام شود. در آن سال باید تمام مایملک فامیلی که به دیگران فروخته شده به صاحبان اصلی یا وارثان ایشان پس داده شود و هر کسی که به بردگی فروخته شده نزد خانواده‌اش فرستاده شود. ۱۱ سال پنجاهم، سال یوبیل است. در آن سال نه بذر بکارید، نه محصولاتتان

۱۷:۲۴

پیدا ۵:۹

خرو ۱۴:۲۱، ۱۳:۲۰

اعد ۳۱:۳۰، ۳۵

تث ۱۳:۱۱، ۱۹

۱۸:۲۴

خرو ۳۶:۳۳، ۲۱

لاو ۲۱:۲۴

۲۰:۲۴

خرو ۲۵:۲۴، ۲۱

تث ۲۱:۱۹

متی ۳۸:۵

۲۱:۲۴

لاو ۱۸:۲۴

۲۲:۲۴

خرو ۴۹:۱۲

اعد ۲۹:۱۵، ۱۵:۱۵

۲:۲۵

خرو ۱۱:۲۳

لاو ۴۳:۳۵، ۳۳:۲۶

۳:۲۵

خرو ۱۰:۳۳

۴:۲۵

لاو ۲۳:۲۰، ۱:۲۵

۵:۲۵

۲ پاد ۲۹:۱۹

۶:۲۵

لاو ۲۲-۲۰:۲۵

۹:۲۵

اعد ۱۰:۱۰

۱۰:۲۵

لاو ۵۴-۲۸، ۱۶-۸:۲۵

اش ۲:۱، ۶۱

ار ۱۷، ۱۵-۸:۳۴

لو ۲۰-۱۷:۴

هیچ جای کتاب مقدس نمی‌بینیم به این سنت عمل شده باشد. بی‌تردید اگر قوم اسرائیل وفادارانه به این سنت عمل می‌کرد، فقر و نداری برای همیشه از این جامعه رخت بر می‌پست.

۲۵:۸-۱۰ سال یوبیل را می‌بایست هر پنجاه سال یک‌بار جشن می‌گرفتند. این سال، سال بخشش هر گونه قرض و بدهی و استرداد تمام املاک فروخته‌شده بود. متأسفانه در

را درو کنید، و نه انگورتان را جمع کنید،^۲ زیرا سال یوبیل برای شما سال مقدسی است. خوراک آن سال شما از محصولات خودرویی باشد که در مزرعه‌ها می‌رویند.^۳ آری، در طول سال یوبیل هر کسی باید به ملک اجدادی خود باز گردد. اگر آن را فروخته باشد، دوباره از آن خودش خواهد شد.^۴ و^۵ و^۶ و^۷ و^۸ و^۹ و^{۱۰} و^{۱۱} و^{۱۲} و^{۱۳} و^{۱۴} و^{۱۵} و^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

شود، باید قیمت عادلانه زمین را با توجه به نزدیک و یا دور بودن سال پنجاهم تعیین کرد. اگر سالهای زیادی به سال پنجاهم مانده باشد قیمت زمین بیشتر و اگر سالهای کمی مانده باشد قیمت، کمتر خواهد بود چون در واقع خریدار، قیمت محصولی را که در طول این مدت می‌تواند بدست آورد، می‌پردازد.^۷ از خداوند، خدای خود بترسید و یکدیگر را فریب ندهید.^۸ اگر از احکام و قوانین خداوند اطاعت کنید در آن سرزمین، امنیت خواهید داشت^۹ و زمین محصول خود را خواهد داد و شما سیر و آسوده خاطر خواهید بود.^{۱۰} شاید بپرسید: «پس در سال هفتم که نه اجازه داریم چیزی بکاریم و نه محصولی جمع کنیم، چه بخوریم؟»^{۱۱} و^{۱۲} و^{۱۳} و^{۱۴} و^{۱۵} و^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

کاشته‌اید باقی بماند و شما از آن بخورید.^{۱۲} به یاد داشته باشید که زمین مال خداوند است، و نمی‌توانید آن را برای همیشه بفروشید. شما مهمان خداوند هستید و می‌توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید.^{۱۳} و^{۱۴} و^{۱۵} و^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

بخواید، می‌تواند زمین را بازخرد نماید.^{۱۴} و^{۱۵} و^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

از زمین خود را فروخت، آنوقت نزدیکترین خویشاوند او می‌تواند زمین را بازخرد نماید.^{۱۵} و^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

خود او پس از مدتی به اندازه کافی پول به دست آورد، هر وقت که بخواید می‌تواند با در نظر گرفتن مقدار محصولی که تا سال پنجاهم از زمین حاصل می‌شود، قیمت آن را بپردازد و زمین را پس بگیرد.^{۱۶} و^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

اصلی نتواند آن را بازخرد نماید، زمین تا سال یوبیل از آن مالک جدیدش خواهد بود، ولی در سال یوبیل باید دوباره آن را به صاحبش برگرداند.^{۱۷} و^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

اگر مردی خانه خود را که در شهر است بفروشد، تا یک سال مهلت دارد آن را بازخرد نماید.^{۱۸} و^{۱۹} و^{۲۰} و^{۲۱} و^{۲۲} و^{۲۳} و^{۲۴} و^{۲۵} و^{۲۶} و^{۲۷} و^{۲۸} و^{۲۹} و^{۳۰} و^{۳۱} و^{۳۲} و^{۳۳} و^{۳۴} و^{۳۵} و^{۳۶} و^{۳۷} و^{۳۸} و^{۳۹} و^{۴۰} و^{۴۱} و^{۴۲} و^{۴۳} و^{۴۴} و^{۴۵} و^{۴۶} و^{۴۷} و^{۴۸} و^{۴۹} و^{۵۰} و^{۵۱} و^{۵۲} و^{۵۳} و^{۵۴} و^{۵۵} و^{۵۶} و^{۵۷} و^{۵۸} و^{۵۹} و^{۶۰} و^{۶۱} و^{۶۲} و^{۶۳} و^{۶۴} و^{۶۵} و^{۶۶} و^{۶۷} و^{۶۸} و^{۶۹} و^{۷۰} و^{۷۱} و^{۷۲} و^{۷۳} و^{۷۴} و^{۷۵} و^{۷۶} و^{۷۷} و^{۷۸} و^{۷۹} و^{۸۰} و^{۸۱} و^{۸۲} و^{۸۳} و^{۸۴} و^{۸۵} و^{۸۶} و^{۸۷} و^{۸۸} و^{۸۹} و^{۹۰} و^{۹۱} و^{۹۲} و^{۹۳} و^{۹۴} و^{۹۵} و^{۹۶} و^{۹۷} و^{۹۸} و^{۹۹} و^{۱۰۰}

۱۲:۲۵
لاو ۵:۲۵۱۳:۲۵
لاو ۳۱:۲۴، ۱۰:۲۵۱۴:۲۵
لاو ۵۲:۵۱، ۱۷:۲۵۱۷:۲۵
لاو ۱۶:۱۴، ۲۵۲۱:۲۵
لاو ۴:۲۵۲۳:۲۵
خرو ۵:۱۹
توا ۲۰:۷
جز ۱۴:۴۸۲۵:۲۵
لاو ۳۵:۲۵
روت ۲۰:۲ + ۶:۴
ار ۸۶:۳۳۲۷:۲۵
لاو ۵۳:۵۰، ۲۵۲۸:۲۵
لاو ۱۳:۱۰، ۲۵

بیشتر در آنچه دارید سهم سازید. اما اگر فکر کنید آنچه دارید متعلق به خودتان می‌باشد، سهم ساختن دیگران بی‌نهایت برایتان دشوار خواهد بود. بنابراین خود را ناظر و مباشر اموال خود بدانید، نه مالک آن.

۲۳:۲۵ در چارچوب نقشه خدا، تنها خود او مالک مطلق بود. خدا از قومش می‌خواست از مادی‌گرایی پرهیزند. با داشتن این طرز نگرش که شما در واقع صرفاً از اموال خداوند مراقبت می‌کنید، خواهید توانست دیگران را

همیشه مال صاحب جدیدش خواهد بود و در سال یوبیل به صاحب اصلی اش پس داده نخواهد شد. ^{۳۱} اما خانه‌هایی را که در روستاهای بدون حصار قرار دارند، می‌توان مثل زمین زراعتی در هر زمان بازخرید نمود و در سال یوبیل باید آنها را به صاحبان اصلی بازگردانید.

^{۳۲} اما یک استثنا وجود دارد: خانه‌های لاویها، حتی اگر در شهر نیز باشند، در هر موقع قابل بازخرید خواهند بود ^{۳۳} و باید در سال پنجاهم به صاحبان اصلی پس داده شوند، چون به لاویها مثل قبیله‌های دیگر زمین زراعتی داده نمی‌شود، بلکه فقط در شهرهای خودشان به ایشان خانه داده می‌شود. ^{۳۴} لاویها اجازه ندارند مزرعه‌های حومه شهر خود را بفروشند، زیرا اینها ملک دائمی ایشان است.

^{۳۵} اگر یکی از هم‌نژادان اسرائیلی تو فقیر شد، وظیفه توست که به او کمک کنی. پس از او دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مثل مهمان با تو زندگی کند. ^{۳۶} از او هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند. ^{۳۷} برای پولی که به او قرض می‌دهی سود نگیر و بدون منفعت به او خوراک بفروش، ^{۳۸} زیرا خداوند، خدایتان، شما را از سرزمین مصر بیرون آورد تا سرزمین کنعان را به شما بدهد و خدای شما باشد.

^{۳۹} اگر یکی از هم‌نژادان اسرائیلی تو فقیر شد و خود را به تو فروخت، تو نباید با او مثل برده رفتار کنی، ^{۴۰} بلکه باید با او مثل کارگر روزمزد یا مهمان رفتار کنی و او فقط تا سال یوبیل برای تو کار کند. ^{۴۱} در آن سال او باید با پسرانش از پیش تو برود و نزد فامیل و املاک خود بازگردد. ^{۴۲} شما بندگان خداوند هستید و خداوند شما را از مصر بیرون آورد، پس نباید به بردگی فروخته شوید. ^{۴۳} با ایشان با خشونت رفتار نکن و از خدای خود بترس. ^{۴۴} اما

۳۴:۲۵
اعد ۵۲:۳۵

۳۵:۲۵

لاو ۲۵:۲۵

تث ۱۱:۱۵

امت ۲۱:۱۴ ؛ ۱۷:۱۹

۳۶:۲۵

خرو ۲۵:۲۲

تث ۲۰:۱۹، ۲۳

نخ ۱۰:۵

۳۸:۲۵

خرو ۲:۲۰

لاو ۴۵:۱۱

۳۹:۲۵

خرو ۱۱:۲۱

تث ۱۸:۱۲، ۱۵

۴۰:۲۵

لاو ۵۳:۲۵

۴۲:۲۵

روم ۲۲:۶

اقرن ۲۳:۷

۴۳:۲۵

اقس ۹:۶

باید به هر طریق ممکن به فقرا کمک کرد. اغلب اوقات یتیمان، بیوه‌زنان، و معلولین بیشتر دچار فقر می‌شدند و از تهیه مایحتاج زندگی عاجز بودند. در جامعه آن روز بنی اسرائیل، زنان در ازای کار دستمزد نمی‌گرفتند. از این رو اگر زنی بیوه می‌شد، نه او و نه فرزندانش هیچ وسیله‌ای برای امرار معاش نداشتند. نیز در این جامعه کشاورزی و گله‌داری برای معلولین کاری نبود. بنابراین می‌بایست بدون توقع سود، به فقرا کمک می‌شد. و از آنجا که از کمکهای دولت خبری نبود، مسؤولیت افراد در قبال حمایت از فقرا دو چندان می‌شد.

۴۴:۲۵ چرا خدا به اسرائیلی‌ها اجازه داد برده‌ها را خرید و فروش کنند؟ مطابق قوانین عبرانی‌ها، با بردگان متفاوت از دیگر اقوام رفتار می‌شد. اسرائیلی‌ها می‌بایست

۳۷:۳۵:۲۵ خدا فرمود بی‌توجهی نسبت به فقرا گناه است. فقر نمی‌بایست در میان قوم اسرائیل وجود می‌داشت. هر کسی وظیفه داشت به نیازمندان کمک کنند و به آنها جا و مکان بدهد. ما اغلب اوقات دست روی دست می‌گذاریم و برای نیازمندان کاری نمی‌کنیم، نه به این علت که نسبت به آنها دلسوز نیستیم، بلکه به این دلیل که مشکل چنان به نظرمان بزرگ می‌رسد که نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم. و حال آنکه خدا نه از شما انتظار دارد فقر را ریشه کن کنید و نه می‌خواهد برای تأمین نیازهای دیگران، احتیاجات خانواده خود را نادیده بگیرید. انتظار او از ما این است که اگر می‌بینیم کسی در احتیاج است، برای کمک به او هر چه در توان داریم انجام دهیم.

۳۵:۲۵ کتاب مقدس بر این نکته فوق‌العاده تأکید دارد که

اجازه دارید برد گانی از اقوامی که در اطراف شما ساکنند خریداری کنید^{۴۵} و همچنین می‌توانید فرزندان غریبانی را که در میان شما ساکنند بخرید، حتی اگر در سرزمین شما بدنیا آمده باشند.^{۴۶} آنان بردگان همیشگی شما خواهند بود و بعد از خودتان می‌توانید ایشان را برای فرزندانان واگذارید. ولی با برادرانتان از قوم اسرائیل چنین رفتار نکنید.

۴۶:۲۵

لاو ۵۳:۴۰-۲۵

^{۴۷} اگر غریبی که در میان شما ساکن است ثروتمند شد و یک اسرائیلی، فقیر گردید و خود را به آن غریب یا به یکی از افراد خاندان او فروخت،^{۴۸} و یکی از برادرانش یا عمویش یا پسر عمویش یا یکی از اقوام نزدیکش می‌تواند او را بازخريد نماید. اگر خود او هم پولی بدست آورد، می‌تواند خود را بازخريد نماید.^{۴۹} او با بازخريد کننده‌اش باید از سال برده شدنش تا سال یوبیل را حساب کند. بهای آزادی او باید مساوی مزد یک کارگر در همان مدت باشد.^{۵۰} اگر تا سال یوبیل مدت زیادی باقی مانده باشد، او پول بیشتری برای آزادی خود پردازد و اگر کم مانده باشد پول کمتری.^{۵۱} اگر خود را به غریبه‌ای بفروشد آن غریبه باید با او مثل یک کارگر روزمزد رفتار کند؛ نباید با او با خشونت رفتار نماید.^{۵۲} اگر پیش از فرا رسیدن سال یوبیل بازخريد نشود، باید در آن سال، خود و فرزندان آزاد گردند،^{۵۳} چون شما بندگان خداوند هستید و او شما را از سرزمین مصر بیرون آورد. او خداوند، خدای شماست.

۴۷:۲۵

لاو ۳۹:۲۵

۴۸:۲۵

نح ۵:۵

۴۹:۲۵

لاو ۲۶:۲۵

۵۰:۲۵

لاو ۲۷:۲۵

ایو ۱:۷

۵۳:۲۵

لاو ۴۶:۴۰-۲۵

۵۴:۲۵

خرو ۶:۳-۲۱

لاو ۴۱:۲۵

۴- بهره‌مند شدن از برکت خدا

خداوند فرمود: «بت برای خود درست نکنید. مجسمه، ستونهای سنگی و سنگهای تراشیده شده برای پرستش نسازید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم. قانون روز سبت مرا اطاعت کنید و عبادتگاه مرا محترم بدارید، زیرا من خداوند هستم.»

۲۶

۱:۲۶

خرو ۱۷:۳۴؛ ۴:۲۰

۲:۲۶

خرو ۱۱:۸-۲۰

بخورند. و حال آنکه این هشدار خدا می‌تواند در مورد ما نیز مصداق داشته باشد، زیرا ما نیز ممکن است هر آن بتهایی را بر خدا مقدم بشماریم. بت پرستی یعنی چیزی را از خدا مهم‌تر شمردن. زندگی ما پر است از چنین وسوسه‌هایی: پول، زیبایی، موفقیت، شهرت، امنیت و... اینجا است که به‌ناگاه متوجه می‌شویم اینگونه بتها چقدر از بتهایی که در عهدعتیق در موردشان می‌خوانیم برایمان ملموس‌تر و واقعی‌تر است. حال که به این خدایان کاذب می‌نگرید- خدایانی که هر چه بخواهید به شما وعده می‌دهند اما از برآوردن نیاز واقعی‌تان عاجزند- آیا باز هم بت پرستی برایتان موضوعی نامربوط و دور از ذهن است؟

به برده‌ها به چشم انسان نگاه می‌کردند و برایشان شأن و منزلت قائل می‌بودند، نه اینکه مثل اقوام دیگر به چشم حیوان به آنها نگاه کنند. کتاب مقدس هرگز در برده‌داری به دیده اغماض نمی‌نگرد، هرچند وجود آن را نیز انکار نمی‌کند. در قوانین خدا در خصوص رفتار صحیح با برده‌ها دستورات زیادی داده شده است. گواه این موضوع نیز این واقعیت است که برده‌های عبرانی در اعیاد مذهبی و استراحت روز سبت شرکت می‌کردند.

۱:۲۶ خدا بارها و بارها به مردم زمان عهدعتیق هشدار داد از پرستش بتها برحذر باشند. ما در شگفتیم از اینکه آنها چطور می‌توانستند فریب این اشیای چوبی و سنگی را

پاداش اطاعت

۳ «اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید،^۵ به موقع برای شما باران خواهیم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه خود را خواهند داد. ^۶خمرمن شما بقدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما بقدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد،^۷ زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد.^۸ دشمنانتان را تعقیب خواهید کرد و ایشان را با شمشیرهایتان خواهید کشت.^۹ پنج نفر از شما صد نفر را تعقیب خواهند کرد و صد نفرتان ده هزار نفر را! تمام دشمنانتان را شکست خواهید داد.^{۱۰} شما را مورد لطف خود قرار خواهم داد و شما را کثیر گردانیده، به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد.^{۱۱} بقدری محصول اضافی خواهید داشت که در وقت به دست آمدن محصول جدید ندانید با آن چه کنید!^{۱۲} من در میان شما ساکن خواهم شد و دیگر شما را طرد نخواهم کرد.^{۱۳} در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.^{۱۴} من خداوند، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا دیگر برده نباشید. زنجیرهای اسارت شما را پاره کردم و شما را سربلند نمودم.

۴:۲۶ لائو ۲۵-۱۹-۲۲
تث ۱۱:۴۱-۱۵
عا ۱۳:۹

۸:۲۶ تث ۲۸:۷-۳۲:۳۰
۹:۲۶ خرو ۴۶:۵۴
تث ۲۸:۶۲-۶۳
۱۰:۲۶ لائو ۲۶:۵

۱۱:۲۶ خرو ۲۹:۴۵-۴۶
۱۲:۲۶ خرو ۶:۷
ار ۳۲:۳۸
۱۳:۲۶ خرو ۲۰:۲

نتایج ناطاعتی

۱۴ «ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید،^{۱۵} قوانین مرا رد کنید

۱۵:۲۶ اعد ۱۵:۳۰-۳۱

گردن خود یا دیگران بیندازیم. خود را بی‌جهت مقصر دانستن یکی از محبوب‌ترین اسلحه‌های شیطان است علیه ایمانداران.
۱۳:۲۶ شادی برده‌ای را تصور کنید که قرار است به‌زودی آزاد شود. خدا بنی اسرائیل را از عذاب بردگی آزاد ساخت و به آنان شأن و منزلت بخشید. ما نیز با پذیرش کفارهای که مسیح برای رهایی ما از بردگی گناه پرداخت، آزاد می‌شویم. دیگر لازم نیست به‌خاطر گناهان گذشته شرمگین و سرافکننده باشیم، بلکه اکنون می‌توانیم با سربلندی راه برویم، زیرا خدا گناهانمان را بخشیده و فراموش کرده است. با این حال درست همان‌طور که قوم اسرائیل هنوز در معرض این خطر بود که دوباره به نظام برده‌داری باز گردد، برای ما نیز این وسوسه وجود دارد که بخواهیم دوباره به زندگی گناه‌آلود سابق باز گردیم. بنابراین باید مواظب باشیم.

۵:۳:۲۶ اگر قوم اسرائیل از دستورات خدا اطاعت می‌کردند، سرزمینشان در صلح و آرامش می‌بود. خدا آنان را به این جهت گرفتار عواقب ناگوار گناه ساخت که می‌خواست آنها را به توبه وادارد، نه اینکه بخواهد از این طریق از آنان انتقام بکشد.
امروزه عواقب گناه را همیشه آشکار و عیان نمی‌بینیم. وقتی بلایی به سراغمان می‌آید، ممکن است علت آن را ندانیم. شاید این مصیبت (۱) در نتیجه ناطاعتی خود ما باشد، (۲) نتیجه گناه کس دیگری باشد، یا (۳) به علت بلایی طبیعی باشد. از آنجا که علت را نمی‌دانیم، باید «دلهای خود را تفحص کنیم» تا ببینیم آیا با خدا در صلح و آشتی به سر می‌بریم یا نه. روح او مانند نورافکنی بزرگ، قسمت‌هایی را که نیاز به اصلاح و مرمت دارد آشکار خواهد ساخت. با این حال از آنجا که بلایا همیشه نتیجه گناه نیستند، نباید با هر مصیبتی تقصیر را به

و عهدی را که با شما بسته‌ام بشکنید،^{۱۶} آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و ترس و امراض مهلک و تبی که چشمهایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم فرستاد. بذر خود را بیهوده خواهید کاشت، زیرا دشمنانتان حاصل آن را خواهند خورد.^{۱۷} من بر ضد شما برخواهم خاست و شما در برابر دشمنان خود پا به فرار خواهید گذاشت. کسانی که از شما نفرت دارند بر شما حکومت خواهند کرد. حتی از سایه خود خواهید ترسید.

۱۸ «اگر باز هم مرا اطاعت نکنید، هفت بار شدیدتر از پیش، شما را بخاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.^{۱۹} قدرت شما را که به آن فخر می‌کنید، درهم خواهم کوبید. آسمان شما بی‌باران و زمین شما خشک خواهد شد.^{۲۰} نیروی خود را به هدر خواهید داد، چون زمین شما حاصل خود و درختانتان میوه خویش را نخواهند داد.

۲۱ «اگر بعد از همه اینها باز هم مرا اطاعت نکنید و به من گوش ندهید، آنوقت بخاطر گناهانتان هفت مرتبه بیشتر بلا بر سرتان می‌آورم.^{۲۲} جانوران وحشی را می‌فرستم تا فرزندانتان را بکشند و حیوانات شما را هلاک کنند و از تعداد جمعیت شما بکاهند تا راه‌هایتان بدون رهگذر و متروک شوند.

۲۳ «اگر با وجود این اصلاح نشوید و برخلاف خواست من رفتار کنید،^{۲۴} آنوقت من هم برخلاف میل شما رفتار خواهم کرد و شما را بسبب گناهانتان هفت بار بیشتر از پیش تنبیه خواهم نمود.^{۲۵} اگر عهد مرا بشکنید، از شما انتقام می‌کشم و علیه شما جنگ بر پا می‌کنم. وقتی از دست دشمن به شهرهایتان بگریزید در آنجا وبا به میان شما خواهم فرستاد، و شما مغلوب دشمنانتان خواهید شد.^{۲۶} ذخیره آرد شما را از بین خواهیم برد بطوری که حتی یک تنور هم برای پختن نان ده خانواده زیاد باشد. بعد از آنکه سهم نان خود را خوردید، باز هم گرسنه خواهید بود.

۲۷ «با این وصف اگر باز به من گوش ندهید و اطاعت نکنید،^{۲۸} شدت غضبناک می‌شوم و بسبب گناهانتان هفت مرتبه شدیدتر از پیش شما را تنبیه می‌کنم،^{۲۹} بحدی که از شدت گرسنگی پسران و دختران خود را خواهید خورد.^{۳۰} بت‌خانه‌هایی را که در بالای تپه‌ها ساخته‌اید خراب خواهم کرد، قربانگاه‌هایی را که بر آنها بخور می‌سوزانید با خاک یکسان خواهم نمود، جازه‌های شما را بر بتهای بی‌جانتان خواهم انداخت و از شما نفرت خواهم داشت.^{۳۱} شهرهایتان را ویران و مکانهای عبادتتان را خراب خواهم کرد. قربانی‌هایتان را نخواهم پذیرفت.^{۳۲} آری، سرزمین شما را خالی از سکنه خواهم کرد و دشمنانتان در آنجا ساکن خواهند شد و از بلایی که بر سر شما آورده‌ام، حیران خواهند شد.

۱۶:۲۶
تث ۲۸:۲۲، ۳۳:۲۷-۶۷؛
۲۵:۳۲
ار ۱۷:۵

۱۷:۲۶
تث ۲۵:۲۸
نح ۳۰-۲۷:۹
مز ۴۲:۱-۱۰۶

۱۹:۲۶
تث ۲۳:۲۸
اش ۵:۲۶؛ ۱۱:۲۵
۲۰:۲۶
مز ۱:۱۲۷
حب ۱۳:۲

۲۲:۲۶
تث ۲۴:۳۲

۲۳:۲۶
اش ۲۰-۱۸:۱

۲۵:۲۶
تث ۲۸:۲۱، ۲۷:۲۹-۲۹؛
۳۵:۳۲

۲۶:۲۶
اش ۱:۳؛ ۱۰:۹-۲۰
حز ۱۶:۴

۲۹:۲۶
تث ۲۸:۵۳-۵۷
۲ پاد ۲۶:۳۰-۳۰

۳۰:۲۶
۱ پاد ۱۳:۵۲
اش ۹:۲۷

۳۱:۲۶
۲ پاد ۲۵:۱-۴
اش ۱۳-۱۰:۲۴
ار ۱۳:۵۲

۳۲:۲۶
تث ۲۸:۳۷؛ ۲۹:۳۳
ار ۱۲:۱۱؛ ۱۸:۱۶
حز ۲۸:۳۳
دان ۲:۹

۳۳ «بلای جنگ را بر شما نازل خواهیم کرد تا در میان قومها پراکنده شوید. سرزمین شما خالی و شهرهایتان خراب خواهند شد. ۳۴ و آنگاه زمینهایی که نمی گذاشتید استراحت کنند، در تمام سالهایی که شما در سرزمین دشمن در اسارت بسر می برید، بایر خواهند ماند و استراحت خواهند کرد. آری، آنوقت است که زمین استراحت می کند و از روزهای آرامی خود برخوردار می شود. زمین بعوض سالهایی که شما به آن آرامی نداده بودید، استراحت خواهد کرد. ۳۶ «کاری می کنم که آن عده از شما هم که به سرزمین دشمن به اسارت رفته اید، در آنجا پیوسته در ترس و وحشت بسر برید. از صدای برگ درختی که باد آن را بر روی زمین حرکت می دهد پا به فرار خواهید گذاشت. به گمان اینکه دشمن در تعقیب شماست، خواهید گریخت و بر زمین خواهید افتاد. ۳۷ آری، هر چند کسی شما را تعقیب نکند، پا به فرار خواهید گذاشت و درحین فرار روی هم خواهید افتاد، گویی از جنگ می گریزید. رمقی نخواهید داشت تا در برابر دشمنان خود بایستید. ۳۸ در میان قومها هلاک خواهید شد و در میان دشمنان از پای درخواهید آمد. ۳۹ آنهایی که باقی بمانند در سرزمین دشمن بخاطر گناهان خود و گناهان اجدادشان از بین خواهند رفت. ۴۰ و «ولی اگر آنها به گناهان خود و به گناهان پدرانشان که به من خیانت ورزیدند و باعث شدند که من آنها را به سرزمین دشمنانشان تبعید کنم، اعتراف کنند و متواضع گردند و مجازات گناهانشان را بپذیرند، ۴۲ آنگاه دوباره وعده های خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب به یاد خواهم آورد و به یاد سرزمین آنها خواهم افتاد، ۴۳ سرزمینی که متروک مانده، کشت نشده و استراحت یافته است. هر چند ایشان بخاطر رد کردن قوانین من و خوار شمردن دستورات من مجازات خواهند شد، ۴۴ ولی با وجود این من ایشان رادر سرزمین دشمنانشان ترک نخواهم کرد و بکلی از بین نخواهم برد و عهد خود را با آنها نخواهم شکست، چون من خداوند، خدای ایشان هستم. ۴۵ من

۳۳:۲۶
تث ۶۸:۴-۲۸
۳۴:۲۶
۲ توآ ۲۱:۳۶
ار ۱۰:۲۹

۳۶:۲۶
تث ۶۷:۶۵-۲۸
حز ۷:۲۱

۳۸:۲۶
تث ۲۷:۲۵-۴
ار ۱۸:۱۷-۴۲
۳۹:۲۶
حز ۱۰:۳۳ ؛ ۴۳:۲۰

۴۰:۲۶
تث ۳۱:۳۰
۲ توآ ۱۷:۷
حز ۳۱:۳۶
متی ۱۲:۲۳
لو ۱۱:۱۴
ایو ۹:۱
۴۲:۲۶
پیدا ۳۱:۱۲ ؛

۱۶:۱۳-۴ ؛ ۱۵:۱۰-۲۶ ؛ ۵:۲۸ ؛ ۱۵:۱۳

۴۴:۲۶
تث ۳۱:۲۹-۴
نح ۳۱:۹
روم ۲۶:۱۱
۴۵:۲۶
خرو ۲:۲۴ ؛ ۲:۲۰
لاو ۳۳:۳۲ ؛ ۲۲
لو ۷۳:۷۲ ؛ ۱

دست به گریبانیم، گاه فوق از توان ما به نظر می رسند؛ و اگر از این واقعیت غافل باشیم که هدف خدا از این مشکلات این است که مدام در او رشد کنیم، ممکن است خیلی زود مایوس شویم. امیدي که به آن نیاز داریم، به بهترین وجه در اریمیا ۱۱:۲۹ بیان شده است: «خواست و اراده من سعادت مندی شماست و نه بدبختی تان، و کسی به جز من از آن آگاه نیست. من می خواهم به شما امید و آینده خوبی ببخشم.» حفظ کردن امید خود با وجود مصائب و مشکلات، نشان می دهد که با دیدی ابدی به مشکلات فعلی خود می نگریم.

۲۶:۳۳-۳۵ از آنجا که خدا دانای مطلق است، می تواند آینده را ببیند. او می دانست که اسرائیلی ها از او ناطاعتی خواهند کرد و سالیان دراز به سرزمینهایی بیگانه تبعید خواهند شد. در فصل های ۱۷ و ۲۵ کتاب دوم پادشاهان می بینیم که چطور هشدار خدا به تحقق می پیوندد. قوم شکست خوردند و به سرزمینهای آشور و بابل برده شدند. ۲۶:۴۰-۴۵ خدا آنگاه که بنی اسرائیل در رنج و زحمت بودند به آنان امید می داد. یکی از رموز مهم امید بستن به خدا این است که از دید او به تجربیات فعلی زندگی مان نگاه کنیم. تجربیات و سختی هایی که هر روزه با آن

عهدی را که با اجداد ایشان بستم به یاد خواهم آورد، زیرا من اجداد ایشان را پیش چشم تمام قومها از مصر بیرون آوردم تا خدای ایشان باشم. من خداوند هستم.»

۴۶ اینها احکام، قوانین و مقرراتی هستند که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

۴۶:۲۶
لاو ۲۷:۳۴
تت ۱:۱۶؛ ۱:۱۲

موقوفات

خداوند این مقررات را توسط موسی به قوم اسرائیل داد: هرگاه شخصی به موجب نذری به خداوند وقف شود، می تواند مبلغ معینی بپردازد و خود را از وقف آزاد سازد. ^۳مردی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد، پنجاه مثقال نقره بپردازد. ^۴زنی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد سی مثقال نقره، ^۵پسران پنج تا بیست ساله، بیست مثقال نقره و دختران پنج تا بیست ساله، ده مثقال نقره بپردازند. ^۶برای پسر یک ماهه تا پنج ساله، پنج مثقال نقره و برای دختر یک ماهه تا پنج ساله، سه مثقال نقره پرداخت شود. ^۷مرد از شصت سال به بالا، پانزده مثقال نقره و زن از شصت سال به بالا، ده مثقال نقره بپردازد. ^۸ولی اگر کسی فقیرتر از آن باشد که بتواند این مبلغ را بپردازد، نزد کاهن آورده شود و کاهن مبلغی را تعیین کند که او قادر به پرداخت آن باشد.

^۹و ^{۱۰}اگر کسی حیوانی که مورد قبول خداوند است نذر کند باید همان حیوان را تقدیم نماید زیرا این نذر مقدس است و نمی توان آن را عوض کرد. نذر کننده تصمیم خود را درباره چیزی که برای خداوند نذر کرده است تغییر ندهد و خوب را با بد یا بد را با خوب عوض نکند. اگر چنین کند، ولی و دومی، هر دو از آن خداوند خواهند بود. ^{۱۱}و ^{۱۲}ولی اگر حیوانی که برای خداوند نذر شده آن نوع حیوانی نیست که برای قربانی مجاز می باشد، صاحبش آن را نزد کاهن بیاورد تا قیمتش را تعیین کند و او باید آن مبلغ را بپردازد. ^{۱۳}اگر حیوان از نوعی است که می توان آن را بعنوان قربانی تقدیم نمود ولی صاحبش می خواهد آن را بازخرد نماید، در آن صورت علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می کند، باید یک پنجم قیمت آن را نیز اضافه بپردازد.

^{۱۴}و ^{۱۵}اگر کسی خانه خود را وقف خداوند کند ولی بعد بخواهد آن را بازخرد

۳:۲۷
خرو ۱۳:۳۰
لاو ۱۵:۵؛ ۲۵:۲۷

۶:۲۷
اعد ۱۶-۱۴:۱۸؛ ۴۸-۴۶:۳

۸:۲۷
لاو ۲۲:۲۱:۱۴

۱۰:۲۷
لاو ۳۳-۱۴:۲۷

او تقدیم کنید، ولی ناگاه چند صورتحساب غیرمنتظره از راه می رسد؛ در این شرایط اگر وفادارانه به قولی که داده اید عمل کنید، ممکن است برایتان گران تمام شود، اما این امانتداری شما از دید خدا پنهان نخواهد ماند.

۱۰، ۹:۲۷ خدا به قوم اسرائیل می آموخت که وقتی به او قولی می دهند، باید به آن وفا کنند، ولو آنکه این کار به بهایی سنگین تر از آنچه انتظارش را داشتند تمام شود. خدا قولی را که به او می دهیم جدی می گیرد. شاید به او قول بدهید که ده درصد از درآمدها را به

نماید، کاهن باید قیمت خانه را تعیین کند و نذر کننده، این مبلغ را به اضافه یک پنجم بپردازد. آنوقت خانه دوباره از آن خودش خواهد بود.

۱۶ اگر کسی قسمتی از زمین خود را وقف خداوند کند، ارزش آن به تناسب مقدار بذری که در آن می‌توان کاشت تعیین شود. قطعه زمینی که صد کیلو جو در آن پاشیده شود، پنجاه مثقال نقره ارزش دارد. ۱۷ اگر شخصی در سال یوبیل مزرعه خود را وقف خداوند کند، در آنصورت قیمت زمین برابر با

۱۸:۲۷
لاو ۱۴:۲۵-۱۶

قیمت محصول پنجاه ساله آن خواهد بود. ۱۸ ولی اگر بعد از سال یوبیل باشد، آنوقت کاهن قیمت زمین را به تناسب تعداد سالهایی که به سال یوبیل بعدی باقی مانده است، تعیین خواهد کرد. ۱۹ اگر آن شخص تصمیم بگیرد آن مزرعه

۲۱:۲۷
لاو ۵۴:۸، ۲۵
اعد ۱۴:۱۸
جز ۲۹:۴۴

را بازخريد نماید، بایستی علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می‌نماید یک پنجم هم اضافه بپردازد و مزرعه دوباره مال خودش خواهد شد. ۲۰ ولی اگر مزرعه را بدون اینکه بازخريد نموده باشد، به دیگری بفروشد، دیگر هرگز حق بازخريد آن را نخواهد داشت. ۲۱ وقتی که در سال یوبیل آن زمین آزاد شود، بعنوان موقوفه متعلق به خداوند خواهد بود و باید به کاهنان داده شود.

۲۲ اگر کسی مزرعه‌ای را که خریده است، وقف خداوند کند ولی آن مزرعه قسمتی از ملک خانوادگی او نباشد، ۲۳ کاهن باید ارزش آن را به تناسب مقدار سالهایی که تا سال یوبیل مانده، تعیین کند، و او هم باید همانروز مبلغ تعیین شده را بپردازد. این مبلغ به خداوند تعلق دارد. ۲۴ در سال یوبیل مزرعه به صاحب اصلی آن که از او خریداری شده، بازپس داده شود. ۲۵ تمام قیمت گذاری‌ها باید مطابق قیمت تعیین شده باشد.

۲۴:۲۷
لاو ۲۱:۲۷
۲۵:۲۷
خرو ۱۳:۳۰
لاو ۱۵:۵
اعد ۱۶:۱۸ : ۴۷:۳
جز ۱۲:۴۵
۲۶:۲۷
خرو ۳۰:۲۲ : ۱۲:۲، ۱۳

۲۶ اولین نوزاد هر حیوانی متعلق به خداوند است، پس کسی نمی‌تواند آن را برای خداوند نذر کند. اولین نوزاد حیوان حلال گوشت را می‌توان به خداوند تقدیم کرد. ۲۷ اما نوزاد حیوان حرام گوشت را که نمی‌توان برای خداوند قربانی کرد، می‌توان با پرداخت قیمتی که کاهن برای آن تعیین می‌کند به اضافه یک پنجم، بازخريد نمود. اگر صاحبش نخواهد آن را بازخريد کند، کاهن می‌تواند آن را به شخص دیگری بفروشد.

۲۸:۲۷
لاو ۲۱:۲۷
یوش ۱۹:۱۷-۱۶

۲۸ اما چیزی که تماماً وقف خداوند شده باشد، چه انسان، چه حیوان و چه مزرعه خانوادگی، هرگز فروخته یا بازخريد نشود چون برای خداوند بسیار مقدس است. ۲۹ کسی که در دادگاه به مرگ محکوم شده باشد نمی‌تواند جان خود را بازخريد نماید، بلکه باید حتماً کشته شود.

۳۰:۲۷
پیدا ۲۲:۲۸
۲۴:۲۱، ۱۸
توا ۲:۶۵، ۳:۱
نج ۱۲:۳
ملا ۸:۳

۳۰ ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می‌باشد. ۳۱ اگر کسی بخواهد این میوه یاغله را بازخريد نماید، باید یک پنجم به قیمت اصلی آن اضافه کند.

۳۲ ده یک گله و رمه از آن خداوند است. وقتی حیوانات شمرده می‌شوند، هر دهمین حیوان متعلق به خداوند است. ۳۳ صاحب گله نباید حیوانات را طوری قرار دهد که حیوانات بد برای خداوند جدا شوند و نباید جای حیوان خوب را با بد عوض کند. اگر چنین کند، هر دو حیوان متعلق به خداوند خواهند بود و دیگر هرگز حق بازخرید آنها را نخواهد داشت. ۳۴ این است دستوراتی که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

۳۳:۲۷
لاو ۱۰:۲۷

۳۴:۲۷
لاو ۴۶:۲۶

در عهد جدید، عیسی با قربانی کردن جانش بر صلیب به خاطر گناهان ما، آخرین فدیة را پرداخت. با این کار، دیگر به قربانی حیوانات نیازی نیست. او خود جایگزین این نوع قربانی شد و خونش بهایی بود که به‌عنوان تاوان گناهان ما پرداخت شد (۱ پطرس ۱: ۱۸، ۱۹). تنها عیسی می‌توانست همه انسان‌ها را از بردگی گناه آزاد سازد، زیرا تنها زندگی او از هر لحاظ کامل بود (عبرانیان ۷: ۲۶، ۲۷؛ ۱ یوحنا ۳: ۵). از آنجا که تنها او توانست مطابق خواسته‌های خدا زندگی کند، فقط او این شایستگی را داشت که ما را از «محکومیت» گناهانمان که همانا مرگ بود، رهایی بخشد. او به‌جای ما مرد تا ما بتوانیم دوباره با خدا ارتباط داشته باشیم. عیسی در لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷ به‌وضوح تعلیم داد که باید از تمام نیازمندان، ولو آنکه دشمنان باشند، دستگیری نماییم. اطاعت از احکام خدا که شیوه درست زیستن را به ما می‌آموزد، حتی در برخورد با دوستان به اندازه کافی دشوار هست. اما پیروی از احکام خدا که در برخورد با دشمنان ما را به انصاف و مهربانی توصیه می‌کند، نشان می‌دهد که حقیقتاً با مردم دنیا فرق داریم.

۳۳:۲۷ بسیاری از اصولی که در خصوص قربانی و ده یک وضع شده بود، علاوه بر جنبه ظاهری، به این هدف نیز بود که قوم را تشویق کند خود را از درون اصلاح کنند. وقتی کسی با اکراه ده یک تقدیم می‌کند، نشان می‌دهد که دلش بسته است. خدا از ما می‌خواهد با خوشحالی و گشاده‌رویی هدیه بدهیم (۲ قرنتیان ۹: ۷). می‌خواهد آنچه به او می‌دهیم در کمال سپاس و قدرشناسی از او باشد، هم‌او که یگانه معبود ما است.

۳۴:۲۷ کتاب لاویان سراسر دستوراتی است که خدا در پای کوه سینا به قومش داد. از طریق این دستورات می‌توانیم چیزهای زیادی درباره طبیعت و شخصیت خدا بیاموزیم. در نگاه اول، چنین به‌نظر می‌رسد که این کتاب چندان ربطی به دنیای امروز ما ندارد. اما با نگاهی دقیق‌تر، متوجه خواهیم شد که کتاب لاویان برای امروز ما نیز پیامی دارد، زیرا خدا امروز نیز همان است و تغییر نکرده است. در ضمن این که مردمان و جامعه دستخوش تغییر می‌شوند، باید مدام در جستجوی راههای تازه‌ای باشیم تا ببینیم چطور می‌توانیم اصول شریعت خدا را در اوضاع و شرایط فعلی مان پیاده کنیم. خدای کتاب لاویان همان خدای امروز است و تا ابد نیز همان خدا خواهد بود (عبرانیان ۸: ۱۳).